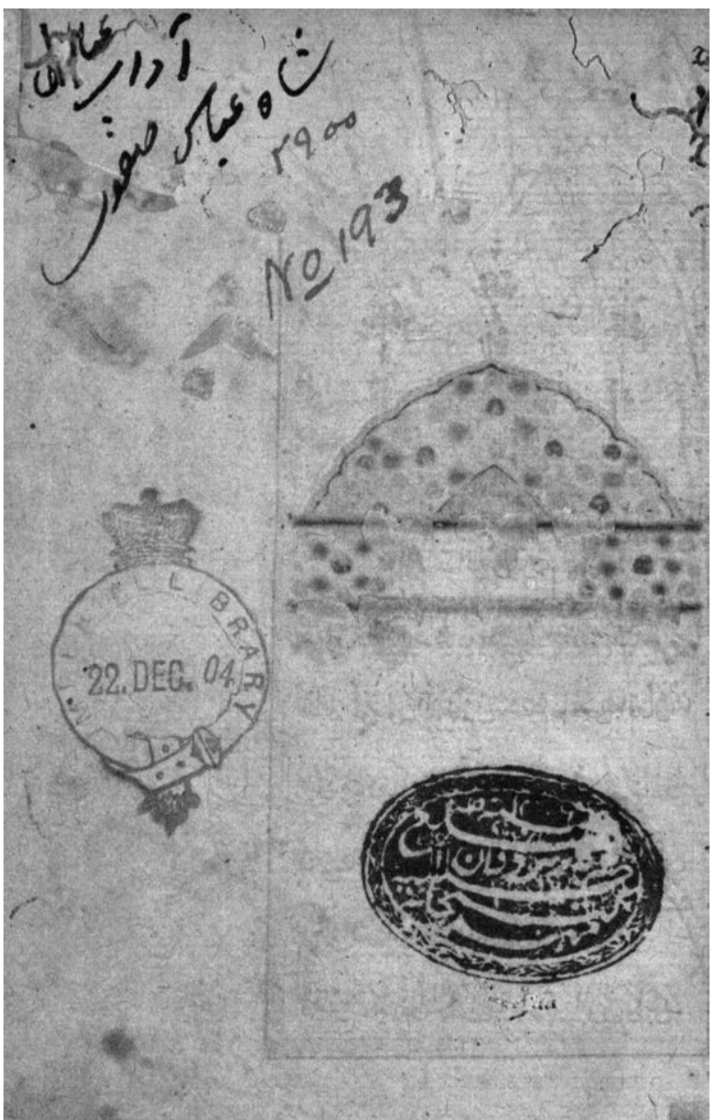
١٩٣

اداب عباسي



آداب عباسی
شاه عباس صفوی
۳۹۰۰
No 193
22. DEC. 04
LIBRARY

بسم الله الرحمن الرحيم

تقديس و تسبيح پادشاه قادريكه خلص عبادتنى مفتاح فلاح

قد افلح المؤمنون الذين هم فى صلاتهم خاشعون اقفالنه آچن

عبوديت و بندكى كشاينده مقربان قدس عبوديتنى شاهد اعمال

لايجلى و جلل يذكرون الله قياما و قعودا و على جنوبهم يتفكرون

فى خلق السموات و الارض آراينه باديانتكان قدس قبولنى ازسا

و يطوف عليهم ولدان مخلدون باكواب و اباريق و كاس من

معانى

معین رحیق مختوم ختامه مسك وسقاهم ربهم شرابا
طهورا آشامند وخلعه وحمله عرش تقدیسش بوسانند فاذا
فرغت فانصب والی ربك فارغب آرامند تقدست عزته وعزت
قدسته وصلوات مقدسات وتحیات مطهرات بر اقدس مقدسیان
ومهللین واشرف ممجدین ومسبحین شارب رحیق وانهار من خمر
لذة للشاربین تاجدار ملك دنی فتدلی فكان قاب قوسین
او ادنی شهسوار میدان ولسوف یعطیك ربك فترضی محرم
بارگاه ولا یشفعون الا لمن ارتضی صاحب سریر یا ایها المدثر
قم فانذر وربك فكبر وثیابك فطهر وبر آل اطهار واولاد
مطهرین اخیار شاهنشاهان ملك انما یرید الله لیذهب
عنكم الرجس اهل البیت ویطهركم تطهیرا صلوات وتسلیمات

دائمه بدوام عز ربوبیت وقدس الوهیت تعززت وتقدست تعالی

چون رسالهٔ مفتاح الفلاح که تازه گلیست از بهارگلزار افادات وافاضات

مرضیه عالیحضرت علامهٔ زمان فرید دهر ووحید اوان عالم یکتا

ودانشور بی همتا پیشوای فخام فضلا امام عظام علما سخنوران

سرور دانشوران سلطان سلاطین محققین علما برهان اساطین

مدققین حکما عارف انوار لاهوتیه واقف اسرار ملکوتیه حلال

مشکلات عقلیه کشاف معضلات نقلیه شمس سماء افاده

بدر فلک افاضه افضل اهل بلاغت وخضر محیط شریعت ائمهٔ اثنا عشر

علیهم صلوات الله وسلامه الی یوم المحشر بهاء الملة والحقیقة

والشریعة والدین محمد امن الله بطول بقائه علی العالمین وادام

افاضته وافادته علی المؤمنین تا در جهان نیاز حاصل نسیم

وزرکس نعمتی نبد کز از زندکانیا پیوسته باد با تو و با تو دو زکار

توع زو بقا و مملکت جاودانیا عالم کسسته خصم ترا در دل آرزو

و دولت نموده حکم ترا خوش عنانیا و کلید اقفال خزاین نجات

و دستکاریست و فاتح ابواب جنات عبادت و نیکو کاری

در بیان آنچه در هر شبانروزی باید بجای آورد از واجبات و

و نماز شامل

سنتهای و وضوی کامل و معنی هر چه در نماز خوانده میشود

از الحمد و ذکرها و بیان اوراد در تعقیبات و نسبة هر ساعتی از

ساعات روز بیکی از ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم

اجمعین و دعاهای آنها و طریق نماز شب و بیان نمازهای

سنتی و هر آنچه مؤمنی را ضروری و ناچار است و بواسطه عربی بودن

او فارسی زبانان را از آن نفع کم بود دا سد فیوض قدسیه این صب علی

انها و ادات خوردن و آشامیدن
و دعاهای انها و روش خواندن
و برخواستن از خواب و دعاهای انها

غفر الله له ولوالديه صدر الدين محمد التبريزي شرح الله صدره ويسر

امره و این را موسوم ساخت بآداب عباسی و من الله التوفیق و علیه

التکلان و این رساله را شش باب است باب اول در بیان انچه از

طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد باب دوم در بیان

انچه از وقت طلوع آفتاب تا وقت ظهر بجا باید آورد باب

سیوم در بیان انچه از وقت ظهر تا وقت فرو رفتن آفتاب بجا باید آورد

باب چهارم در بیان انچه از فرو رفتن آفتاب تا وقت خوابیدن

بجا باید آورد باب پنجم در بیان انچه از وقت خوابیدن تا نصف

شب بجا باید آورد باب ششم در بیان انچه از نصف شب تا

طلوع صبح بجا باید آورد باب اول در بیان انچه از طلوع

صبح صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد و در آن مقدمه است و چند

و این را از زبان فارسی ترجمه کرد
[illegible]

فصل

فصل مقدمه بدانکه از اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین

حدیث بسیار است و در فضیلت این وقت نقل شده و این وقت را

همه ساعت غفلت گویند چنانکه از فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن

شفق را هم ساعت غفلت مینامند سنت است که آدمی درین وقت

بیدار شود زیرا که خواب درین وقت شوم است رئیس المحدثین محمد بن بابویه

در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده که حضرت امام محمد

باقر علیه السلام فرموده که خواب صبح شوم است میرماند روزی را

و زرد میکند رنگ را و متغیر میسازد و آن خواب بر شوم است

بد بختی که خدا تعالی قسمت میکند روزیها بنی آدم را وقتی که

میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب پس حذر کنید و بپرهیزید

از این خواب و هم در کتاب مذکور روایت کرده از حضرت ابی الحسن

الرضا علیه السلام در تفسیر آیه فالمقسمات امرا فرموده که
مراد فرشتگانند که قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را میان
طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس کسی که خواب میکند در این وقت
خوابیده است از روزی خود و در حدیث است که نماز صبح نوشته
میشود هم در عملهای شب و هم در عملهای روز روایت کرده
کلینی در کتاب کافی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
در تفسیر آیه ان قرآن الفجر کان مشهودا که مراد بقرآن الفجر نماز
صبح است می بینند آنرا فرشتگان شب و فرشتگان روز پس
هرگاه که بگذارد بنده نماز صبح را در وقت طلوع فجر نوشته
میشود برای او دو بار مینویسند فرشتگان شب و فرشتگان روز
و در اینجا اشکالی نیست زیرا که جماعتی از علماء ما روایت کرده‌اند

تقة الاسلام

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سوال کرد یکی
از نصاری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ساعتی که
که نه از ساعتهای شب است و نه از ساعتهای روز پس آنحضرت
فرمود که ساعت میان طلوع فجر است تا طلوع آفتاب و مخفی
نیست که این روایت خلاف اجماع شیعه است که نماز صبح
داخل نماز روز است و خلافی درین نیست مگر از سلیمان بن مهران
الاعمش که او نماز صبح را داخل نماز شب دانسته بدلیل قول حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که صلوة النهار عجماء یعنی نماز
روز آهسته است و نیز دلیل او میتوان ساخت آنچه ابن بابویه
در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

در روز هیچ نماز نمیکردند تا زوال آفتاب یعنی تا وقت ظهر و جواب
ازین اشکال اینست که در روایت هست که آن سائل از کشیشان
و علماء نصاری بود و آنحضرت امام علیه السلام سوال کرده
از مسئله چند که در مذهب ایشان بود و مطلع نبودند بر آنها
مگر بزرگان علماء نصاری و این مسئله از آنها بود پس شاید که
امام علیه السلام او را جواب داده بطریقی که موافق مذهب
او بود و این منافاتی ندارد بآنچه مذهب ما است که روز
از ابتداء طلوع فجر است تا غروب آفتاب واما جواب از حدیثی که
اعمش دلیل خود میساخت که نماز روز آهسته است بعضی
از علماء ما چنین گفته‌اند که اینجا تغلیب اکثر است بر اقل یعنی
چون بیشتر نماز روز آهسته است پس اعتبار اکثر کرده نماز صبح

مذکور نشده با آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نماز

صبح را از نماز شب شمرده اند بجهت مبالغه در تغلیسش یعنی

مبالغه در گذاردن آن در تاریکی روایت شده که آنحضرت نماز

صبح را در تاریکی بجا می آوردند حتی آنکه آنحضرت چون از نماز

فارغ میشدند زنان بخانهای خود میرفتند کسی ایشان را نمی

شناخت بواسطه تاریکی روایت کرده ابن بابویه در کتاب

فقیه که یحیی بن اکثم سؤال کرد از حضرت امام موسی کاظم

علیه السلام که چرا در نماز صبح قرائت بلند میکنند با آنکه آن

نماز روز است پس آنحضرت فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی

الله علیه وآله وسلم نماز صبح را در تاریکی بجای می آوردند پس از آن

مقارن کرد بنماز شب و باین حدیث ظاهر شد جواب از حدیث

ابن بابویه که دلیل اعمش میساختند با وجود آنکه ظاهر است که
مراد حضرت علیه السلام درین حدیث نفی نماز چاشت است که
سنیان میکنند یعنی پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نماز چاشت
که سنیان میکنند نمیکرد وآن سنت نیست فصل در تحقیق
فجر اول که صبح کاذبست وفجر دویم که صبح صادقست حضرت
جمال الدین مطهر حلی قدس سره در کتاب منتهی المطلب
فرموده بدان بدرستی که روشنی روز از روشنی آفتابست و
روشن نمیشود بآفتاب مگر چیزی که تیره باشد فی نفسه
وکثیف باشد جوهرش مثل زمین وماه واجزاء زمین خواه
متصل باشد خواه منفصل وهرچه روشن شود در آفتاب
اورا از جانب دیگر سایه می افتد وخدا تعالی مقدس ساخته

بلطف حکمتش کردیدن آفتاب را بر کرد زمین پس هر کاه که آفتاب

زیر افق موضعی باشد سایه بالای آن افق باشد بر شکل مخروطی

هوائی که از آفتاب روشن است احاطه کرده بان مخروط ظل یعنی

دور مخروط ظل همه روشنست بان هوای روشن اما روشنی آن

هوا ضعیف است زیرا که روشنی این هوا بمجاورة هوائیست

که از آفتاب روشن کشته و این روشنی بمیان مخروط نمیرسد

بلکه هر چند بمیان مخروط نزدیکتر میشود این روشنی کمتر میشود

پس ما دامی که در میان مخروط باشیم در غایت تاریکی خواهیم

بود چون آفتاب نزدیک شود بافق مشرق میل میکند مخروط ظل

از سمت راس و اجزاء هوا که روشن از آفتاب نزدیک می شود ببعض

نزدیک بصباح و بهمان طریق هر چند نزدیک آفتاب بافق پیشتر

ست بمجاورت هوا که روشن

میشود روشنی دو مخروط ظل نزدیکتر می شود بدین سبب تا طلوع آفتاب

و روشنی که اول ظاهر می شود باریک و دراز است مثل ستون و این را صبح

کاذب میگویند و تشبیه کنند بدم گرگ بجهت باریکی و درازی او

و آن فجر اول می نامند بجهت تقدم وی بر فجر دوم و کاذبش میگویند برای آنکه

افق گویا دروغ گفته که صبح شد و این روشنی ضعیف می باشد و باریک

و روی زمین تاریک باشد تا یکی ظل بعد از آن روشنی زیاده میشود

در طول و عرض تا پهن میشود در عرض افق بطریق نصف دایره

و این فجر صادقست زیرا که راست گفته در خبر دادن از صبح و برای

توضیح این کلام این شکل را این ذکر دیم [illegible] بدانکه متعلق نیست

بصبح کاذب مگر اندکی از عبادت مثل داخل شدن وقت فضیلت عشا

و تر زیرا که افضل اوقات و تر از طلوع فجر کاذب تا طلوع صبح صادق

روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب بسند صحیح که

اسمعیل بن سعد الاشعری که گفت پرسیدم از حضرت امام رضا

ع م از ساعات وتر پس آنحضرت فرمود دوستترین ساعتها وتر

نزد من فجر اولست و در حدیثی است که شخصی در اول شب پرسید از

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از وقت وتر حضرت جواب نگفت

تا وقت ما بین صبح صادق و کاذب شد حضرت امیر المؤمنین علیه

السلام بیرون آمد بمسجد و سه بار ندا کرد که کجا است آنکه سوال

کرد از وقت وتر نیکو ساعتیست نماز وتر و این ساعت بعد از آن

آنحضرت برخواست و نماز وتر بجای آورد اما صبح دویم پس عبادات متعلق

باین بسیار است و چون محقق شد طلوع آن این دعا بخوانند یا فالق

من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل علی محمد و آله و اجعل

اوّل یومنا هذا صلاحاً واوسطه فلاحاً وآخره نجاحاً

روایت کرده ابن بابویه قدس سره در کتاب فقیه بسند صحیح

که حضرت امام جعفر صادق عم فرمود که نوح عم هرگاه صبح

وشام کردی در هریک ده بار گفتی اللّهمّ انّی اشهد انّه

ما اصبح بی من نعمة او عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک

لا شریک لک لک الحمد ولک الشکر بها علیّ حتّی ترضی وبعد

الرضا پس باین سبب نام او عبد شکور شد وروایت کرده کلینی در

کتاب کافی بسند حسن از امام جعفر صادق علیه السلام که چون صبح

میشد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میگفت سبحان الملک

القدّوس سه بار اللّهمّ انّی اعوذ بک من زوال نعمتک ومن

تحویل عافیتک ومن فجأة نقمتک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد

و بعد از آن میگفته

9

وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَقُوَّةِ سُلْطَانِكَ وَبِشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعَظِيمِ

سُلْطَانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ

تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا روایت کرده کلینی در کتاب کافی بسند صحیح که حضرت

امام محمد باقر عم فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم گذشت

بر شخصی که درخت می نشاند در زمین محوطه خودش پس پیغمبر صلی

الله علیه وآله وسلم ایستاد و گفت یا دلالت کنم ترا بر نشاندن درختی

که اصل آن ثابت تر و رسیدن آن میوه زودتر و میوه آن باقی

بهتر است آن شخص گفت بلی پس مرا دلالت کن یا رسول الله آنحضرت

فرمود که چون صبح و شام کنی بگو سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ

اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ پس بدرستی که ترا است بهر تسبیحی ده درخت

در بهشت از انواع میوها این تسبیحات اند از باقیات الصالحین

پس امام محمد باقر علیه السلام فرمود که آن شخص گفت که بدرستی که ترا

گواه میکرم یا رسول الله که این محوطه من صدقه ایست مقبوضه

بر فقرای مسلمین که مستحق صدقه باشند پس نازل ساخت خدای

تعالی آیه چند از قرآن فَاَمّا مَنْ اَعْطی وَاتَّقی وَصَدَّقَ بِالْحُسْنی فَسَنُیَسِّرُهُ

لِلْیُسْری یعنی آنکس که عطا کند و به پرهیزد و تصدیق کند به نیکوئی

پس زود باشد که ما میسازیم او را برای آسانی و روایت کرده سید

جلیل جمال العارفین رضی الدین علی بن طاوس قدس سره که حضرت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که صباح کند و در دست راست

او باشد انگشتری که نگین او عقیق باشد که با و مهر کرده باشد پیش

از آنکه کسی را بیند نگین آنرا بشکم دست بگرداند و سوره انّا انزلنا

فی لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر الی اخره بخواند بعد از ان
بگوید آمنت بالله وحده لا شریک له وکفرت بالجبت والطاغوت
وآمنت بسر آل محمد وعلانیتهم وظاهرهم وباطنهم و
اولهم وآخرهم نگاه دارد خدا تعالی وی را در ان روز از
شر آنچه از آسمان بزمین آید وآنچه از زمین بیرون آید وآنچه بآسمان
بالا رود وآنچه در زمین فرو رود ودر حرز خدا باشد تا شام کند
روایت کرده از امام محمد جعفر صادق علیه السلام که نزد صباح
سه بار باید گفت استودع الله العلی الاعلی الجلیل العظیم دینی
ونفسی واهلی ومالی وولدی واخوانی المؤمنین وجمیع ما
رزقنی ربی وجمیع من یعنینی امره استودع الله المخوف
المرهوب المتضعضع لعظمته کل شیء دینی ونفسی ومالی

وَاَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقْتَنِي

وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي اَمْرُهُ فصل اگر در محل طلوع فجر بی وضو باشی

طهارت

شروع کن بوضو ساختن بوضو ساختن تا وقت اذان فجر با

باشی اما اینجا وضوی کامل را بیان کنیم پس چون خواهی وضو سازی

اول مسواک کن و باید که بعرض یعنی پهنای دندانها مسواک

کنی نه بطول یعنی نه بدرازی آنها و کافیست انگشت از چوب

مسواک روایت کرده در کتاب تهذیب که حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

فرموده که مسواک بابهام یعنی انگشت بزرگ و مسبحه یعنی انگشت

شهادت مسواک است و سنتست رو بقبله کرده در حال

آنچه

وضو و اگرچه علما ذکر نکرده اند بعضی ذکر کرده و مستند شده با

مسواک

منقولست از ائمه علیهم السلام که بهترین مجالس آنست که رو بقبله
باشد پس اگر وضو بظرفی سازی که ممکن باشد دست دران فرو بردن
آن را بر جانب راست بگذار و اگر از نهری یا حوضی وضو سازی پس چنان
بنشین که آن بر جانب راست تو واقع شود و اگر جمع نتوان کردن
رو بقبله نشستن و گذاشتن آب وضو بر جانب راست پس لم
ترجیح استقبالست و چون نظر بر آب کنی بگو الحمد لله الذی
جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا پس بشوی دستها را تا بندها
پیش از آنکه در آب فرو بری یکبار اگر از حدث بول یا خواب وضو سازی
و از حدث باد و دوبار از حدث غایط و شستن دستها از غیر آن
سه حدث سنت نیست و اگر وضو از حوضی یا ابریقی بود پس مذهب اکثر
علماء ما ساقط شدن شستن دستها است و بعضی را میل است

بباقی بودن این سنت و این بدنیست بعد از آن دست راست در

آب زن و تسمیه بگو چنانکه روایت کرده در تهذیب بسند صحیح

که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هرگاه دست در آب

بگذاری بگو بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی

من المتطهرین پس سه بار مضمضه کن یعنی آب در دهن کن به کف

پس سه بار دیگر آب در بینی کن و بگو عقب هریک دعائی که در فصل

آینده یاد دهیم خواهیم کرد پس دست کفی بردار و نیت کن که وضوء واجب

میسازم برای امتثال امر الله تعالی و مقارن ساز نیت شستن بالای

رو را و حکم نیت را دائم دار تا فارغ شدن و بگو بسم الله چنانکه

روایت کرده در کافی از محمد باقر علیه السلام و ظاهر آنست که بسم الله

اول از اینمعنی نیست زیرا که آن از برای شروع در سنت بودن

از برای شروع در واجبست وتجویز کرده اند در مقارن ساختن
نیت را بشستن دستها اگر شرائطش موجود باشد بمضمضه
واستنشاق هم بدلیل انکه این هر سه از افعال وضوی کامل اند
وابن طاوس قدس سره توقف کرده در جائز بودن مقارنه نیت
بغیر شستن رو واحتیاط با اواست پس چون آب بر روی بریزی
دست بران کش چنانکه از اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین
منقولست نزد حکایت وضوئی بیانی پیغمبر صلی الله علیه وسلم
وخلاصی از خلاف کسی که دست کشیدن را واجب میداند وواجب
نیست تقدیم شستن هر جزوی از اجزای رو که بالاتر است
بر جزوی که زیر آن جزواست بلکه چون ابتدا بشستن اعلای
روی کنی کافیست وحد روی در طول وعرض آنست که دو رکند برو

ابهام و وسطی یعنی انگشت بزرگ و انگشت میانه چنانکه ناطق است

بآن حدیث صحیح زراره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و ما

آن را بیان کردیم در شرح حدیث چهارم از چهل حدیث و واجبست

تخلیل یعنی رسانیدن آب بزیر موی که پوست روی از زیر آن دیده

شود در مجلس مخاطبه چنانکه شستن بر او صادق آید اما موئی که

پوست روی در مجلس مخاطب دیده نشود تخلیل آن واجب نیست

بلکه واجب شستن ظاهر آن موی است و چشمها را بگشاد در حال

وضو ساختن رعایت کرده در نقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه

و آله و سلم فرموده بگشائید چشمهای خود را نزد وضو ساختن

شاید که چشمهای شما نبیند آتش دوزخ و اکثر علمای ما ذکر این

در سنتهای وضو نکرده اند و بعضی را ظن شده که وجه اهمال

آن باشد که شیخ طوسی قدس سره نقل کرده اجماع را بر آنکه سنت
نیست رسانیدن آب وضو بدرون چشمها و شهید قدس سره
در کتاب ذکری فرموده که منافاتی نیست میان این دو امر زیرا که
میتواند که چشمها باز کرده سنت باشد و آب بدرون چشم کرده
سنت نباشد و این کلام شیخ شهید نیکوست و دور نیست
که ثواب مذکور مرتب باشد بر دیدن متوضی افعال وضوء

تتمه

خود را پس چون فارغ شوی از شستن روی کفی از آب بر دار
بدست چپ چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده
بشو بآن دست راست را از مرفق و دست را بکش بر آن تا سر
انگشتان و اینجا واجبست رسانیدن آب بزیر موی اگرچه دیده
نشود و ابتدا کن بشستن ظاهر دست و زن ابتدا کند بباطن

بعد از ان بدست راست کفی آب بردارد و بآن دست چپ را بشو
چنانکه راست را شستی و باید که هر یک از هر یک از روی و
دستهارا یکبار بشوی زیاده چنانکه مذهب کلینی است در کافی
و ابن بابویه در فقیه و بسط این کلام در مشرق الشمسین و حبل
المتین است پس بتری دست راست مسح کن پیشه انکشت پهلوی
هم نهاده پوست پیش موی سررا یا مویی را که بانجا روئیده
و بکشیده بیرون نرود از حد خود یعنی چنان دراز نباشد
که جای دیگر را پوشیده و بباقی مانده آن تری مسح کن پشت پای
راست را از سر انکشتان تا کعب یعنی تا بند تا انجا که از هم جدا می شود
یا از قدم و کافی نیست مسح پایین تر از کعب و این هم در مشرق
الشمسین و حبل المتین مذکور است پس مسح پشت پای چپ را

۱۵

را به توی دست چپ و باید که مسح سر و قدمها بکف دستها

باشد نه بپشت دستها مگر برای ضرورتی و باید که دست

کشیده شود بر سر و قدمها و کافی نیست گذاشتن بی

کشیدن و باید که قدمها را مسح کنی بتمام کف چنانکه

در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی

که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام از

مسح بر قدمها که چگونه است پس آنحضرت گذاشت کف

دست خود را بر انگشتان پای پس مسح کرد آنها را تا کعبها

پس گفتم اگر کسی بدو انگشت از انگشتان خود مسح کند اینچنین

تا کعبین حضرت فرمود لا الا بکفه کلها یعنی مسح تمام

نیست مگر بکف و تمام کف و باید که افعال وضو را پی در پی

بجا آرد بی تأخیری میان آنها با رعایت ترتیب مذکور حتی
در مسح قدمها چنانکه مختار جمعی است از متقدمین علماء
ما و کلینی در کافی روایت کرده بسند حسن که حضرت امام
جعفر صادق عم فرموده که مسح کن بر قدمها و ابتدا کن بجانب
راست و باید که نزد هر افعال از افعال وضو بخواند دعائی
که مقرر است برای آن فعل چنانکه در فصل ثانی مذکور می شود
چون از وضوء فارغ شوی بگو الحمد لله رب العالمین چنانکه
شیخ طوسی در تهذیب روایت کرده بسند حسن صحیح بعد از آن بگوید
اللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ اللّهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُکَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَتَمَامَ الصَّلٰوةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِکَ
وَالْجَنَّةَ بدانکه بیشتر افعال مذکوره و جمیع دعا سنت است

و افعالی که واجبست ده است نیت باستدامت حکمی و شستن
روی و دستها و مسح سر و قدمها متصل از سر قدمها تا کعبها و
ترتیب و موالات یعنی پی در پی بودن افعال و مباشرت یعنی خود
وضو ساختن مگر برای ضرورت و سنتست ترک تمندل یعنی
بعد از وضو مندیل خشک کردن تری وضو روایت کرده کلینی در
کافی که حضرت امام جعفر صادق عم فرمود که کسی که وضو کند و
تمندل نکند باشد برای او سی حسنه و ظاهر آنست که عمدا خشک
کردن آب وضو بآفتاب یا با آتش مثل تمندل باشد و باکی نیست بوضو
کردن در مسجد از غیر حدث بول و غایط و از این دو مکروهست
چنانکه روایت کرده در کافی بسند صحیح **فصل** روایت کرده
ثقة الاسلام در کافی و رئیس المحدثین در فقیه و شیخ الطائفه

در تهذیب از عبد الرحمن بن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه
السلام نشسته بود با پدر خود محمد حنیفه رض گفت ای محمد
بیار ظرفی از آب تا وضو سازم برای نماز پس آورد آنحضرت را
محمد آب پس آنحضرت کفی از آب بدست راست ریخت از دست
چپ پس آنحضرت گفت بِسْمِ اللهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ
طَهُوراً وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً حضرت امام جعفر صادق عم فرمود
که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از آن استنجا کرد پس گفت
اللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَأَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی
النَّارِ فرمود که بعد از آن مضمضه کرد یعنی آب در دهن مبارک کش
کرد پس گفت اللّٰهُمَّ لَقِّنِی حُجَّتِی یَوْمَ أَلْقَاكَ وَأَطْلِقْ لِسَانِی
بِذِکْرِكَ بعد از آن استنشاق کرد یعنی آب در بینی مبارک کش کرد

[illegible] امیر المؤمنین علیه السلام

پس کفت اللهم لا تحرم علی ریح الجنة واجعلنی ممن یشم
ریحها وروحها وریحانها وطیبها پس شست روی
مقدسش را پس کفت اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه
الوجوه ولا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه پس شست
دست راستش را پس کفت اللهم اعطنی کتابی بیمینی والخلد
فی الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا پس شست
دست چپش را پس کفت اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی
ولا من وراء ظهری ولا تجعلها مغلولة الی عنقی واعوذ
بک من مقطعات النیران پس مسح سر کرد وکفت اللهم
غشنی برحمتک وعفوک وبرکاتک پس مسح کرد پایهای پیش
را پس کفت اللهم ثبتنی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام

وَاجْعَلْ سَعْیِی فِیمَا یُرْضِیکَ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ

پس بالا کرد دست مبارکش را پس نظر کرد بمحمد و گفت ای محمد کسی

که وضو کند مثل وضوء من و بگوید مثل گفتن من خلق کند

خدای تعالی از هر قطره فرشته که تقدیس و تسبیح و تکبیر خدا

بگوید پس بنویسد خدای تعالی برای او ثواب آن را تا روز قیامت

بدانکه میان نسخهاء کافی و فقیه و تهذیب اندک اختلافیست

در بعضی الفاظ این دعاها و آنچه اینجا مذکور است بطریقی ست

که شیخ طوسی قدس سره در تهذیب آورده و نسخه که پیش

عالیحضرت استاد استادی دام الله ظله بخط والد مبارکش قدس

سره است و همین نسخه را پیش شیخ زین الدین نور الله ضریحه

خوانده و در آخر هر جلدی اجازه نوشته بخط مبارکش برای او

فصل هرگاه از وضو فارغ شوی متوجه بمسجد شو روایت
کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت امام جعفر صادق عم
فرمود کسی که راهی شود بمسجد نگذارد پای بر هیچ تری و نه
بر هیچ خشکی مگر که تسبیح کند برای او زمین تا زمین هفتم
و باید که بگوئی وقت بیرون رفتن از خانه بِسْمِ اللهِ الَّذِی
خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِیْنِ وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِیْنِ وَ
اِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِیْنِ وَالَّذِی یُمِیْتُنِی ثُمَّ یُحْیِیْنِ وَ
الَّذِی اَطْمَعُ اَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیْئَتِی یَوْمَ الدِّیْنِ رَبِّ هَبْ لِی
حُکْمًا وَاَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِیْنَ وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی
الْآخِرِیْنَ وَاجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیْمِ وَاغْفِرْ لابی
روایت کرده جمال السالکین در عدة الداعی از پیغمبر صلی الله

عَلَيْهِ وآله وسلم که فرمود کسی که وضو سازد پس بیرون رود بجانب

مسجد و در محل بیرون رفتن از خانه اش بگوید بسم الله الَّذِي خَلَقَنِي

فَهُوَ يَهْدِينِ هدایت کند او را خدا تعالی بصواب و ایمان و چون

بگوید وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ بخوراند خدا تعالی او را از

طعامها بهشت و بیاشاماند او را از شراب بهشت و چون بگوید

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ بگرداند خدا تعالی این گفتن را کفاره

گناهان او و چون بگوید وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ بمیراند خدا تعالی

او را میرانیدن شهدا و زنده دارد او را زندگانی سعدا یعنی سعادت

یافتگان و چون بگوید وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

بیامرزد خدا تعالی جمیع خطاهای او را اگرچه زیاده از کف دریا باشد

و چون بگوید رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ببخشد خدا تعالی

اورا حکمت وعلم وبرساند اورا بصالحان گذشتگان وصالحان

باقی ماندگان وچون بگوید وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی

الآخِرِینَ بنویسد خدای تعالی برای او در ورق سفیده که

فلان بن فلان از راست گویانست وچون بگوید واجعلنی

مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ عطا کند خدا تعالی باو منزلها در بهشت

نعیم وچون بگوید وَاغْفِرْ لِأَبِی بیامرزد خدا تعالی پدر و

مادر او را وهرگاه خواهی که بمسجد داخل شوی کفش را و آنچه

قائم مقام آن باشد ملاحظه کن که نجاستی نداشته باشد

ومقدم دار پای راست را و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ

وَإِلَى اللهِ وَخَیْرُ الْأَسْمَاءِ کُلِّهَا لِلهِ تَوَکَّلْتُ عَلَى اللهِ وَلَا حَوْلَ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

وافتح لی ابواب رحمتک و توبتک واغلق عنی ابواب
معصیتک واجعلنی من زوارک وعمار مساجدک و
ممن یناجیک فی اللیل والنهار ومن الذین هم فی صلوتهم
خاشعون وازجر عنی الشیطان الرجیم وجنود ابلیس
اجمعین وچون بکنی کفش یا نعلین یا غیر اینها را بیرون کن چپ
را پیش از راست و در پوشیدن بعکس و اگر در پا نعلین عربی
باشد و نماز کردن با آن ممکن باشد پس با آن نماز کن و آنرا بیرون
مکن زیرا که نماز در نعل عربی سنت است روایت کرده در تهذیب به سند
صحیح از معاویه بن عمار که گفت دیدیم بارها امام جعفر صادق علیه
السلام که نماز میکرد در نعلینش و هرگز ندیدیم که کندش باشد
و روایت کرده از عبدالرحمن بن ابی عبدالله که او گفت حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه که نماز
میکنی پس نماز کن در نعلین اگر پاک باشد زیرا که گفته خواهد
شد که این از سنت است و ظاهر آنست که حضرت اراده
کرده که هرگاه تو در نعلین نماز کنی شیعه میدانند که نماز
در ین سنتست زیرا که راوی از اعیان اصحاب ما هست
در نعلین و تمام اعتماد بر قول و فعل او هست بعد از آن اذان
بگو زیرا که اذان صبح از سنتهای مؤکده است حتی آنکه سید
مرتضی رضی الله عنه واجب دانسته بر مردان و ابن ابی عقیل
با او موافقت کرده و زیادتی کرده و گفته که نماز صبح باطل است
بترک آن و صورت اذان این است الله اکبر چهار مرتبه اشهد
ان لا اله الا الله دو مرتبه اشهد ان محمد رسول الله دو مرتبه.

حی علی الصلوة دو مرتبه حی علی الفلاح دو مرتبه حی علی خیر
العمل دو مرتبه الله اکبر دو مرتبه لا اله الا الله دو مرتبه و باید که
در حال اذان ایستاده باشی روی بقبله و انکشتهای سبابه در
کوش کرده باواز بلند بتانی اذان بکوئی و بهر فصلی از بن بجده
فصل مذکور وقفه کنی و بجانب راست و چپ نکردی و در
اثنا حرف نزنی و نیز ذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
صلوات بر انحضرت فرستی روایت کرده رئیس المحدثین فقیه
بسند صحیح که امام محمد باقر علیه السلام فرمود صلوات بفرست
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم هر گاه ذکر آنحضرت کنی یا ذکر
انحضرت کند پیش تو خواه در اذان و غیر اذان و مخفی
نیست که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر واجب بودن صلوة

بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بر هر که ذکر آنحضرت کند و
هر کس اسم آنحضرت شنود در هر باید کردن و هر شنیدن و
بعضی سنیان را مذهب آن است که واجبست صلوة بر پیغمبر
صلی الله علیه وآله وسلم مذکور شود و این موافق مذهب
ابن بابویه است و اما آنچه او فرموده که صلوة بر پیغمبر و آل او
سلام علیهم در تشهد اول نماز واجب نیست بلکه واجب فی نفسه
است خواه خواه در غیر نماز پس میان این دو کلام منافی
نیست و صاحب کنز العرفان موافق او است در واجب بودن
صلوات هر گاه اسم مبارک آنحضرت مذکور شود [illegible] ان
و دلیل آن میتوان ساخت [illegible] تعالی و لا تجعلوا
دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا یعنی مگردانید

هر گاه که نام آنحضرت

پس غرض او آنست که جزو نماز نیست

طلب کردن پیغمبر صلی الله علیه وسلم را میان خود مثل طلب
کرده بعضی از شما بعضی را وآنچه پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
فرموده که هر که من پیش مذکور شوم پس صلوة نفرستد بر من
پس داخل آتش دوزخ شود پس دور کرده او را خدا تعالی و
آنچه مرویست که از آنحضرت سوال کردند از قول خدا تعالی
که اِنَّ اللهَ وَمَلٰئِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا
صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیمًا پس آنحضرت فرمود که این از علم
مکنونست و اگر نه شما سوال میکردید از من هرگز خبر نمیدادم
شما را بدرستی که خدا تعالی موکل ساخته است برای من دو
فرشته پس مذکور نشوم نزد مسلمی پس صلوات بفرستد
بر من مگر آنکه برای او دو فرشته بگویند غفر الله لک و بگویند خدا تعالی

و فرشتها

وفرشتها آمین واگر من مذکور شوم نزد مؤمنی ومصلی
پس صلوة نفرستد بر من آن دو فرشته بگویند لا غفر الله
لك وبگوید خدا تعالی وملائکه آمین ومخفی نماند که ظاهر
قول امام محمد باقر علیه السلام در حدیث اول که هرگاه ذکر
توان حضرت را یاد کرکند پیش تو ذکر کننده تقاضا میکند واجب
بودن صلوة را خواه حضرت مذکور شود باسم خواه بلقب
یا بکنیت ومکنست که ذکر انحضرت بضمیر هم چنین باشد و
در کلام علما چیزی نیافتم واحتیاط مقتضی عموم است و
بدانکه اظهر آنست که صلوة واجب بجای می آید بگفتن
اللهم صل علی محمد وآل محمد الخ روایت شده که چون
این آیه نازل شد اصحاب گفتند یا رسول الله این سلام را

را بر تو دانستیم صلوة بر تو چونست پس آنحضرت فرمود بگو

اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم

و آل ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم

و آل ابراهیم انک حمید مجید پس ظاهر شد این افضل کیفیات

صلوة بر آنحضرت است و باید که این را چون بگوئی قصد کنی

فرستاده

که پیغمبر از جمله آل ابراهیم است پس دو بار صلوة بر آنحضرت

باشی یکبار بتصریح مستقلاً و یکبار دیگر در ضمن صلوة

بر آل ابراهیم و غرض ازین تشبیه آنکه خدا تعالی مخصوص

ساز[د] پیغمبر ما را صلی الله علیه و آله و سلم بصلواتی دیگر

علیحده مثل صلواتی که [illegible] ابراهیم و پیغمبر ما و باقی

آل ابراهیم را تا مخالف قاعده مقرر اهل بلاغت لازم نیاید

کذا چنانست قوی بودن مشبه به از مشبه زیرا که نبی
ما صلی الله علیه وآله افضلست از آنچه مخصوص بعضی باشد
وبعضی چنین توجیه کردند که صلوة بر ابراهیم از حیثیت
تقدیم اقوی است واین قدر در تشبیه کافی است و بعضی
چنین که مشبه به صلوة بر آل محمد است وتوجیه اول
ضعیفست زیرا که آنحضرت فرموده کنت نبیاً وآدم بین
الماء والطین دوم آنکه خلاف متبادر است وحال آنکه
سوال ایشان از کیفیت صلوة بر آنحضرت بود واین را
توجیهها دیگر است که مذکور است در بحث تشهد
از کتاب حبل المتین [illegible] از اذان فارغ شوی
فاصله کن میان اذان واقامت بسجده یا اندک نشستنی وبگوید در نشستن

را در سجده اللهم اجعل قلبی بارًّا و عملی سارًّا و عیشی قارًّا
و رزقی دارًّا واجعل لی عند قبر رسولک صلی الله علیه
و آله مستقرًّا و قرارًا بعد از آن هر دعائی که خواهی بخوان
و طلب حاجت خود کن و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم مرویست که دعای میان اذان و اقامت رد نمیشود
بعد از آن برخیز و اقامت کن و فصول اقامت همان فصول
اذان است و همه دو بارست مگر لا اله الا الله در آخر که یکبارست
و الله اکبر در اول دو بارست و بعد از حی علی خیر العمل دو بار
بگو قد قامت الصلوة و آدابی که در اذان مذکور شد
بجای آرد مگر پای [illegible] انگشتها در گوشها و بلند
کردن آواز که اینها در اقامت سنت نیست و در طهارت

وایستادن اینجا تاکید بیشتر است حتی انکه سید مرتضی
واجب دانسته چون از اقامت نماز صبح فارغ شدی روی
بقبله بکو اللّهُمَّ اِلَیکَ تَوَجَّهتُ وَمَرضاتَکَ طَلَبتُ
وثوابَکَ اِبتَغَیتُ وَبِکَ آمَنتُ وَعَلَیکَ تَوَکَّلتُ
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافتَح قَلبی لِذِکرِکَ وَثَبِّتنی
عَلی دِینِکَ وَلا تُزِغ قَلبی بَعدَ اِذ هَدَیتَنی وَهَب لی
مِن لَدُنکَ رَحمَةً اِنَّکَ اَنتَ الوَهّابُ و باید که در نماز
بوقار و خشوع استاده باشی دستها را کذاشته بر رانها
برابر زانوها و پاها نیز کشوده بقدر سه انکشتهم از
کشاده تا بیک شبر نظر ... بموضع سجود نما انکه چشم
بر آسمان کنی و باید که بخاطر آری که وداع نماز میکنی وچنان

نماز را بجای آری که گویا آخر نماز تست بعد از ان نیت کن

نماز صبح واجب ادا میکنم برای امتثال امر خدا تعالی ومقارن

ساز نیت را بیکی از هفت تکبیر افتتاحیه وبهر تکبیری دستها

را بردار چنانکه ابتدای تکبیر با ابتدای برداشتن دست باشد

وانتهاش با انتهای آن تا برابر گوشها چنانکه از گوشها نگذرد

وکف دستها بقبله باشد وهمه انگشتان پهلوی هم باشند

سوی ابهام وبعضی از متاخرین فقهای ما در نیت تطویل

کردند ودر احادیث ائمه ما سلام الله علیهم چیزی از اینها نیست

بلکه مستفاد از تتبع اخبار ائمه هدی علیهم السلام

وضو وباقی عبادات [illegible] چنین میکردند سهولت

و آسانی نیت است و آن غنی است از زبان ومرکوز است در اذهان

هر عاقلی در وقت صدور افعال از ایشان ازین جهة متقدمین

علما این مباحث از آن نکردند و بعضی از متاخرین متعرض بحث آن

شدند بحیثیتی که گمان میشود که نیت امری است مرکب از اجزای

بسیار و این باعث دشواری نیت شده بر اکثر مردم و باعث

وسواس ایشان شده و نیت نیست مگر قصد کردن فعلی معین

برای غایتی و علتی اما مقصود مرکب است و هیچ عاقلی از قصد مذکور

خالی نیست در محل هر فعلی حتی آنکه بعضی از علما فرمودند که اگر خدا تعالی

ما را مکلف میساخت بکاری بی نیت هر آینه تکلیف ما لا یطاق میشد

و بخاطر گذرانیدن مقصود بر وجهی که تمیز یابد از غیرش نه بجهت امتثال

امر خدا تعالی در نهایت سهو[illegible] آسانی ست زیرا که نماز ظهر

که مکلفیم باداء آن در این وقت متمیز است بر عبادات دیگر بقصد

امتثال امر خدا تعالی و صعوبتی ندارد چنانکه دران صحیح شاهد آ

بان و کسی که مشکل میداند از خدا تعالی مسئلت مینمائیم که بر وی هم

آسان سازد و بعد از مقارن ساختن نیت بیکی از هفت تکبیر

و سه دعای که میان آنها باید خواند بروایت کرده کلینی از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام بعد از تکبیر سیوم اللهم انت الملک الحق

لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر

الذنوب الا انت بعد از تکبیر پنجم لبیک و سعدیک والخیر فی

یدیک والشر لیس الیک والمهدی من هدیت لا ملجا و لا منجا

منک الا الیک سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک

رب البیت و بعد از هفت تکبیر [illegible] تکبیر احرام بخواند انی وجهت

وجهی للذی فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم و دین

ذنبی

عالم الغیب والشهادة

حنیفا مسلما وما انا

من المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک

له و بذلک امرت و انا من المسلمین و در روایت دیگر چنین است که وجهت وجهی للذی

فطر السموات والارض

محمد

محمد و منهاج علی حنیفا مسلما الی اضافهٔ عالم الغیب و الشهادة

بدانکه اتفاق کردند علمای ما بر انکه جائز است مقارن ساختن

نیت نماز به یکی ازین هفت تکبیر پس هر کدام که مقارن سازی

همان تکبیرة الاحرام بود و بآن قصد وجوب کند و باقیها سنت است

و شیخ طوسی قدس سره القدوسی در مصباح (تکبیر اخر را) تکبیرة الافتتاح گردانیده

و آنچه ظاهر است از صحیحه زراره در افتتاح پیغمبر صلی الله علیه و آله

و سلم نماز را بتکبیر و متابعت کردن امام حسین علیه السلام آنحضرت

را آنست که تکبیرة (الاحرام) تکبیر اول باشد چنانکه در اثنا عشریه و حبل المتین

بیان شده و بعد از ان این دعا بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من

الشیطان الرجیم نزد گفتن استعاذه نزد علمای ما مخصوص است

برکعهٔ اول و آهسته باید گفت و بعد ازین الحمد بخوان بلند تا آنکه

و ترتیل یعنی چنان بخوان که تمام الفاظش را توان شمرد با حضور دل
و بخاطر گذرانیدن معنیهای آن و وقف کن بر هر وقفی و بعد از الحمد
ساکت شو بقدر یکنفس و بعد از آن سوره بهمین طریق و سنت است
که سوره عم یا سوره غاشیه یا سوره لا اقسم بیوم القیمة یا سوره
دهر یا سوره دیگر که بقدر اینها باشد چنانکه شیخ طوسی قدس سره روایت
کرده در تهذیب بسند صحیح از امام جعفر صادق عم و بعد از سوره
ساکت شو بقدر یکنفس بعد از آن الله اکبر بگو و دستها را برداشته
برابر گوشها چنانکه گفته شد بعد از آن رکوع کن اول دست راست
را بر زانوی راست گذار پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ
و کفهای دستها را پر کن از زانوها و انگشتها را و کیر زانو را چنانکه گوئی
لقمه است و زانو را بجانب عقب کن و پشت را هموار کن و گردن را

بکش و چشمها را بپوش یا نگاه میان قدمها کن و بگو انچه نقدم آ

در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت

کرده اَللّهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ وَ لَکَ اَسْلَمْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ عَلَیْکَ

تَوَکَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبِّی خَشَعَ لَکَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ شَعْرِی وَ بَشَرِی

وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ مُخِّی وَ عَصَبِی وَ عِظَامِی وَ مَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَایَ

غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ بعد از این بگو سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ

وَ بِحَمْدِهِ هفت بار یا پنج بار یا سه بار و بعد از ان راست شو و بایست

و بگو سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بعد از این اللّهُ اکبر بگو ایستاده پس بسجود

رو بخضوع و خشوع و بر زمین بگذار کفهای دست را و انگشتان را

بر هم گذاشته بر زمین [illegible] برابر های [illegible] و نظاره

کن که هیچ عضوی از بدن تو بر عضوی دیگر نباشد و پیشانی برد

کنار و متمکن ساز و افضل تربت حضرت امام حسین علیه السلام
است و بینی را هم اعضای سبعه ساز در گذاشتن بخاک و نگاه کن
در وقت سجود بجانب سر بینی پس بگو آنچه در کافی روایت کرده بسند حسن
از امام حسین علیه السلام اللّهم لک سجدتُ و بک آمنتُ و لک اسلمتُ
وَعَلَیکَ تَوَکَّلتُ وَأنتَ رَبّی سَجَدَ وَجهی لِلَّذی خَلَقَهُ وَشَقَّ
سَمعَهُ وَبَصَرَهُ اَلحَمدُ لِلّه رَبِّ العالَمینَ تَبارَکَ اللهُ اَحسَنُ الخالِقینَ
پس بگو سُبحانَ رَبِّیَ الأعلی وَبِحَمدِهِ هفت بار یا پنج بار یا سه بار چنانکه
در رکوع بعد از آن سر بردار و بنشین و الله اکبر بگو و تورک کن یعنی
بر ران چپ بنشین و پشت پای راست را بر شکم پای چپ گذاشته بگو
اَستَغفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیهِ بگو آنچه ثقة الاسلام روایت
کرده بسند صحیح حسن از حضرت امام حسین علیه السلام اللّهُمَّ اغفِر لی

وارحمنی

وَارْحَمْنِي وَاجْبُرْنِي وَادْفَعْ عَنِّي اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بعد از ان تکبیر دویم بکو و سجود دویم کن

بطریق اول بعد از ان سر بردار و اندک زمانی بنشین متورک و

این را جلسه استراحه میکویند و ترک ان مکن زیرا که سید مرتضی

قدس سره این را واجب دانسته بعد از ان برخیز و اول زانوها را از

زمین بردار پیش از دستها و تکیه کن در برخواستن بر دستها و بکو

بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ وَاَرْكَعُ وَاَسْجُدُ پس چون راست

شوی بخوان الحمد و سوره چنانکه دانستی در رکعت اول و سنت است

اینجا سوره توحید و بعد از قرآءت سوره ساکت شو بقدر یک نفس

بعد از ان تکبیر بکو برای قنوت و دستها بردار برابر روی و کفهای

باسمان و انکشتها پهلوی هم نهاده بخوان لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ

الا در انکشت بزرک و کلمات فرج

الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات

السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش

العظيم والحمد لله رب العالمين ثقة الاسلام در كتاب كافي كلمات

فرج را چنين روايت كرده بسند صحيح از امام محمد باقر عليه السلام ودر

بعضي كتب دعا وما تحتهن بدل وما بينهن روايت كرده اند ودر بعضي

در بعضي وهو رب العرش العظيم واين زيادتها در روايه معتبره نيافتيم

بعد از كلمات فرج بگو اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا

في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير بعد از ان بگو اللهم اليك

شخصت الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الايدي ومدت

الاعناق وانت دعيت بالالسن واليك سرهم ونجويهم في

الاعمال ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين

اللهم

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا وغيبة امامنا وقلة عددنا

وكثرة عدونا وتظاهر الاعداء علينا ووقوع الفتن بنا

ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره وامام حق تعرفه اله الحق

آمين رب العالمين بعد ازان بگو اللهم من كان اصبح وله

ثقة او رجاء غيرك فانت ثقتي ورجائي يا اجود من سئل

ارحم

ويا ارحم من استرحم ضعفي ومسكنتي وقلة حيلتي وامنن

على بالجنة وفك رقبتي من النار وعافني في نفسي وفي

جميع اموري برحمتك يا ارحم الراحمين واگر خواهی ازینها

زیاده بخوانی اضافه کن بانها قنوتها که در باب ششم مذکور است

بعد ازان دستها را بردار بتکبیر و در رکوع و سجود بجای آر چنانکه دانستی

وبعد از سجده دوم بنشین برای تشهد متورک ونگاه کن بکنار خود

وبگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ وَأَشْهَدُ أَنَّ
رَبِّي نِعْمَ الرَّبُّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَقَرِّبْ
وَسِيلَتَهُ بعد از آن دو بار یا سه بار بگو الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و از اینها آنچه واجب است شهادتین و صلوة بر پیغمبر و آل پیغمبر صلی الله
علیه و سلم است بعد از آن بقصد بیرون رفتن از نماز بگو السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و قصد کن انبیا و ائمه و حفظه و
اشاره کن بگوشه چشم راست بپهلوی راست فصل چون از
نماز فارغ شدی شروع در تعقیب کن در تفسیر آیه فاذا فرغت

فَانصَبْ وَاِلَی رَبِّکَ فَارْغَبْ مذکور است یعنی هرگاه فارغ شوی

از نماز واجب پس راست شو و به پروردگار خود رغبت کن بدعا

و سوال کردن که او بتو عطا میکند و روایت کرده شیخ طوسی

در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق عم فرمود

که تعقیب ابلغ است در طلب روزی از تردد در شهرها مراد تعقیب

دعا است در عقب نمازها و هم در تهذیب روایت کرده بسند

صحیح که حضرت امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر صادق

عم فرموده که دعا در عقب نماز واجبی افضلست چنانکه نماز فضیلت

واجبی بر سنتی و روایت کرده ثقة الاسلام در کافی بسند حسن

که امام محمد باقر علیه السلام فرموده دعا بعد از نماز واجبی افضلست

از نماز سنتی و روایات از ائمه علیهم السلام درین باب بسیارست

وافضل تعقیبها تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام است روایت کرده در

تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده که کسی که

تسبیح کند تسبیح فاطمه زهرا بعد از نماز فریضه پیش ازانکه پاهای را پهلوی

هم گذارد آمرزیده شود و ابتدا کند بتکبیر و هم آنحضرت فرموده که

ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز

پس لازم سازید بر خود زیرا که لازم نسازد بر خود بنده که او شقی باشد

و هم آنحضرت فرموده که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در عقب

هر نمازی دوستر است نزد خدا تعالی از هزار رکعت نماز در هر روز

و حضرت امام محمد باقر عم فرموده که هیچ بنده عبادت نکرده خدا تعالی را بچیزی از تمجید

که افضل باشد از تسبیح فاطمه زهرا اگر چیزی افضل از آن می بود هر آینه

هدیه میکرد پیغمبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را و در روایات در افضلیت

تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بسیار است و باید که نشستن برای

تعقیب متصل باشد بنشستن نماز و بهمان هیئت روی بقبله

متوجه و در اثنای تعقیب با کسی سخن نگوید و روی از قبله نگرداند بزرگی که

روایت شده که هر چه مضر است بنماز مضر است بتعقیب پس چون

سلام نماز دادی سه تکبیر بگو و دستها برداشته تا برابر روی و کفهای

دستها بجانب قبله ولی سه تکبیر اول تعقیب است بعد از آن بگو لا اله

إِلَّا اللهُ إِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَلَا نَعْبُدُ

إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ

وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ

وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قلبي استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه

اللهم اهدني من عندك وافض علي من فضلك وانشر علي من رحمتك

وانزل علي من بركاتك سبحانك لا اله الا انت اغفر لي ذنوبي

كلها جميعا فانه لا يغفر الذنوب كلها جميعا الا انت اللهم اني اسألك

من كل خير احاط به علمك يا تمام ربي اسألك عافيتك في اموري

كلها واعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة ومن اهوال

يوم القيمة واعوذ بوجهك الكريم وسلطانك القديم وعزتك

التي لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والآخرة

ومن شر الاوجاع كلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم

يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا

واعوذ بك من كل شر احاط به علمك

بعد ازان

بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید پس ده بار بگوید و این

مخصوص است بصبح لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک

وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء

قدیر و ده بار بگوید و این هم مخصوص است بصبح سبحان الله العظیم

و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صد بار بگو ما

شاء الله کان لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

صد بار بگو استغفر الله و اتوب الیه و صد بار بگو استجیر بالله

من النار و اسأله الجنة و صد بار بگو اللهم صل علی محمد و آل

محمد و عجل فرجهم و ده بار بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له الهاً واحداً احداً فرداً صمداً لم یتخذ صاحبة و

لا ولداً و سی بار بگو سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله

اگر و افضلست که ذکرها و تسبیحها را بتسبیح خاک پاک امام حسین

عم بشمرد و روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت صاحب الامر

صلوات الله علیه فرموده که خاک تربت امام افضل چیزیست که تسبیح

بآن حفظ کنند بدرستی که اگر تسبیح کننده فراموش کند تسبیح گفتن را

و تسبیح خاک امام حسین علیه السلام بگرداند در دست پس نوشته

شود برای او آن تسبیح [illegible] ثواب آن تسبیح که فراموش کرده بعد از آن

بگوید این مخصوص است بصبح یا مقلب القلوب و الابصار صل علی

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِکَ وَ دِینِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ

ص قلبی ص بیتنی ص الی

وَ آلِهِ وَ لا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً

اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِکَ وَ مِنْ

تَحْوِیلِ عَافِیَتِکَ وَ مِنْ فُجَاءَةِ نَقِمَتِکَ وَ مِنْ دَرَکِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شَرِّ مَا

ص فجاءة

سَبَقَ فِي الكِتَابِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَعِظَمِ

سُلْطَانِكَ وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وبجای کذا کذا

وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا مطلب خود را ذکر کن وبعد از ان بکو عیال

وولدی

نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعِ مَنْ يَعْنِينِي

آمَنْتُ بِاللّٰهِ الوَاحِدِ الأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَ

لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَبِرَبِّ الفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ

إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي العُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا

حَسَدَ وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الوَسْوَاسِ

الخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الجِنَّةِ وَالنَّاسِ

پس عنوان الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ تا باخر پس عنوان

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الحَيُّ القَيُّومُ تا فِيهَا خَالِدُونَ پس عنوان شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ

أُعْيَانُ

يَعْنِينِي

والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا
بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون
الى الملإ الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم
عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب
ثاقب بسم الله الرحمن الرحيم سبحن ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العلمين
بسم الله الرحمن الرحيم يا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا
تنفذون الا بسلطان فباى الاء ربكما تكذبان چون
باينجا رسد سه نوبت بگويد لا بشىء من آلائك يا رب اكذب
كه ثواب عظيمست يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس

فلا تنتصران بسم الله الرحمن الرحيم لو أنزلنا

هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية

الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو

الرحمن الرحيم هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحن الله

عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء

الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض وهو العزيز

الحكيم و دوازده بار قل هو الله احد تا آخر بخوانند وبعد از آن

این دعا بخوانند کفهای دستها کشاده اللهم انی اسألك

باسمك المكنون المخزون الطاهر الطهر المبارك واسألك

باسمك العظيم وسلطانك القديم يا واهب العطايا

ويا مطلق الأسارى ويا فاك ويا فكاك الرقاب من النار

أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تعتق رقبتي من

آمنا ٣

النار وأن تخرجني من الدنيا سالما وأن تدخلني الجنة

سالما ٣

آمنا وأن تجعل دعائي أوله فلاحا وأوسطه نجاحا وآخره

صلاحا إنك أنت علام الغيوب بس نخول وابن عم مخصوص من

أصبحت شهد

است بصبح اللهم إني أشهدك وكفى بك شهيدا وأ

ملائكتك وحملة عرشك وسكان سمواتك وأرضك

وأنبيائك ورسلك والصالحين من عبادك وجميع

خلقك فاشهد لي وكفى بك شهيدا إني أشهدك

أنك أنت الله لا إله إلا أنت المعبود وحدك لا شريك لك

وأن

وأن محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك وأن
كل معبود مما دون عرشك الى قرار أرضك السابعة
السفلى باطل مضمحل ما عدا وجهك الكريم فانه أعز
وأكرم وأجل وأعظم من أن يصف الواصفون كنه
جلاله أو تهتدي القلوب الى كنه عظمته يا من فاق
مدح المادحين فخر مدحه وعدا وصف الواصفين مآثر
حمده وجل عن مقالة الناطقين تعظيم شأنه صل على محمد
وآل محمد وافعل بنا ما أنت أهله يا أهل التقوى وأهل
المغفرة بعدا ان يكو سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما
يحب الله أن يسبح وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله أن

الحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا اله

الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله

وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء

وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه و

عز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر

على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان

او يكون الى يوم القيمة اللهم اني اسالك ان تصلي على محمد

وال محمد واسالك خير ما ارجو وخير ما لا ارجو واعوذ بك من

شر ما احذر ومن شر ما لا احذر پس این دعا بخواند و این دو شام

هم بخواند بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسماء

بسم الله الذي لا يضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله اصبحت

٣٦

وعلى الله توكلت بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله
على ديني وعقلي بسم الله على اهلي ومالي بسم الله على ما
اعطاني ربي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شئ في الارض
ولا في السماء وهو السميع العليم الله الله ربي حقا لا
اشرك به شيئا الله اكبر الله اكبر الله اكبر اعز واجل مما
اخاف واحذر عز جارك وجل ثناؤك وتقدست اسماؤك
ولا اله غيرك اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل
سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل
جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة انت
آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم وانت على كل شئ
حفيظ ان وليي الله الذي نزل الكتب وهو يتولى الصالحين

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

وهو رب العرش العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع

العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله

علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین بیکون

دعای اکبر مخصوص است بصبح بسم الله وصلی الله علی محمد

وآله وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقه الله

سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحنک انی کنت من

الظلمین فاستجبنا له ونجینه من الغم وکذلک ننجی المؤ منین

حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل

لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما

شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان کره الناس

حسبي الرب من المربوبين وحسبي الخالق من المخلوقين
حسبي الرازق من المرزوقين حسبي المانع من الممنوعين
حسبي الذي لم يزل حسبي حسبي من كان منذ كنت حسبي
حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم لبيكو اللهم اصبح ظلمي مستجيرا بعفوك واصبحت
ذنوبي مستجيرة بمغفرتك واصبح خوفي مستجيرا بغناك
بامانك واصبح فقري
واصبح ذلي مستجيرا بعزك واصبح ضعفي مستجيرا بقوتك
العالي
واصبح وجهي الفاني مستجيرا بوجهك الباقي كائنا قبل
كل شيء ويا كائنا بعد كل شيء ويا مكون كل شيء صل على محمد
وآل محمد واجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث
احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث احترس و

مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ بعد از آن بدست راست ریش خود را بگیر

و دست چپ را بجانب آسمان بکشا و هفت بار بگو یا رب محمد و آل محمد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس هفت بار بگو یا رب

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ پس بگو

يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ اَللّٰهُمَّ

أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي

فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَاكْشِفْ

هَمِّي وَفَرِّجْ عَنِّي اَللّٰهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ

عَمَّنْ سِوَاكَ پس بگو و این را هم در شام بخواند و هم در صبح

أَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُحَاوَلُ وَ

لَا يُطَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا

خلقت من خلقك الصامت والناطق فی جنة من كل مخوف

بلباس سابغة من ولاء اهل بیت نبیك محمد صلواتك علیه وعلیهم

محتجبا من كل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف

بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق لهم ومعهم وفیهم

وبهم اوالی من والوا واجانب من جانبوا فصل علی محمد وآل محمد

واعذنی اللهم بهم من شر ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی

عنی ببدیع السموات والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا و

من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون دیں کون

مخصوص بصبح است الحمد لله الذی اذهب اللیل بقدرته وجاء

بالنهار برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیة منه فجوده وکرمه

مرحبا بالحافظین و متوجه شو بجانب راست و بگو حیاکم الله و

مِنْ كاتبينَ ومتوجه بجانب چپ شو وبگو اُكتبا رحمكما الله بسم

الله اشهدكما ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان

محمدا عبده ورسوله واشهد ان الساعة آتية لا ريب فيها وان

الله يبعث من فى القبور على ذلك احيى وعليه اموت وعليه

اُبعث ان شاء الله اقرأ محمدا صلى الله عليه وآله منى السلام

پس بگو اللهم صل على محمد وآل محمد فى النهار اذا تجلى وصل على محمد

وآل محمد فى الليل اذا يغشى وصل على محمد وآل محمد فى الآخرة و

الاولى وصل على محمد وآل محمد ما لاح الجديدان وصل على

محمد وآل محمد ما اطرد الخافقان وصل على محمد وآل محمد ما حدى الحادى

وصل على محمد وآل محمد ما عسعس ليل وما ادلهم ظلام وما تنفس

صبح وما اضاء فجر اللهم اجعل محمدا خطيب وفد المؤمنين اليك

والكسو حلل الأمان إذا وقف بين يديك والناطق بحجته
إذا خرست الألسن بالثناء عليك اللهم أعل منزلته وارفع درجته
وأظهر حجته وتقبل شفاعته وابعثه المقام المحمود الذي وعدته
واغفر له ما أحدث المحدثون من أمته بعده اللهم إني أسألك
موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة
من كل إثم وأسألك الفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم
صل على محمد وآله واجعل لي في صلواتي ودعائي بركة تطهر بها قلبي
وتؤمن بها روعي وتكشف بها كربي وتغفر بها ذنبي وتصلح
بها أمري وتغني بها فقري وتذهب بها ضري وتفرج بها
همي وتسلي بها غمي وتشفي بها سقمي وتؤمن بها خوفي وتجلو
بها حزني وتقضي بها ديني وتجمع بها شملي وتبيض بها وجهي

واجعل ما عندك خيراً لي بعد از آن بگويد اللهم إني أعوذ بك
لهمٍّ لا يفرجه غيرك ولرحمةٍ لا تُنال إلا منك ولحاجةٍ لا يقضيها
إلا أنت يا كريم اللهم كما كان من شأنك ما أردتني به من ذكرك
والمستنيه من شكرك ودعائك فليكن من شأنك الإجابة
لي فيما دعوتك والنجاة فيما فزعت إليك منه فإن لم أكن
أهلاً أن أبلغ رحمتك فإن رحمتك أهل أن تبلغني وتسعني
لأنها وسعت كل شيء وأنا شيء فلتسعني رحمتك يا مولاي
پس این دعا بخوانند با گریه و اگر گریه نیاید آواز را چنان کن که گویا
گریه میکنی الهی إن ذنوبي وكثرتها قد غبرت وجهي عندك
وحجبتني عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك
ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت أمثالي من

المسرفين واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين
اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب
جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين من رحمتك
فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك
الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون
عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين الهي لقد كان ذل الاياس
علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي ملتحفا الهي قد وعدت
المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء بك ظنه عقابا
اللهم وقد اسبل دمعي حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار
وتغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي لا
خلف فيه ولا تبديل يوم ندعوا كل اناس بامامهم اللهم اني

أقر وأشهد فأعترف ولا أجحد وأسر وأظهر وأعلن وأبطن بأنك

أنت الله الذي لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك وأن محمدا

صلى الله عليه وآله وسلم عبدك ورسولك وأن عليا أمير المؤمنين

وسيد الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وإمام

المتقين ومجاهد الناكثين والقاسطين والمارقين إمامي و

حجتي وصراطي ودليلي ومحجتي ومن لا أثق بالأعمال وإن زكت ولا

أراها منجية لي وإن صلحت إلا بولايته والائتمام به والإقرار بفضائله

والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم وأقر بأوصيائه من

أبنائه أئمة وحججا وأدلة وسرجا وأعلاما ومنارا وسادة

وأبرارا وأدين بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم و

ميتهم وشاهدهم وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب ولا

تحول عنه ولا انقلاب اللهم فادعني يوم حشري وحين نشري
بامامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني في اصحابهم وانقذني
بهم يا مولاي من حر النيران فانك ان اعفيتني منها كنت من الفائزين
اللهم وقد اصبحت في يومي هذا لا ثقة لي ولا مفزع ولا ملجا
غير من توسلت بهم اليك من آل رسولك علي وفاطمة والحسن
والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد
صلواتك عليهم اجمعين اللهم فاجعلهم حصني من المكاره و
معقلي من المخاوف ونجني بهم من كل عدو طاغ وفاسق باغ و
من شر ما اعرف وما انكر وما استتر علي وما ابصر ومن شر
كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
اللهم بتوسلي اليك بهم وتقربي بمحبتهم وتحصني بامامتهم

افتح علي ابواب رحمتك ومغفرتك وحببني الى خلقك وجنبني
عداوتهم وبغضهم انك على كل شيء قدير اللهم ولكل شيء
قدير اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة حق فاسالك
بمن جعلتهم اليك سببي وقدمتهم امام طلبتي ان تعرفني بركة
يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم فهم معولي في شدتي
ورخائي وعافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني واقامتي
وعسري ويسري وصباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي اللهم
فلا تخلني بهم من نعمتك ولا تخيبني بهم من نائلك ولا تقطع
رجائي من رحمتك ولا تفتني باغلاق ابواب الارزاق وانسداد
مسالكها وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل
لي من كل ضنك مخرجا والى كل سعة منهجا برحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم واجعل الليل والنهار مختلفين علي برحمتك ومعافاتك
ومنك وفضلك ولا تفقرني الى احد من خلقك برحمتك يا
ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير وبكل شيء محيط بعد ازان بگو
اللهم اني اسالك يا مدرك الهاربين ويا ملجا الخائفين ويا
صريخ المستصرخين ويا غياث المستغيثين ويا منتهى غاية ويا
السائلين
مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا الله يا رباه يا عزيز
يا حكيم يا غفور يا رحيم يا قاهر يا عليم يا سميع يا بصير يا لطيف
يا خبير يا قهار يا جبار يا رحمن يا منان يا سبوح يا قدوس
يا مبدئ يا معيد يا باعث يا وارث يا فارج الهم ويا كاشف
الغم يا منزل الحق يا قائل الصدق يا ذا البلاء الجميل والطول
العظيم يا معروفا بالاحسان يا موصوفا بالامتنان يا من قهرت

عن وصفه ألسن الواصفين وانقطعت عنه أفكار المتفكرين

٢

يا شاهد النجوى يا كاشف الغم ودافع البلوى يا نعم النصير

والمولى يا منعم يا مفضل يا محسن يا مجمل يا من لا يشغله صغير عن

كبير ولا حقير عن خطير يا من بدأ بالنعمة قبل استحقاقها و

بالفضيلة قبل ابتغائها يا أحق من عبد وحمد ورجي واعتمد

أسألك بكل اسم مقدس مطهر مكنون اخترته لنفسك وكل

ثناء عال رفيع كريم رضيت به مدحة لك وبحق كل ملك قربت

منزلته عندك وبحق كل نبي أرسلته إلى عبادك وبحق كل [illegible]

جعلته مصدقا للرسل وكل كتاب فصلته وأحكمته و

شرعته وكل دعاء سمعته فأجبته وكل عمل رفعته وأسألك

بكل من عظمت حقه وأعليت قدره وعرفتنا أمره ومن لم

يا غاية كل شكوى

تعرفنا مقامه ولم تظهر لنا شأنه ممن خلقته من أول

ما ابتدأت به من خلقك وممن تخلقه الى انقضاء فناء الدهر

وأسألك بتوحيدك الذي فطرت عليه العقول وأخذت

به المواثيق وأرسلت به الرسل وجعلته أول فرضك و

نهاية طاعتك وأتوجه اليك بجودك ومجدك وكرمك

وعزك وجلالك وعفوك وامتنانك وتطولك وأسألك

يا الله يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه وأرغب

اليك خاصا وعاما وأولا وآخرا بحبيبك ورسولك محمد

صلى الله عليه وآله وسلم سيد المرسلين وأشرف الأولين

والآخرين بالرسالة التي أداها وبالعبادة التي اجتهد

فيها وبالمحنة التي صبر عليها وبالمغفرة التي دعا اليها وبالديانة

التي حضّ عليها منذ وقت رسالتك اياه الى ان توفيته و

عما بين ذلك من اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة ومقاماته

المشهودة وساعاته المعدودة ان تصلي عليه كما وعدته من

نفسك وتعطيه افضل ما امّل من ثوابك وتزلف لديك

منزلته وتعلي عندك درجته وتبعثه المقام المحمود وتورده

حوض الكرم والجود وعلى آله الطيبين الاطهار المنتجبين

الابرار وعلى جبرئيل وميكائيل والملائكة المقربين وعلى جميع

الانبياء والمرسلين والشهداء والصالحين اللهم اني اصبحت

لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا

قد انقطعت وسائلي وذهبت مسائلي وذل ناصري واسلمني

اهلي وولدي اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيل الا عندك

وانقطعت الطرق وضاقت المذاهب الا اليك ودرست الآمال

وانقطع الرجاء الا منك وكذب الظن واخلفت العدات الا

عدتك اللهم ان مناهل الرجاء لفضلك مترعة وابواب

الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك

مباحة والاستغاثة لمن استغاث بك موجودة وانت

لداعيك بموضع اجابة وللصارخ اليك ولي الاغاثة و

للقاصد اليك قريب المسافة وانت لا تحتجب عن خلقك الا

ان تحجبهم الاعمال السيئة وقد علمت ان افضل زاد الراحل

اليك عزم ارادة واخلاص نية وقد دعوتك بعزم ارادتي

واخلاص طويتي وصادق نيتي فها انا ذا مسكينك بائسك سائلك

اسيرك فقيرك منيخ بفنائك قارع باب رجائك وانت

اولى بنصر الواثق بك واحق برعاية المنقطع اليك سري لك

مكشوف وانا اليك ملهوف اذا اوحشتني الغربة آنسني ذكرك

واذا صبت علي الامور استجرت بك واذا تلاحكت علي الشدائد

املتك واين يذهب بي يارب عنك وازمة الامور كلها

بيدك صادرة عن قضائك مذعنة بالخضوع لقدرتك

فقيرة الى عفوك ذات فاقة الى رحمتك وقد مسني الفقر

ونالني الضر وشملتني الخصاصة وعرتني الحاجة وتوسمت

بالذلة وعلتني المسكنة وحقت علي الكلمة واحاطت بي

الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدت اولياءك فيه الاجابة

فامسح ما بي بيمينك الشافية وانظر الي بعينك الراحمة

ادخلني في رحمتك الواسعة واقبل علي بوجهك ذي الجلال

والاكرام فانك اذا اقبلت على اسير فككته وعلى ضال هديته

وعلى حائر آويته وعلى ضعيف قويته وعلى خائف آمنته اللهم انك

انعمت علي فلم اشكر وابتليتني فلم اصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك

منع المؤمل من فضلك واوجب عجزي عن الصبر على بلائك

كشف ضرك وانزال رحمتك فيا من قل عند بلائه صبري

فعافاني وعند نعمائه شكري فاعطاني اسألك المزيد من

فضلك والايزاع لشكرك والاعتداد بنعمائك في اعفى

العافية واسبغ النعمة انك على كل شيء قدير اللهم لا تخلني من

يدك ولا تتركني لقا لعدوك ولا لعدوي ولا توحشني من

لطائفك الخفية وكفايتك الجميلة هذا مقام العائذ بك

اللائذ بعفوك المستجير بعز جلالك قد رأى اعلام قدرتك

فاره آثار رحمتك اللهم تولني ولا يد تغنيني بها عن سواها

واعطني عطية لا احتاج الى غيرك معها فانها ليست ببدع

من ولايتك ولا بنكر من عطيتك ادفع الصرعة وانعش السقطة

وتجاوز عن الزلة واقبل التوبة وارحم الهفوة وانج من الورطة

واقل العثرة يا منتهى الرغبة وغياث الكربة وولي النعمة

وصاحبا في الكربة ورحمن الدنيا والآخرة خذ بيدي من دحض

المزلة فقد كبوت وثبتني على الصراط المستقيم ولا اغويت

يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا جار اللصيق يا ركني الوثيق

احلل عني المضيق واكفني شر ما اطيق وشر ما لا اطيق يا اهل

التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة والآلاء والعظمة

يا ارحم الراحمين واكرم الطاهرين ورب العالمين ولا تقطع

منک رجائی ولا تخیب دعائی ولا تجهد بلائی ولا تسیء
قضائی ولا تجعل النار مأوای واجعل الجنة مثوای واعطنی
من الدنیا منای وبلغنی من الآخرة آمالی ورضاک وآتنی
فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنی عذاب النار
انک علی کل شیء قدیر وبکل شیء محیط هذا این دعا را بخوانند
حضرت امام زین العابدین علیه السلام در صباح وشام میخواندند
ودر صحیفه کامله مذکور است الحمد لله الذی خلق اللیل و
النهار بقوته ومیز بینهما بقدرته وجعل لکل واحد منهما
حدا محدودا وامدا ممدودا یولج کل واحد منهما فی صاحبه
ویولج صاحبه فیه بتقدیر منه للعباد فیما یغذوهم
به وینشئهم علیه فخلق لهم اللیل لیسکنوا فیه من حرکات

موقوتا

التعب ونهضات النصب وجعله لهم لباسا ليلبسوا من راحته
ومنامه فيكون ذلك لهم جماما وقوة ولينالوا به لذة وشهوة
وخلق لهم النهار مبصرا ليبتغوا فيه من فضله وليتسببوا
الى رزقه ويسرحوا في ارضه طلبا لما فيه نيل العاجل من دنياهم
ودرك الآجل في اخراهم بكل ذلك يصلح شانهم ويبلوا اخبارهم
وينظر كيف هم في اوقات طاعته ومنازل فروضه ومواقع احكامه
ليجزي الذين اساؤا بما عملوا ويجزي الذين احسنوا بالحسنى
اللهم فلك الحمد على ما فلقت لنا من الاصباح ومتعتنا به من
ضوء النهار وبصرتنا به من مطالب الاقوات ووقيتنا فيه من
طوارق الآفات اصبحنا واصبحت الاشياء كلها بجملتها لك سماؤها
وارضها وما بثثت في كل واحد منهما ساكنه ومتحركه وشاخصه

وَمُقِيمُهُ وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كَنَّ تَحْتَ الثَّرَى أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ

يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَسُلْطَانُكَ وَتَضُمُّنَا مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ

وَنَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ لَنَا وَلَا

مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنَا

شَاهِدٌ عَتِيدٌ إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَأْنَا فَارَقَنَا

بِذَمٍّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنَا

مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ

كَبِيرَةٍ وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَأَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْداً وَشُكْراً وَأَجْراً وَذُخْراً وَفَضْلاً

وَإِحْسَاناً اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا وَامْلَأْ لَنَا

مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

اللَّهُمَّ

اجعل لنا في كل ساعة من ساعاته حظا من عبادك ونصيبا
من شكرك وشاهد صدق من ملائكتك اللهم صل على محمد
وآله واحفظنا فيه من بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا
وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا حفظا عاصما من معصيتك
هاديا الى طاعتك مستعملا لمحبتك اللهم صل على محمد و
آله ووفقنا في يومنا هذا وفي ليلتنا هذه وفي جميع ايامنا
ولياليناا لاستعمال الخير وهجران الشر وشكر النعم واتباع
السنن ومجانبة البدع والامر بالمعروف والنهي عن المنكر و
حياطة الاسلام وانتقاص الباطل واذلاله ونصرة الحق و
اعزازه وارشاد الضال ومعاونة الضعيف وادراك اللهيف
اللهم صل على محمد وآله واجعله ايمن يوم عهدناه و

واذلاله

افضل

تُبَلِّغَنِی مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ أَمَلِی وَتَقْضِی لِی حَوَائِجِی
لِلدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ واگر خواهی این دعا را تعقیب
نماز کن و باید که آخر آنچه بعد از نماز بجای آری سجدهای شکر باشد
روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت امام جعفر
عم فرمود که سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام میکنی بآن
نماز خود را و راضی میکنی بآن پروردگار خود را و تعجب میکنند
ملائکه از تو و بدرستی که بنده هرگاه نماز کند و بعد از آن سجده
کند سجده شکر میگشاید و بر میدارد خدا تعالی حجابرا از میان
بنده و فرشتگان پس میگوید ای فرشتهای من نظر کنید به
بنده من که ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا بعد از آن
سجده کرد برای من بجهة شکر آنچه من انعام کردم بر وی ای فرشتهای

من چه چیز است مر او را پس ملائکه گویند ای پروردگار ما
رحمت تو بعد از آن خدا تعالی میگوید دیگر مر ورا چیست ملائکه
گویند جنت تو پس خدا تعالی گوید مر او را دیگر چیست ملائکه
گویند ای پروردگار ما کفایت مهم پس خدا تعالی گوید دیگر
مر او را چیست دیگر هیچ چیز نیک نماند که ملائکه گویند پس خدا تعالی
گوید ای ملائکه من دیگر مر او را چیست پس ملائکه گویند ای
پروردگار ما دیگر ما را علم نیست پس خدا تعالی گوید هر آینه
شکر او کنم چنانکه او شکر من کرد و روی با او کنم بفضل خود و بنمایم
با او رحمت خود را و سنت است طول دادن و بسیار بودن در
سجده شکر روایت کرد در فقیه که حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام سجده میکرد بعد از نماز صبح و سر مبارک بر نمیداشت

ساتر باشد برای او از آتش و سنت است بعد از تعقیب خواندن
سورهٔ یس زیراکه خوانندهٔ آن در صباح دائم محفوظ و مرزوق است
میباشند
تا شام کند سورهٔ واقعه بخوانند زیراکه دفع میکند از خوانندهٔ
خود هر شری را و قاضیه میکوبند زیراکه برمی آرد برای خوانندهٔ
خود هر حاجتی فصل بدانکه از حضرت ائمهٔ معصومین صلوات
الله علیهم منقولست که هر یک ساعت از ساعتهای دوازده گانه
روز متعلق است بیکی از ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم و
مخصوص است بدعاء خاصی پس از طلوع فجر تا طلوع آفتاب
منسوبست بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و اینست دعای
آن اللَّهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالفَلَقِ وَالفَجرِ وَالشَّفَقِ وَاللَّیلِ
وَمَا وَسَقَ وَالقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ خَالِقَ الاِنسَانِ مِن عَلَقٍ

اظهرت قدرتك ببديع صنعك وخلقت عبادك وهديتهم لما كلفتهم من عبادتك ص

بكرم فضلك الى سبل طاعتك وتفردت فى ملكوتك

بعظيم السلطانك وتوددت الى خلقك بقديم الاحسان

وتعرفت الى بريتك بجسيم الامتنان يامن يسأله من فى

السموات والارض كل يوم هو فى شان اسألك اللهم بمحمد

خاتم النبيين الذى نزل به الروح الامين على قلبه ليكون

من المنذرين بلسان عربى مبين وبامير المؤمنين على بن ابى

طالب ابن عم الرسول وبعل البتول الذى فرضت ولايته

على الخلق وكان يقعد حيث دار الحق ان تصلى على محمد وآل

محمد فقد جعلتهم وسيلتى وقدمتهم امامى وبين يدى حوائجى

وان تغفر لى ذنبى وتطهر قلبى وتقر عينى وتفرج كربى و

أفضل صاحب صحبنا وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من أرضى

من مرّت عليه الليل والنهار من جملة خلقك أشكرهم لما

أوليت من نعمك وأقومهم بما شرعت من شرائعك وأوقفهم

عمّا حذّرت من نهيك اللهم إني أشهدك وكفى بك شهيداً

وأشهد سمائك وأرضك ومن أسكنتهما من ملائكتك و

سائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه وليلتي هذه ومستقري هذا

إني أشهد أنك أنت الله الذي لا إله إلا أنت قائم بالقسط

عدل في الحكم رؤف بالعباد مالك الملك رحيم بالخلق وأن محمداً عبدك

ورسولك وخيرتك من خلقك وآته عنّا أفضل ما آتيت

أحداً من عبادك واجزه عنّا أفضل وأكرم ما جزيت أحداً

من أنبيائك عن أمته إنك أنت المنّان بالجسيم الغافر للعظيم

عليه بما بلّغ رسالاتك [illegible]

لأمته ونصح لهم اللهم صلّ على محمد

وآله أفضل ما صلّيت على أحد من خلقك

وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ بدانکه دعاها و ذکرها که وارد است از اصحاب
عصمت سلام الله علیهم در تعقیب نمازها بسیار است خصوصا
تعقیب نماز صبح و در اینجا نهایت اختصار شده بآنها بدانکه آنچه
مذکور است اینجای از تعقیبها ماخوذ است از روایات بسیار
و جمیع اینها در یک روایت نیست پس اگر کسی را کاری باشد بعضی را ترک
کند و هرگاه که نفس را ماندگی شود و دل را توجهی نباشد قطع کند
زیرا که توجه و اقبال دل روح عبادت و دعا است و سنت است
نشستن در جای نماز بعد از نماز صبح تا برآمدن آفتاب اگرچه
مشغول بتعقیب نباشد روایت شده که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرموده کسی که بنشیند در جای نمازش تا طلوع آفتاب نشستن

به السموات والارض وكشفت به الظلمة وصلح عليه امر
الاولين والاخرين ان يحل علي غضبك وينزل بي سخطك
لك الحمد حتى ترضى وبعد الرضا ولا حول ولا قوة الا بك

باب دوم در بیان آنچه از طلوع آفتاب تا وقت ظهر
بجای باید آورد پیش ازین مذکور شد که هر ساعتی ازین دوازده ساعت روز
متعلقست بیکی از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین
و ساعت اول از امیر المؤمنین علیه السلام و دعاء او مذکور
شد و ساعت دویم از امام حسن علیه السلام و دعای آن اینست

اللهم یا خالق السموات والارض مالك البسط والقبض
ومدبر الابرام والنقض ویا من لا یخیب المضطر اذا دعاه
ویکشف السوء یا مالك یا جبار یا واحد یا قهار یا عزیز

يا غفار يا من لا تدركه الأبصار وهو يدرك الأبصار

يا من لا يمسك خشية الإنفاق ولا يقتر خوف الإملاق

يا كريم يا رزاق يا مبتدئا بالنعم قبل الاستحقاق يا من

ينزل الروح من أمره على من يشاء من عباده لينذر يوم

التلاق كثرت نعمتك علي وصغر في جنبها شكري ودام

غناك عني وعظم إليك فقري وأسألك يا عالم سري

جهري يا من لا يقدر سواه على كشف ضري أن تصلي على محمد

وآل محمد رسولك المختار وحجتك على الأبرار والفجار وعلى

أهل بيته الطاهرين الأخيار وأتوسل إليك بالأنزع البطين

علي وبالإمام الزكي الحسن المقتول سما فقد استشفعت

بهم إليك وقدمتهم أمامي وبين يدي حوائجي أن تزيد

وَعِزَّتِكَ لَاَخْرَسْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِبَصَرِي وَلَوْ شِئْتَ وَ

عِزَّتِكَ لَاَكْمَهْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِسَمْعِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ

لَاَصْمَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِيَدِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَكَنَّعْتَنِي

وَعَصَيْتُكَ بِرِجْلِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ

بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَلَيْسَ هٰذَا اَجْزَاؤُكَ

مِنِّي بعد از آن هزار بار میگفت اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ پس میچسپانید جانب

راست را بر زمین و سه بار یا واز حزین میگفت بُؤْتُ اِلَيْكَ

بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

الذُّنُوبَ غَيْرُكَ يَا مَوْلَايَ پس میچسپانید جانب چپ بر زمین

و سه بار میگفت اِرْحَمْ مَنْ اَسَاءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكَانَ وَ

اعْتَرَفَ و چون سر از سجده شکر بر داری بگو اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

بفرجي ولو شئت وعزتك
لأعقمتني وعصيتك
صح

كما خلقتني ولم اك شيئا مذكورا رب اعني على اهوال الدنيا
وبوائق الدهر ونكبات الزمان ومصيبات الليالي والايام
واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض وفي سفري فاصحبني
وفي اهلي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي لك
فذللني وفي اعين الناس فعظمني واليك فحببني وبذنوبي
فلا تفضحني وبعملي فلا تبسلني وبسريرتي فلا تخزني و
من شر الجن والانس فسلمني ولمحاسن الاخلاق فوفقني
ومن مساوي الاخلاق فجنبني الى من تكلني يا رب المستضعفين
وانت ربي الى عدو ملكته امري ام الى بعيد فيتجهمني
فان لم تكن غضبت علي يا رب فلا ابالي غير ان عافيتك
اوسع لي واحب الي واعوذ بنور وجهك الذي اشرقت

تا روز بلند میشد پس چون سجده کنی هر دو ساقهای دستها

فرش کن بر زمین و شکم (سینه) را ملصق ساز بزمین و بگو انچه در

کافی بسند حسن از ابی الحسن ماضی عم روایت کرده پس بگو

در سجده اول اللّهمّ انّی اُشهدك واُشهد ملائکتك

وانبیاءك ورسلك وجمیع خلقك انّك انت الله ربّی

والاسلام دینی ومحمّداً نبیّی وعلیّاً والحسن والحسین

وعلیّاً ومحمّداً وجعفراً وموسی وعلیّاً ومحمّداً وعلیّاً والحسن و

محمّداً سلام الله علیهم اجمعین ائمّتی بهم اتولّی ومن اعدائهم

اتبرّء پس سه بار بگو اللّهمّ انّی انشدك دم المظلوم ایوائك

علی نفسك لاولیائك لتظفرنّهم بعدوّك وعدوّهم

ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وعلی المستحفظین من آل محمّد

صلی الله علیه وآله وسلم

بگو اللّهمّ انّی انشدك

صَلّی اللّه علیه وآله بعد از آن سه بار بگو اللّهمّ انّی اَسأَلُکَ بالیُسرِ

بعد العُسرِ پس بگذار جانب راست روی را بر زمین و بگو یا کهفی

حینَ تُعیینی المذاهبُ وَ تَضیقُ عَلَیَّ الأرضُ بما رَحُبَت یا بارئَ

خلقی رحمةً بی وکان عن خلقی غنیّاً صلّ علی محمّد وآل محمّد و

علی المستحفظین من آل محمّد صلّی الله علیه وآله وسلم پس بعد از آن

بگذار جانب چپ را بر زمین و سه بار بگو یا مُذِلَّ کُلِّ جبّارٍ عنیدٍ

و یا مُعِزَّ کُلِّ ذلیلٍ قد وعزّتک بلغ بی مجهودی پس سه بار بگو یا حنّان

یا منّان یا کاشف الکرب العظام بعد از آن سجده دوم کن و صد

بار در آن شکراً شکراً بگو بعد از آن حاجت خود طلب کن و از آن

حضرت علیه السلام منقولست که در سجده شکر اکبر می‌گریستند و

اشک باواز حزین میکفتند عصیتک ربّی بلسانی ولو شئت

[illegible] لاعمیتنی [illegible] صح

بلغ

٢٦

مِن لَدُنكَ عِلماً وَتَهَبَ لي حُكماً وَتَجبُرَ كَسري وَتَرزُقَ بِا
لتَّقوى صَدري وَتَرحَمَني اِذا انقَطَعَ مِنَ الدُّنيا اَثَري فَ
تَذكُرَني اِذا نُسِيَ ذِكري بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ ساعت
سیوم وقت بر طرف شدن سرخی آفتاب تا بلند شده
روز از حضرت امام حسین است علیه السلام و دعای آن
اینست اللّهُمَّ رَبَّ الاَربابِ وَمُسَبِّبَ الاَسبابِ وَمالِكَ
الرِّقابِ وَمُسَخِّرَ السَّحابِ وَمُسَهِّلَ الصِّعابِ يا حَليمُ يا
تَوّابُ يا كَريمُ يا وَهّابُ يا مُفَتِّحَ الاَبوابِ يا مَن حَيثُ ما
دُعِيَ اَجابَ يا مَن لَيسَ تَحجُزُ آيَةً قُفلٌ وَلا بابٌ يا مَن لا يُخفى
عَلَيهِ سِترٌ وَلا يَضرِبُ دونَهُ حِجابٌ يا مَن يَرزُقُ مَن يَشاءُ
بِغَيرِ حِسابٍ يا غافِرَ الذَّنبِ وَقابِلَ التَّوبِ شَديدَ العِقابِ

اَللّٰهُمَّ انْقَطَعَ الرَّجٰاءُ اِلّا مِنْ فَضْلِكَ وَخٰابَ الْاَمَلُ اِلّا

مِنْ كَرَمِكَ فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَعَلِيِّ بْنِ اَبِي طالِبٍ

صَفِيِّكَ وَالْحُسَيْنِ الْاِمٰامِ التَّقِيِّ الَّذِي اشْتَرىٰ نَفْسَهُ

اِبْتِغاءَ مَرْضٰاتِكَ وَجٰاهَدَ النّاكِثِينَ عَلىٰ صِراطِ طاعَتِكَ

فَقَتَلُوهُ ساغِباً ظَماٰناً وَهَتَكُوا حُرْمَتَهُ بَغْياً وَعُدْواناً

وَحَمَلُوا اَمْتِعَتَهُ فِي الْآفاقِ وَاَحَلُّوهُ مَحَلَّ اَهْلِ الْعِنادِ وَالشِّقاقِ

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَدِّدْ عَلَى الْباغِي عَلَيْهِ مُخْزِياتِ

لَعْنِكَ وَانْتِقامِكَ وَمُرْدِياتِ سَخَطِكَ وَنَكالِكَ اَللّٰهُمَّ

اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَسْتَشْفِعُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَاُقَدِّمُهُمْ

اَمامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوائِجِي اَنْ لا تَقْطَعَ رَجائِي مِنْ اِمْتِنانِكَ

وَلا تُخَيِّبَ تَأْمِيلِي فِي اِحْسانِكَ وَنَوالِكَ وَلا تَهْتِكَ الْرِّ

الستر

المسئول علی کمن جهتک ولا تغیر عنی عوائد طولک
ونعمک ووفقنی لما یقربنی الیک واصرفنی عما یباعدنی عنک
واعطنی من الخیر افضل ما ارجو واکفنی من الشر ما اخاف و
احذر برحمتک یا ارحم الراحمین ساعت چهارم از چاشت
تا زوال از حضرت امام زین العابدین عم ودعاء آن اینست
اللهم انت الملک الملیک المالک وکل شیٔ سوی وجهک الکریم
هالک سخرت بقدرتک النجوم السوالک وامطرت بقدرتک
الغیوم الصواحک وعلمت ما فی البر والبحر وما تسقط من
ورقة فی ظلمات المهالک یا سمیع یا بصیر یا بن لشکور
یا غفور یا رحیم یا من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور
یا من له الحمد فی الاولی والآخرة وهو الحکیم الخبیر اسالک

سؤال البائس المستجير وأتضرع تضرع الضالع الكسير وأتوكل
عليك توكل الخاشع المستجير وأقف ببابك وقوف المؤمل
الفقير وأتوسل إليك بالبشير النذير والسراج المنير محمد
خاتم النبيين وابن عمه أمير المؤمنين عم والإمام علي
الحسين زين العابدين عم وإمام المتقين المخفي للصدقات
والخاشع في الصلوة والدائب المجتهد في المجاهدات الساجد
ذي الثفنات أن تصلي على محمد وآل محمد فقد توسلت بهم
إليك وقدمتهم أمامي وبين يدي حوائجي وأن تعصمني من مواقعة
معاصيك وترشدني إلى موافقة ما يرضيك وتجعلني
ممن يؤمن بك ويتقيك ويخافك ويرجيك ويراقبك و
يستحييك ويتقرب إليك بموالات من يواليك ويجتنب معادات

إليك

ذي الثفنات بالثاء المثلثة جمع ثفنة بالفاء والنون من الفتوحات فصدره من
وهي ما في ركبة البعير حصل بسبب كثرة مباشرته الأرض وقد حصل
في جبهته عليه السلام من طول السجود وكثرته

إليك

من

مَنْ يُعَادِيكَ وَيَعْتَرِفُ لَدَيْكَ بِعَظِيمِ نِعَمِكَ وَأَيَادِيكَ بِرَحْمَتِكَ يَا

ارحم الراحمين بكانك نسخه این دعاها اختلاف بسیار دارد وآنچه در

کتاب معتمد علیه استاد دام الله ظله است [illegible] در بیان آنچه در

اوائل روز بجا آوردن سنت است که در اول روز تصدق کند به هر چه میسر باشد

اگرچه اندکی باشد روایت کرده کافی که حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که بکّروا

بالصدقة فان البلاء لا يتخطاها يعنى در وقت بکره که ابتدای روز

باشد تصدق کنید که بلا از آن بگذرد یعنی باقی روز به بلا مبتلا نباشد

و هم روایت کرده از آنحضرت صلی الله علیه وآله که فرموده در وقتی که در اول

روز تصدق کند بصدقه و خواهد آن ثوابی که نزد خدا تعالی است

تا دفع کند از او آن صدقه شر آنچه نازل میشود از آسمان بزمین در آن

کلینی

روز تصدق کنید و در آن وقت
رغبت کنید پس هیچ مؤمنی نباشد

روز از آنچه در اوائل روز سنت است گلاب است در حدیثست از اصحاب

عصمت سلام الله علیهم کسی که مسح کند روی خود را بگلاب نرسد او را

بآن روز بلائی و فقری و باید که مسح کند هر دو دست را و صلوة بفرستد بر پیغمبر

صلی الله علیه و آله و چون از آنچه در اوائل روز بجای آرند در اغلب بستن

عمامه و پوشیدن رخت و موزه و نعلین است بعضی از آداب و دعا های

آن مذکور سازیم اما بستن عمامه یعنی دستار بر سر پیچیدن پس در حدیث

است که نزد آن باید گفت اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی

بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ

عُنُقِی و باید که نشسته عمامه بپیچد و چون عمامه بپیچد همان تحت الحنک

بندد نیز که سنت موکد است روایت کرده شیخ طوسی رحمه الله

در تهذیب بسند حسن که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده

هر که که دستار سوش لکها بدارد
خدا تعالی او را از شر آنچه
دران روز نازل شود

که هر که عمامه ببندد و عمامه را زیر حنک خود نگرداند پس برسد باو
دردی که او را دوا نباشد پس ملامت نکند مگر نفس خود را و روایت
کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
بدرستی که من تعجب میکنم از کسی که بحاجت برود و او با وضو باشد
چون بر نیاید حاجت او و بدرستی که من تعجب میکنم از کسی که بحاجت
برود و او عمامه را زیر حنک گردانیده باشد چون بر نیاید حاجت
او و احادیث در ترغیب تحت الحنک داشتن بسیار است و اجماع
علماء ما منعقد است بر آن و تعجب است از مخالفان که ایشان
انکار میکنند با آنکه در کتابهای خود روایت کرده‌اند حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله نهی کرده‌اند از اقتعاط را و امر کرده‌اند بتلحی و صاحب صحاح گفته
که اقتعاط عمامه است بزیر لحیتین یعنی دو استخوان که لحیه بر آنها است

بدانکه سنت بودن تحت الحنک عامست در جمیع اوقات و حالات
مخصوص نیست بحال نماز اگرچه در نماز افضلست و آن سنتی است علیحده
خواه نماز کند و خواه نکند و ما در روایات کتب اصول خود نیافتیم
چیزی که دلالت کند بر مخصوص بودن آن بحال نماز بلکه عامست و بان
تصریح کرده علامه در منتهی المطلب و بعد از انکه تحت الحنک را ذکر
کرده فرموده که ظاهر شد باین احادیث که آن سنت است مطلقا در حال
نماز و غیر آن پس چون در وقت نماز تحت الحنک کند باید که قصد کند
که این سنتی است علیحده برأسه نه آنکه سنتی است لغیره و اما اداب رخت
پوشیدن باید که قبا را کوتاه کند در تفسیر آیه و ثیابک فطهر نقل
شده که بمعنی قصّر است یعنی رختهای خود را کوتاه کن و باید که آستین
دراز تر از سر دست نباشد و همیشه رخت زینت خود را نو شد و رخت

شهرتی هم نپوشند در وقت غاز سفید بپوشند و از حضرت امام جعفر
صادق عم منقولست که مکروهست سیاه مگر در سه چیز عمامه و
موزه و کسا اما دعا از پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر صادق
عم مرویست که بگوید اللهم اجعله ثوب یمن و برکة اللهم ارزقنی
فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک والعمل بطاعتک الحمد لله
الذی رزقنی ما استر به عورتی و اتجمل به فی الناس و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام مرویست که چون قبای نو بپوشد بگوید
اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملاً بطاعتک و اداء شکر
نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل
به فی الناس و روایت است که در پوشیدن پیجامه بگوید اللهم
استر عورتی و آمن روعتی و اعف فرجی و لا تجعل للشیطان فی

ص
اللهم اجعله ثوب یمن
و تقوی و برکة

ذلك ضيئاً ولا الى ذلك له وصولاً فيصنع لي المكائد ويهيّج عليّ بالارتكاب
محارمك و باید که روی بقبله شود اما موزه و نعلین و کفش
باید که نشسته بپوشد و پای راست را پیش از چپ و در وقت بیرون
کردن ایستاده و پای چپ پیش از راست و این دعا در وقت پوشیدن
هر یک بخواند بسم الله وبالله اللهم صل على محمد وآل محمد ووطّئ
قدمي في الدنيا والآخرة وثبّتهما على الصراط يوم تزل فيه
الاقدام و این دعا در وقت بیرون کردن بخواند بسم الله الحمد
لله الذي رزقني ما اوقي به قدمي من الاذى اللهم ثبّتهما على صراطك
ولا تزلّهما عن صراطك السوي و روایت است از حضرت امام جعفر
صادق عم بکراهت پوشیدن موزه سرخ در حضر نه در سفر و روایت است
که آنحضرت فرموده سنتست پوشیدن موزه سیاه و کفش زرد

ومکروه

ومکروهست پوشیدن کفش سیاه و از آنحضرت عم روایت

که کسی که بپوشد کفش سیاه زرد کهنه نکند انرا تا بهم رسد

او را المالی و از آنحضرت روایتست که کسی که بپوشد کفش زرد باشد

در خوشحالی تا آنکه کهنه کند آنرا فصل چون عادة جاریست

که ما بین طلوع آفتاب تا زوال کل و شربی واقع شود پس بعضی

از آداب و دعائی آن که از حضرت ائمه معصومین عم منقولست

مذکور سازیم پس چون خواهی که چیزی بخوری بنشین بجانب

چپ و مربع منشین و از حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین

علی بن ابی طالب علیه السلام منقولست که آنحضرت فرمودند

که نشستن مربع را خدا تعالی دشمن میدارد و چون دست

دراز کنی از برای چیزی خوردن بگو بسم الله و الحمد لله رب

العالمین روایتست از حضرت امام جعفر صادق عم که بدرستی
که هرگاه مرد خواهد که چیزی بخورد پس دست دراز کند و بگوید
بسم الله والحمد لله رب العالمین بیامرزد او را خدا تعالی پیش از آنکه
لقمه بر دارد و روایت شده که سنتست بسم الله بر هر یکی و نعم روایت
شده که گفتن بسم الله در خوردن از هر ظرفی که در سفره باشد اگر
چه همه یکرنگ باشد و کسی که فراموش کرده باشد بسم الله را بر هر یکی
روایت کرده در فقیه باید که بگوید بسم الله علی اوله و آخره و باید که
در وقت شروع در خوردن بگوید الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم
و یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه اللهم لک الحمد
علی ما رزقتنا من طعام و ادام فی یسر و عافیة من غیر کد
منا و لا مشقة بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض و

وبالله

در دین او نبود

السماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی
السماء وهو السمیع العلیم اللهم اسئلك فی مطعمی هذا خیره
واعذنی من شره وامتعنی بنفعه وسلمنی من ضره وباید که هر روز
چیزی
پیش از خوردن بیست ویك مویز سرخ بخوری در روایتست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که هر که بخورد بناهار بیست ویك
مویز سرخ علتی بهم نرسد مگر علت موت او را وهر روز دست بشوی پیش از
طعام وبعد از طعام اگرچه یکی خورده باشی رعایت کرده رئیس المحدثین
در فقیه که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که کسی که بشوید دست را
پیش از طعام وبعد از طعام باشد معیشت او در فراخی وعافیت یابد از
بلاء در جسدش و روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که زیاده میکند عمر را وجلا میدهد چشم را وباید که در شستن اول

مرتبه صاحب طعام بشوید و بعد از ان کسی که بر جانب دست راست
اوست و بعد از طعام صاحب طعام آخر دست بشوید و اول کسی
بر جانب دست چپ اوست و در بعضی روایات آنست که کسی که بر جانب
راست در خانه است بشوید در شستن دوم خواه آزاد و بعد از
شستن اول دست را خشک نکند و بعد از دوم خشک کند بعد
از انکه دست بر چشم مالیده باشند اگر اثر طعام بر دست باشد
اول بکند و در اثنای خوردن تکرار الحمد کند و صاحب طعام پیش از
دیگران شروع در خوردن کند و بعد از همه دست بکشد و مکروه هست
بدست چپ چیزی خوردن و آشامیدن و همچنین بدو انگشت
و چون نان حاضر شود انتظار چیز دیگر نکشند و نان را زیر کاسه
نگذارند و پاره نکند بکارد و ابتدا بنمک کند و ختم کند بوی و در

روایت واقع شده که ختم کند بر که و هم در روایتی وارد است که
سنتست حاضر ساختن سبزی بر سفره و در یکروز دو بار گوشت
نخورد و در هر سه روز یکبار بخورد و مکروهست ترک گوشت
چهل روز و استخوان را بسیار پاک نکند بلکه اندک گوشتی بران
بگذارد و در روایتیست که جن را دران نصیبیست و انکسی
که پاک کند از خانه او برود چیزی که بهتر از ان گوشت باشد
که پاک کرده باشد و باید که صاحب طعام بر سفره بسیار نشیند
روایت کرده کلینی بطریق حسن از زراره که گفت شنیدم از
حضرت امام جعفر صادق عم که میفرمود سه چیز است که مرد
هرگاه یاد گرفت انها را باعث زیادتی عمر اوست و باقی بودن
نعمت براو پس طول دادن او رکوع و سجودش را و نشستن بر

طول دادن

گفتم آنها چیست فرمود که

سفره اش و نیکویی کردن او با اهلش و بگوید بعد از فراغ

طعام آنچه روایت شده از حضرت امام جعفر صادق ع م

الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین وسقانا فی ظمآنین

وکسانا فی عارین وهدانا فی ضالین وحملنا فی راجلین و

آوانا فی ضاحین واخدمنا فی عانین وفضلنا علی کثیر من

العالمین اما سوره الحمد بعد الطعام چنانچه درین زمان میخوانند

در کتب حدیث برین مطلع نشدیم و باید که حاضران همه در یک طشت

دست بشویند و آب طشت را نریزند تا پر نشود و سنت است

خلال کردن و مکروه است خلال از شاخ خرما و نی و چوب ریحان

و مورد و انار و باید که انداخت از خلال آنچه از میان دندانها

بیرون آورد و باکی نیست آنکه از زبان بیرون آورد و بخورد

و باید که خورش تو چیزی باشد که عیال ترا میل بآن باشند و ت

کرد کلینی از امام جعفر صادق عم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه

و آله فرموده المُؤمِنُ یأکُلُ بِشَهوَةِ أَهلِهِ یعنی مومن میخورد

آنچه اهلش میل کند والمنافِقُ یأکُلُ أَهلُهُ بِشَهوَتِهِ یعنی منافق

اهلش میخورند آنچه او میل کند اما اداب آب خوردن آنکه

بگوید نزد آب خوردن الحمدُ لله مُنزِلِ الماءِ مِنَ السَّماءِ و مُصرِّفِ

الأمرِ کَیفَ یَشاءُ بِسمِ اللهِ خَیرِ الأسماءِ و بعد از آب خوردن

بگوید الحمدُ للهِ الَّذی سَقانی فَأَرْوانی وَ أَعطانی فَأَرضانی

وَعافانی وَکَفانی اللّهُمَّ اجعَلنی مِمَّن تَسقیهِ فی المَعادِ مِن

حَوضِ محمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم وَ تُسعِدُهُ بِمُرافَقَتِهِ بِرَحمَتِکَ

یا ارحمَ الراحمین و سنت است آشامیدن آب کم کم میکید نه

الحَمدُ لِلّهِ الَّذی سَقانی ماءً عَذباً وَ لَم یَجعَلهُ مِلحاً أُجاجاً بِذُنوبی

بیکبار سر کشیدن روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه

وآله وسلم که بیکبار سر کشیدن آب مورث کباد است یعنی

مرض جگر و باید که آب بسه نفس خورد بهر دو دست بردارد

وحمد خدا کوید بهر نفسی و از حضرت امام جعفر صادق سوال

کرده شد از آشامیدن آب بیکنفس پس آنحضرت عم فرمود

که اگر بتو میدهد اگر مملوک تست پس بخور بسه نفس و اگر آزاد است

بخور بیکنفس و روایت است که کسی که آب خورد پس دور کند

آب را و حال آنکه میل آن داشته باشد حمد خدا تعالی کند

پس چون سه بار چنین کند واجب شود برای او جنت و باید

که از پیش دسته آب نخورد و نه از جانب شکسته و آب بسیار

نخورد در روایت است که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده

که بسیار پرهیزید از بسیار خوردن آب
زیرا که آن ماده هر درد است
در روایت

کرکی

کہ کسی کہ آب بخورد و حضرت امام حسین را یاد کند و لعن

بر قاتل او کند بنویسد خدا تعالی برای او صد هزار حسنه و بر

طرف کند از او صد هزار سیئه و رفیع سازد برای او صد هزار درجه

باب سیوم در بیان آنچه از وقت زوال کہ ظهر است تا

وقت فرو رفتن آفتاب بجا باید آورد و در آن مقصد است و چند

فصل مقصد روایت کرده در فقیه کہ حضرت پیغمبر صلی الله

علیه و آله و سلم فرموده هر گاه زائل شد آفتاب کشوده میشود

درهای آسمان و درهای بهشت و مستجاب میشود دعاها پس

خوشا حال کسی کہ بالا برده شود برای او عمل صالحی و احتمال دارد

کہ معنی طوبی لہ آن باشد کہ درخت طوبی کسی راست الی آخره

و هم روایت کرده کہ حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده

صد هزار درجه و چنان باشد
که آزاد کرده باشد

که تحقیق که آفتاب را نزد زوال حلقه ایست که در آن داخل میشود
پس هرگاه داخل شود در آن زوال شمس میشود پس تسبیح میکنند هر
چیز که مابین عرش است برای جد پروردگار من جل وعز و آن ساعتیست
که صلوات میفرستد بر من در آن ساعت پروردگار من جل جلاله
و واجب کرده بر من و امت من نماز را و گفته أَقِمِ الصَّلوٰةَ لِدُلُوكِ
الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ و آن ساعتیست که می آورند در آن جهنم
را روز قیامت پس نباشد مومنی که اتفاق افتد در آن ساعت آنکه
او راکع یا ساجد یا در نماز ایستاده باشد مگر آنکه حرام کند خدا تعالی
جسد او را بر آتش دوزخ فصل باید که نماز کند در اول وقت
خواه واجبی باشد خواه سنتی مگر آنچه استثنا شده روایت است
از حضرت امام جعفر صادق عم که فضل اول وقت بر آخر وقت

بچو

همچنین فضل آخر تست بر دنیا و از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
روایت است که فرموده اول وقت رضوان خداست و آخرش
عفو خدا و ظاهر نیست که این فضیلت دریافته شود بمشغول
بودن در اول وقت بمقدمات نماز و اما آنچه روایت شده از
ائمه معصومین علیهم السلام که تعظیم و تکریم نماز نکرده کسی
که تاخیر کند طهارت را تا وقت نماز داخل شود پس اسناد
معتبری نیست و داخل بودن آن در ضمن عمل بحدیث حسینی
که کلینی روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کسی
که بشنود چیزی از ثواب بر عملی پس آنرا بجا آورد اجر آن باشد پس او را
اگر چه چنان نباشد که باو رسیده دلالت میکند که مشغول
نبودن بطهارت در اول وقت مانعست از تعظیم نماز نزد فاتح

۴۵
چنانکه شیخ شهید فرموده و مخصوص
نیست بمشغول شدن در اول وقت بنماز

فضیلت اول وقت و بیان این هر دو فرقست سنت

انتظار وقت نماز روایتست که حضرت پیغمبر انتظار دخول وقت

نماز میکشید و میفرمود اَرِحْنَا یا بِلَالُ یعنی راحت ده ما را با علام

دخول وقت نماز چنانکه میفرموده قُرَّةُ عَیْنِیْ فِی الصَّلٰوةِ یعنی

خوشحالی من در نماز است و اول اول شروع سایه است در زیادتی

بعد از آنکه بنهایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن سایه

بعد از آن بطرف شدن زیرا که هر چند آفتاب بلندتر میشود

سایه کوتاه تر میشود تا وقتی که آفتاب بنهایت بلندی رسد

در آن روز پس سایه هم بنهایت کوتاهی رسد یا بطرف شود و اول

وقتی است که آفتاب بدائره نصف النهار رسد و معلوم است

که آفتاب در هر وقت نسبت بساکنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاع است

گاه در جانب جنوب سمت الراس بعضی اقالیمست وگاه در

شمال آن وگاه بر سمت الراس ایشان پس در قسم اول و دوم سایه

نصف النهار بر طرف نمیشود بلکه در هر وقت بنهایت کوتاه هست

در جانب شمال یا جنوب و در این دو وقت چون شروع در زیادت

کند اول زوالست و در قسم سیوم که آفتاب در نصف النهار وقت

بر سمت الراس ایشان باشد سایه بالکلیه بر طرف میشود

وبعد از آن ظاهر میگردد و اول ظهور آن وقت زوالست

و سایه شاخص را پیش از زوال ظل میگویند وبعد از زوال

فیء مشتق از فاء یفیء یعنی رجع زیرا که رجوع میکند که کم

بآنچه پیش از آن بوده و ممتداست وقت فضیلت ظهر تا آنکه

فیء یعنی سایه که بعد از زوال بهم رسیده مساوی شاخص شود و است

مساوی شاخص شود و وقت فضیلت ... تا آنکه فیء برابر

تاخیر هر یک از این دو نماز تا اول وقت بمقدار اداء نافله آن نماز
و کسی که نافله نکند تاخیر سنت نیست و نافله ظهر را صلوة اوابین
می نامند و وقتش از زوال است تا آنکه فیء دو قدم شود یعنی مقدار
دو سبع شاخص زیرا که قامت اغلب مردم هفت قدم اوست
و نافله عصر را سبحه می نامند و وقت آن از فارغ شدن از نماز
ظهر است تا آنکه فیء چهار قدم شود و بعضی علمای ما را اعتقاد
ممتد بودن وقت نافلها است با امتداد وقتهای نماز پس وقت
نافله ظهر ممتد است تا آنکه فیء مثل شاخص شود و نافله عصر
تا آنکه دو برابر شود و این دور نیست و در اخبار معتبره دلالت
بر زیادتی وقت نافله میکنند روایت کرده کلینی در تهذیب بسند
صحیح که حضرت امام جعفر صادق عم فرمود که نماز تطوع بمنزله

دلالتی بر این نیست بلکه در بعضی روایات

هدیه است هرگاه که بجای آورده شود مقبول است پس مقدم
دار آنچه خواهی و مؤخر دار آنچه خواهی اما ظن آنست که هیچ یك
از علما عمل باطلاق این حدیث از روی سببیت تقدیم و تأخیر نکرده
و شاید که مراد بتقدیم ادا باشد و بتأخیر قضا والله اعلم و مشهور
میان علمای ما آنست که جائز نیست اعتماد بر ظن دخول وقت
مگر با عدم قدرت بر تحصیل علم پس جائز نباشد اعتماد
بر قول یك عادل و نه بر اذان شهر اگرچه مؤذن عادل باشد
مگر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتماد بر اذان یك
عادل است اما خبر دادن دو عادل بدخول وقت یا اذان ایشان
پس ظاهر جواز اعتماد است بر آن اگرچه قدرت داشته باشد
بر علم بآن نیز اگر علم شرعی بآن حاصل است و کسی که اهتمام کند

در یافتن فضیلت اول وقت را بجای آورده سنتها داشته
باشد باید که در خانه خود یا پشت بام چوبی راست را بر زمین فرو
برد و آن چوب را بهفت قسم کرده باشد پس هر گاه سایه بنهایت نقصان
رسید یا شروع کند در حادث شدن پس شروع کند در نافلهٔ زوال
اگر موفق باشد بسعادت سنتی کردن یا شروع کند در نماز ظهر
در اول وقت اگر محروم باشد از آن سعادت و باید که ملاحظه
فی غاید پس چون بقدر دو سبع شاخص شود وقت نافلهٔ
ظهر بیرون میرود پس اگر از نافلهٔ ظهر یک رکعت تمام نکرده
باشد نافله را ترک کند و مشغول گردد بنماز واجبی و اگر از نافله
یک رکعت تمام کرده باشد و آن بفارغ شدن از ذکر سجدهٔ دوم
رکعت اول محقق میشود و اگر چه سر از سجده برنداشته باشد

پس نافله را تمام کند بعد از آن مشغول شود بفرض ظهر و
اظهر آنست که درین صورت شش رکعت دیگر هم اداے
زیرا که این هشت رکعت در حکم یک نماز است بعد از آن نماز
ظهر بگذارد بعد از آن ملاحظه فی نماید اگر چهار سبع شاخص
ما دون این شاخص نشده باشد شروع کند در نافله عصر و اگر
شده باشد وقت نماز نافله بیرون رفته و حکم این هم مثل نافله
ظهر است در اتمام و ترک اما در روز جمعه زیاده کند بر هشت
رکعت نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر چهار رکعت دیگر که مجموع بیست
رکعت باشد همه نافله جمعه است شش رکعت در وقتی بگذارد
که شعاع آفتاب پهن شود و شش رکعت وقتی که آفتاب
بلند شود و شش رکعت وقتی که راست بایستد و دو رکعت بعد از زوال

فصل چون زوال متحقق شود بگو آنچه رئیس المحدثین در فقیه
روایت کرده که حضرت امام محمد باقر عم تعلیم کرد محمد بن مسلم را
و باو گفته که محافظت و مداومت کن برین چنانکه محافظت میکنی
چشمهای خود را سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا بعد از آن وضو ساز
و شروع کن در نافله زوال پس نیت کن که دو رکعت نافله زوال
پس نیت کن که دو رکعت نافله زوال میگذارم سنت تقرب بخدا
و تکبیرة الاحرام بگو و دو تکبیر دیگر و دعای اللهم انت الملک الحق
تا آخر بخوان و بعد از آن تکبیر دیگر و دعای لبیک و سعدیک
بخوان بعد از آن دو تکبیر دیگر بگو و دعای وجهت وجهی را تا آخر

بخوان وبعد از ان آهسته أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بعد از ان سوره الحمد لله وقل هو الله احد بخوان چنانکه کلینی

روایت کرده بسند حسن وبعد از سلام سه تکبیر بکو وتسبیح فاطمه

علیها السلام بکو بعد از ان بکو اللهم انی ضعیف فقو فی

رضاك ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی واجعل الایمان منتهی

رضای وبارك لی فیما قسمت لی وبلغنی برحمتك کل الذی

ارجو منك واجعل لی ودا وسرورا للمؤمنین وعهدا عندك

بعد از ان دو رکعت دیگر نماز بکذار اما در اول این یك تکبیر افتتاح بکو و

بعد از رکوع رکعت این دعا بخوان وتعقیب همچنین تا شش رکعت بکذاری

[illegible]

بعد از ان اقامت بکو وبعد از اقامت این دعا بخوان اللهم رب

هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة بلغ محمدا صلی الله

وقل یا ایها الکافرون در رکعت
دوم بعد از الحمد

بعد از ان اذان بکوی [illegible]
[illegible]

عليه و آله الدرجة و الوسيلة و الفضل و الفضيلة بالله
استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلى الله عليه و آله اتوجه اللهم
صل على محمد و آل محمد و اجعلني بهم عندك وجيها في الدنيا
و الآخرة و من المقربين بعد از ان مشغول شو بنماز ظهر
با مراعات و آدابی که در نماز صبح مذکور شد و بسم الله الرحمن الرحیم
را بلند بگو و باقی را آهسته بخوان و در رکعت اول بعد از الحمد سوره
سبح اسم ربك الاعلى بخوان یا سوره و الشمس یا سوره که بقدر
اینها باشد چنانکه در تهذیب روایت شده از حضرت امام جعفر
صادق عم باسناد صحیح و در دو رکعت آخر سوره الحمد تنها یا سه
بار سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر استغفر الله
بعد از ان تکبیر رکوع بگو و دستها بر داشته چنانکه گذشت و بعد

از سلام سه بار الله اکبر بگو بعد از آن بخوان لا اله الا الله و
نحن له مسلمون تا آخر چنانکه در تعقیب نماز صبح مذکور شد بعد از آن
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو هر دعائی که خواهی از آنها که
در تعقیب صبح مذکور شد بخوان سوای آنچه مخصوص است بصبح
مثل آنکه متضمن دخول صبح است و سه دعای دیگر بعد از آن بگو یا من
اظهر الجمیل وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم
یهتک الستر یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئا با
النعم قبل استحقاقها یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة
یا باسط الیدین بالرحمة یا سامع کل نجوی ویا منتهی کل
شکوی یا رباه یا رباه یا رباه یا سیداه یا سیداه یا سیداه
یا غایة رغبتاه یا ذا الجلال والاکرام اسألک بحق محمد

یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها صح

فعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى

وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد صاحب الزمان سلام الله عليهم

اجمعين ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف كربي وتغفر

ذنبي وتنفس همي وتفرج غمي وتصلح شاني في ديني ودنياي

وان تدخلني الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي ما انا

اهله برحمتك يا ارحم الراحمين بعدد ان تبكو يا سامع كل صوت

ويا جامع كل فوت يا بارئ النفوس بعد الموت يا باعث يا

وارث يا اله الالهة يا جبار الجبابرة يا مالك الدنيا والآخرة

يا رب الارباب وسيد السادات يا ملك الملوك يا بطاش

ذو البطش الشديد يا مبدئ يا معيد يا فعالا لما يريد

يا محصي عدد الانفاس ونقل الاقدام يا من السر عنده علانية

اسالك

اسألك بحق خيرتك من خلقك وبحق هم الذين اوجبت
لهم على نفسك ان تصلى على محمد واهل بيته وان تمن على
الساعة بفكاك رقبتي من النار وان تنجز لوليك و
ابن عم نبيك الداعي اليك باذنك وامينك في ارضك
وعينك في عبادك وحجتك على خلقك عليه صلواتك
وبركاتك وعده اللهم ايده بنصرك وقو اصحابه وصبرهم
واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا وعجل فرجه ومكنه
من اعدائك واعداء رسولك يا ارحم الراحمين پس بگو
اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن
وما بينهن وما تحتهن ورب العرش العظيم ورب جبرئيل
وميكائيل واسرافيل عم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم

وربّ محمّدٍ خاتم النبيّين صلّ على محمّدٍ وآله واسألك باسمك

العظيم الذی به تقوم السموات والارض وبه تحيی الموتی

وترزق الاحياء وتفرّق بين المجتمع وتجمع بين المتفرّق

وبه احصيت عدد الآجال ووزن الجبال وكيل البحار اسألك

يا من هو كذلك ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تفعل

بی كذا وكذا وحاجت خود بطلبد پس سجدهای شكر كند

ودر آنها و بعد از آنها بگويد آنچه در باب اول مذكور شد

فصل بعد از فارغ شدن از متعلقات نماز ظهر برخيزد تا

عصر ودر اينجا هفت تكبير سنت نيست بلكه همان تكبير افتتاح

زيرا كه آن هفت تكبير در نمازهای سنتی نيست مگر در چهار

نماز اول نافلهٔ زوال واول نافلهٔ مغرب ودر وتيره وركعت وتر

فلم (margin)

سی (margin)

المنتظم (margin)

وقفه

وآنچه خواهی بخوانی در نافله عصر از سورها اگرچه اولی از سوره حاقت
که از ائمه هدی سلام الله علیهم ترغیب در آنها است و اختیار
کند سوره که خواندنش باعث بیرون رفتن وقت نباشد
از حضرت امام محمد باقر عم مرویست که هر که سوره صف
در نمازهای واجبی و سنتی خواند خدا تعالی او را در صف
ملائکه و انبیاء مرسل بیارد و هم از آنحضرت مرویست که هر که
مداومت کند بر خواندن سوره ق در نمازهای واجبی و سنتی
وسیع گرداند خدا تعالی بر وی روزی او را و عطا کند کتاب
او را بدست راستش و حساب کند او را بحساب اندکی و از آن
حضرتست که بسیار تلاوت کنید الحاقه را در نمازهای واجبی
و سنتی زیرا که آن از ایمان بخدا و رسول او است و هر که از خوا

سلب نشود ایمانش تا بمیرد و بعد از فراغ از دو رکعت اول بگوید

اللهم انه لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم الحلیم الکریم

الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ البدیع لک الحمد و لک المن

و لک الکرم و لک الجود و لک الامر وحدک لا شریک لک یا

واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا

احد و لم یتخذ صاحبة و لا ولدا صل علی محمد و آله و افعل بی کذا

بگوید

وکذا بعد از آن دو رکعت دیگر بگذارد و دعا اللهم رب السموات

السبع تا آخر بخواند پس دو رکعت دیگر بگذارد و بگوید اللهم

انی ادعوک بما دعاک به عبدک یونس اذ ذهب مغاضبا

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمت ان لا اله الا انت

سبحنک انی کنت من الظلمین فاستجبت له و نجیته من الغم

وکذلک

وكذلك ننجي المؤمنين فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك

وانا عبدك وسألك وهو عبدك وانا اسألك [illegible]

ان تصلي على محمد وآل محمد وان تستجيب لي كما استجبت له وادعوك

بما دعاك به عبدك ايوب اذ مسه الضر فدعاك اني

قد مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت

ما به من ضر وآتيته اهله ومثلهم معهم فانه دعاك

وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسألك و

هو عبدك وانا عبدك وانا اسألك ان تصلي على محمد

وآل محمد وان تفرج عني كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما

استجبت له وادعوك بما دعاك به عبدك يوسف اذ

فرقت

واذ

بينه وبين اهله هو في السجن فانه دعاك وهو عبدك وانا

ادعوك وانا عبدك وسالك وهو عبدك وانا اسالك

وانا عبدك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفرج عنی کما فرجت

عنه وان تستجیب لی کما استجبت له فصل علی محمد وآل محمد وافعل بی

کذا وکذا وحاجت خود ذکر کن پس دو رکعت آخر بکذار و بعد از آن

اذان بگو از برای نماز عصر و فاصله کن میان اذان و اقامت بسجده

ودعا کن بانچه کذشت در نماز صبح وظهر پس مشغول شو بنماز

عصر بهمان آدابی که مذکور شد و بخوان در رکعت اول اذا جاء

نصر الله والفتح یا الهیکم التکاثر و مثل اینها چنانک روایت

کرده شیخ الطائفه در تهذیب از امام جعفر صادق عم بسند

صحیح و بعد از فراغ از نماز عصر بخوان آنچه در عقب نماز ظهر مذکور شد

مکر آنچه مخصوص ظهر باشد و بعد از آن بخوان آنچه مخصوص

وآل محمد

عصرست

عصر است أستغفر الله الذی لا إله إلا هو الحی القیوم

الرحمن الرحیم ذو الجلال والإکرام وأسأله أن یتوب

علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر

لا یملك لنفسه نفعاً ولا ضراً ولا موتاً ولا حیوة ولا نشوراً

اللهم إنی أعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب لا یخشع

ومن علم لا ینفع ومن صلوة لا ترفع ومن دعاء لا یسمع

اللهم إنی أسألك الیسر بعد العسر والفرج بعد الکرب

والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنك وحدك

لا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إلیك و سنت هفتاد

بار استغفار بعد از نماز عصر و ده بار خواندن سوره انا انزلناه

امام جعفر صادق عم فرموده کسی که بعد از نماز عصر هفتاد بار استغفار

کند بیامرزد خدا تعالی هفتصد گناه او را و حضرت امام محمد
تقی علیه السلام فرموده که کسی که انا انزلناه بخواند ده بار بعد
از عصر بکند در خواندن برمثل اعمال خلایق یعنی ثواب آن
خواندن برابر ثواب عملهای نیک خلایق یعنی باشد در آن روز
و بعد از آن دو سجده شکر کند و بخواند در آنها و بعد از آن آنچه
پیش گذشت و باید که آخر این دعا را بخواند اللهم انی وجهت
وجهی الیک واقبلت بدعائی علیک راجیا اجابتک طامعا
فی مغفرتک طالبا ما اوعدت به علی نفسک مستنجزا وعدک
اذ تقول ادعونی استجب لکم فصل علی محمد وآل محمد واقبل
الی بوجهک وارحمنی واستجب دعائی یا اله العالمین فصل
بدانک ساعت پنجم روز از زوال تا آن مقدار که چهار رکعت نماز

بگذارند

بگذارند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است و دعای آن

اینست و بهتر آنست که این دعا را بعد از رکعت چهارم نافله زوال

بخوانی اللهم انت الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه

سِنَةٌ ولا نومٌ هو الله الذی لا اله الا هو عالمُ الغیبِ والشهادة

هُوَ الرحمنُ الرحیمُ هو الاوّلُ والآخِرُ والظاهِرُ والباطِنُ

وهُوَ بکلِّ شیءٍ علیمٌ فالقُ الاصباحِ وجاعِلُ اللیلِ سکنًا

والشمسَ والقمرَ حسبانًا ذلک تقدیرُ العزیزِ الرحیمِ یا غالب

العلیم

غیرَ مغلوبٍ ویا شاهدًا لا یغیبُ یا قریبُ یا مجیبُ ذلکمُ الله

ربی لا اله الا هو علیه توکلتُ والیه اتذلّلُ الیک تذلّلَ

انیب

الطالبینَ واخضعُ بین یدیک خضوعَ الراغبینَ واسألک

سؤالَ الفقیرِ المسکینِ وادعوک تضرّعًا وخُفیةً انّک

لا يحب المعتدين وادعوك خوفا وطمعا ان رحمتك قريب
من المحسنين واتوسل اليك بخيرتك وصفوتك من العالمين
النبي جاء بالصدق وصدق المرسلين محمد عبدك ورسولك
النذير المبين وبوليك وعبدك علي بن ابي طالب امير المومنين
عم وبالامام محمد بن علي باقر علوم الاولين والاخرين والعالم
بتاويل الكتاب المستبين واسالك بمكانهم عندك واقدمهم
امامي وبين يدي حوائجي ان توزعني شكر ما اوليتني من نعمك
وتجعل لي فرجا ومخرجا من كل كرب وغم وترزقني من حيث
احتسب ومن حيث لا احتسب وكثر لي من فضلك ما تغنيني
به عن كل مطلب واقذف في قلبي رجاك واقطع رجائي عمن
سواك حتى لا ارجو الا اياك انك تجيب الداعي اذا دعاك

وتغيث الملهوف إذا ناداك وأنت أرحم الراحمين واما عت
ششم از آن زمان که مقدار چهار رکعت نماز بکنار رد از اول
زوال تا آغاز ظهر از حضرت امام جعفر صادق عم و دعای
آن اینست اللهم انت انت المغيث برحمتك وعلمت الغيب
بمشيتك ودبرت الامور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك
واعجزت العقول عن كيفيتك وحجبت الابصار عن ادراك
صفتك والاوهام عن حقيقة معرفتك واضطرت
الافهام الى الاقرار بوحدانيتك يا من يرحم العبرة
ويقيل العثرة لك العزة والقدرة لا يعزب عنك في
الارض ولا في السماء مثقال ذرة اتوسل اليك بالنبي الامي محمد رسولك
العربي الهاشمي المكي المدني الذي اخرجتنا به من الظلمات

علم

الى النوبة بامير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام الذي
شرحت بولايته الصدور وبالامام جعفر بن محمد الصادق
في الاخبار المؤتمن على مكنون الاسرار صلى الله عليه وعلى
اهل بيته بالعشي والابكار اللهم اني اسالك بهم واستشفع
بمكانهم لديك واقدمهم امامي وبين يدي حوائجي
فاعطني الفرج الهني والمخرج الوحي والصنع القريب و
الامان من الفزع في اليوم العصيب وان تغفر لي موبقات
الذنوب ولي تستر علي فاضحات العيوب فانت الرب
وانا المربوب وانا الطالب وانت المطلوب وانت الذي
بذكرك تطمئن القلوب وانت الذي يقذف بالحق وانت
علام الغيوب يا اكرم الاكرمين ويا خير الفاضلين ويا احكم

الحاكمين وساعت هفتم که از وقت ظهر است تا مقدار چهار
یک فصل عصر نماز از حضرت امام موسی کاظم است علیه السلام و دعای آن اینست
اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر وانت المدعو اذا مس
الضر ومجيب الملهوف المضطر والمنجي من ظلمات البر والبحر
ومن له الخلق والامر والعالم بوساوس الصدور والمطلع
على خفي السر يا غاية كل نجوى ومنتهى كل شكوى يا من له
الحمد في الآخرة والاولى يا من خلق الارض والسموات العلى
الرحمن على العرش استوى له ما في السموات وما في الارض
وما بينهما وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر
واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى اسألك بمحمد خاتم
النبيين خيرتك من خلقك والمؤتمن على اداء رسالتك

وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب عم الذي جعلت محبته

معرفته برضاك ومحبتك وبالامام الكاظم موسى بن جعفر

عليهما السلام الذي سالك ان تفرغه لعبادتك وتخليه

لطاعتك فاجبت دعوته ان تصلي على محمد وآله صلوة

تقضي بها عني واجب حقوقهم وترضى بها في اداء فروضهم

واتوسل اليك بهم واستشفع بمنزلتهم وقدمتهم امامي

وبين يدي حوائجي ان تجريني على جميل عوائدك وتمنحني جزيل

فوائدك وتاخذ بسمعي وبصري وسري وعلانيتي وناصيتي

وقلبي وعزمتي وتلهمني ما يعينني به على هواك وتقربني من

اسباب رضاك وتوجب لي نوافل فضلك وتستديم بي

مناجح طولك يا ارحم الراحمين وساعت هشتم كه بعد از گذشتن

ولايته مفروضة
صح ولا منك

عنا في الواجب

مقدار چهار رکعتست تا وقت نماز عصر از حضرت امام رضا علیه
السلام است و دعای آن اینست اللهم انت الکاشف للملمات
والکافی للمهمات والمفرج للکربات والسامع للاصوات
والمخرج من الظلمات والمجیب للدعوات الراحم للعبرات جبار
الارض والسموات یا ولی یا مولی یا علی یا اعلی یا کریم یا
اکرم یا من له الاسم الاعظم یا من علم الانسان ما لم یعلم
یا فاطر السموات والارض وهو یطعم ولا یطعم اسالک
بمحمد المصطفی من الخلق المبعوث بالحق وبامیر المؤمنین الذی
اولیته فالفیته شاکرا وابتلیته فوجدته صابرا وبالامام
الرضی علی بن موسی الرضا الذی وفی بعهدک ووثق
بوعدک واعرض عن الدنیا وقد اقبلت الیه ورغب عن

زينتها وقد رغبت فيه ان تصلی علی محمد وآل محمد فقد توسلت

بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان تهديني

الی سبل مرضاتك وتيسر لي اسباب طاعتك وتوفقني

ذات

لابتغاء الزلفة بموالات اوليائك واذلال الخطوة من معا

اعدائك وتعينني علی غناء فرضك واستعمال سنتك

اداء

الی

وتوفقني علی الحجة المؤدية العتق من عذابك والفوز

برحمتك يا ارحم الراحمين وساعت نهم كه انتهاء عصر است تا

شش

تقی

آنكه دو ساعت بگذرد از حضرت امام محمد جواد است عم ودعا

اينست اللهم يا خالق الانوار ومقدر الليل والنهار تعلم

ما تحمل كل انثی وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء

عنده بمقدار اذا تفاقم امر طرح عليك واذا غلقت الابواب

فزع باب فضلك واذا ضاقت الحاجات فزع الى سعة

طولك واذا انقطع الامل من الخلق اتصل بك واذا وقع يأس

من الناس وقف رجاءه عليك أسئلك بحق النبي الاواب

الذي انزلت عليه الكتاب ونصرته على الاحزاب وهديتنا

به الى دار المآب وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب الكريم المنتاب

المتصدق بخاتمه في المحراب وبالامام الفاضل محمد بن علي الذي

سئل فوفقته لرد الجواب وامتحن فعضدته بالتوفيق

والصواب صلى الله عليه وعلى آله واهل بيته الاطهار ان

تجعل موالاتي لهم عصمة من النار ونجاة الى دار القرار

فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي

حوائجي ان تعصمني من التعرض لمواقف سخطك وتوفقني

عليه السلام

لسلوك سبيل محبتك ومرضاتك يا ارحم الراحمين وسا عت

دهم بعد از دو ساعت از وقت عصر تا پیش از نزدیکی آفتاب

از حضرت امام علی هادی است عم و دعاش اینست اللهم انت

الولی الحمید الغفور الودود المبدئ المعید ذو العرش

المجید البطش الشدید فعال لما یرید یا من هو اقرب الی

من حبل الورید یا من هو علی کل شئ شهید یا من لا یتعاظمه

غفران الذنوب ولا یکبر علیه الصفح عن العیوب اسألك

بجلالك بنور وجهك الذی ملأ ارکان عرشك وبقدرتك

التی قدرت بها علی خلقك وبرحمتك التی وسعت كل

شئ وبقوتك التی ضعف لها کل قوی وبعزتك التی

ذل بها کل عزیز وبمشیتك التی ضعف فیها کل کبر وبسلطانك

الَّذِی رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَهَدَیْتَ اِلی سَبِیْلِ الرَّشَادِ وَبِاَمِیرِ الْمُؤمِنِیْنَ

عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ عم اَوَّلِ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِكَ وَصَدَّقَ بِالَّذِی وَفَی

عَاهَدَ

بِمَا عَلَیْهِ وَتَصَدَّقَ وَبِالْاِمَامِ الْبَرِّ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ الَّذِی

کَفَیْتَهُ حِیْلَةَ الْاَعْدَاءِ وَاَرَیْتَهُمْ عَجِیبَ الْاٰیَةِ اِذْ تَوَسَّلُوا بِهِ فِی

مُتَّهِم

الدُّعَاءِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ اِلَیْكَ وَقَدَّ

مْتُكَ

اَمَامِی وَبَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی وَاَنْ تَجْعَلَنِی مِنْ کِفَایَتِكَ فِی حِرْزٍ مِنْ کُلِّ

حِرْزٍ

مَخُوفٍ عَزِیزٍ وَتُوزِعَنِی شُکْرَ آلَائِكَ وَمِنَنِكَ وَتُوَفِّقَنِی لِلْاِعْتِرَافِ

بِاِیَادِیكَ وَفِعْلِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و ساعت یازدهم پیش از زردی آفتاب

تا زردی آفتاب از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و دعای

آن اینست اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مُنْزِلُ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْاِنْسِ وَالْجَانِّ جَاعِلُ

الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ بِحُسْبَانٍ الْمُبْتَدِئُ لِلْفَضْلِ وَالْاِحْسَانِ وَضَامِنُ

بِالطَّوْلِ وَالْاِمْتِنَانِ وَالْمُبْدِئُ

الرزق لجميع الحيوان لك المحامد والمدائح ومنك العوائد والمنائح

واليك يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح وانت العالم بما تخفي

الصدور والجوارح اسالك بمحمد صلى الله عليه وآله رسولك الى

الكافة ونبيك المبعوث بالرحمة والرافة وامير المؤمنين علي

بن ابي طالب عليه السلام المفترض طاعته على القريب والبعيد

المؤيد بنصرك في كل موقف مشهود والامام الحسن بن

علي الذي طرح للسباع فخلصته من مرابضها وامتحن بالدواب

الصعاب فذللت له مراكبها ان تصلي على محمد وآل محمد فقد

توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي وان

ترحمني بالتوفيق لترك معاصيك ما ابقيتني وتعينني على القصد

بطاعتك ما احييتني وان تختم لي بالخيرات اذا توفيتني وتفضل

علی بالمبادرة اذا سلبتنی وهب لی العفو اذا کاشفتنی ولا
تکلنی الی نفسی فاضل ولا تحملنی ما لا طاقة لی به فاضعف
ولا تبتلینی بما لا صبر لی علیه فاعجز واجرنی علی جهلی عن ذلک
عندی ولا تواخذنی بسوء عملی ولا تسلط علی من لا یرحمنی
برحمتک یا ارحم الراحمین ساعت دوازدهم از زردی آفتاب
انحضرت امام مهدی صلوات الله علیه است ودعاش اینست
اللهم یا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق
العاصی والمطیع الذی لیس له من دونه ولی ولا شفیع اسالک
باسمائک التی اذا سمیت علی طوارق العسر عادت یسرا واذا وضعت
علی الجبال کانت هباء منثورا واذا رفعت الی السماء تفتحت
لها المغالق واذا هبطت الی ظلمات الارض اتسعت لها المضایق واذ

ولا تحوجنی الی غیرک فافتقر

تا غروب آفتاب

دعيت بها الموتى انتشرت من اللحود واذا نوديت بها المعدومات
خرجت الى الوجود واذا ذكرت على القلوب وجلت خشوعا و
اذا قرعت الاسماع فاضت العيون دموعا اسألك بمحمد رسولك
المؤيد بالمعجزات المبعوث بمحكم الآيات وبامير المؤمنين علي بن
ابي طالب الذي اخترته لمواخاته ووصيته واصطفيته لمصا
ومصاهرته وبصاحب الزمان المهدي الذي تجمع على طاعته الآراء
المتفرقة وتؤلف به بين الاهواء المختلفة وتستخلص به حقوق
اوليائك وتنتقم به من شرار اعدائك وتملأ به الارض عدلا
واحسانا وتوسع على العباد بظهوره فضلا وامتنانا وتعيد
الحق الى مكانه عزيزا حميدا وترجع الدين على يديه غضا جديدا
ان تصلي على محمد وآل محمد فقد استشفعت بهم اليك وقدمتهم

٨١

اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَاَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ

لِمَعْرِفَتِهِ وَالْهِدَايَةِ اِلَى طَاعَتِهِ وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِ

وَالاِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِ اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ بِرَحْمَتِكَ

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ باب چهارم در بیان آنچه از فرو رفتن آفتاب تا

وقت خواب بجای باید آورد اول وقت نماز مغرب بنا بر قول مشهور

بر طرف شدن سرخی مشرقی است و میکشد وقت فضیلتش تا بر طرف

شدن شفق و وقت ادای آن میکشد تا آنکه از نصف اول شب مقدار

کنار دن نماز شام و نماز خفتن بماند پس چون وقت شام محقق شد

ده بار بگو آنچه روایت کرده ابن بابویه قدس سره در فقیه بسند صحیح از

حضرت امام جعفر صادق عم از دعاء نوح عم و آنچه روایت کرده

کلینی بسند صحیح از امام محمد باقر عم و هر دو گذشت در دعاء اول

اول طلوع فجر بعد از آن دست بر سر بکذارد و بکش بر روی خود و دستش

خود را بکیرد و بکو احطت علی نفسی و اهلی و مالی و ولدی من غائب

و شاهد بالله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن

الرحیم الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات

و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین

ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع

کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم

و اکر خواهی اکتفا بیکی ازین سه دعا کن خصوصا در وقت ترس از تنکی

وقت بعد از آن باید ابتدا بنماز مغرب باید نمود زیرا که مستفاد از

بعضی روایات تنکی وقت مغربست و روایات درین بسیار است چنانکه روایت

کرده کلینی بسند صحیح که امام جعفر صادق عم فرمود بلا شک که

۸۹۳

که جبرئیل عم آمد بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم برای هر

نمازی بدو وقت غیر نماز مغرب که وقت آن یکیست و وقت آن سقوط

آفتابست چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در مجلس شصت و دویم

از امالی از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق عم

که میگفت کسی که تاخیر کند نماز مغرب را تا آنکه ستارها مشبک شوند

یعنی ظاهر شوند من از وبری ام و چنانک روایت کرده شیخ طوسی در

تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت گفتم بحضرت امام جعفر

صادق عم که بدرستیکه جمعی مردم از اصحاب ابی الخطاب شنیدم

که شام میکنند مغرب را تا وقتی که ستارها مشبک شوند پس آنحضرت

فرمود که من بری ام بخدا از کسی که این کار کند عمدا و چنانک روایت

کرده هم در تهذیب بسند صحیح از آنحضرت که فرمود که بدرستی

یعنی ظاهر شوند

کہ جبرئیل عم امر کرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بهمه نمازها

پس کردانیده‌اند زبرای هر نمازی دو وقت مکر مغرب که بیک وقت کردانیدند

برای آن یکوقت و تحقیق وارد شده در روایت معتبره بیرون رفتن

وقت مغرب به برطرف شدن شفق و عمل کرده‌اند باین جمعی از علماء

ما و کردانیده‌اند نه میان مغرب و برطرف شدن شفق را وقت مختار

و ما بعدش را وقت از برای مضطر و اظهر مذهب متاخرین است

که مضیق وقت فضیلتش است نه وقت اداش پس حمل کرده می‌شود

برآیات حضرت امام جعفر صادق عم بر آنکسی که اعتقاد کند که

واجبست تاخیر مغرب تا آن وقت و باید که ترک اذان و اقامت

مغرب نکند زیرا که جمعی از علماء اما مثل سید مرتضی قدس سره

و ابن عقیل و ابن جنید قائل‌اند بوجوب بودن اذان و اقامت در نماز

بعضی قایلند بالکه

از کسی که تاخیر کند از آن تا اشتباک ستارها مکره

مغرب بلکه بعضی قائلند بانکه نماز مغرب باطلست اگر کسی عمداً ترک

اذان و اقامت بکند یا نشستن روایتست از حضرت امام

جعفر صادق عم فرمود کسی که بنشیند میان اذان مغرب و اقامتش

مثل کسی باشد که در خون خود غلطیده باشد در راه خدا و از انجمله آنکه

باید میان اذان مغرب و اقامتش گفتن دعا است اللّهُمَّ

اَسْأَلُكَ بِاِقْبَالِ لَيْلِكَ وَاِدْبَارِ نَهَارِكَ وَحُضُوْرِ صَلَوَاتِكَ

وَاَصْوَاتِ دُعَاتِكَ وَتَسْبِيْحِ مَلَائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوْبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ و اما فصل کام

نهادن پیش در کتب فروع مذکور است و شیخ شهید در ذکری فرموده

که حدیثی برای این نیافتیم و بگو بعد از اقامت آنچه در نمازهای گذشته

بعد از آن افتتاح نماز کن با آدابی که پیش گفته شد و در رکعت اول

کند و فاصله کن میان اذان و اقامت

بعد از فاتحه سوره نصر یا تکاثر یا مثل اینها در کوتاهی بخوان و در
رکعت دویم سوره توحید و بعد از سلام تعقیب کن بسه تکبیر
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از ان سه بار بگو آنچه در فقیه
از حضرت امام جعفر صادق عم روایت کرده اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَلَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ بعد از ان برخیز نافله
مغرب و اگر خواهی که در تعقیب تطویل کنی پس افضل آنست که کذارده
بر آنچه مذکور شد بعد از نافله بجای آری اگر وقت را وسعت آن
باشد و وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیهم ترغیب
بر نافله مغرب روایتست از حضرت امام جعفر صادق عم که فرمود
بحارث بن مغیره که ترک مکن چهار رکعت نماز بعد از نماز مغرب در
سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروهست سخن

کردن میان مغرب و نافلهٔ اش و در روایت خفاف از امام جعفر

صادق علیه السلام که بر نسبت روایت کرده در رفقیه که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که کسی که بگذارد مغرب را بعد از آن

تعقیب بخواند و سخن نکند تا آنکه دو رکعت نماز بگذارد در آن

نوشته شود از برای وی حجی مبرور یعنی مقبول و مشهور نیست

کراهیت سخن کردن میان چهار رکعت و روایت کرده ابو الفوارس

که گفت نهی کرد مرا امام جعفر صادق علیه السلام از آنکه حرف

زنم میان چهار رکعتی که بعد از مغرب است و استدلال جسته با آن

روایت بر کراهت سخن گفتن میان مغرب و میان این چهار رکعت

و موافقت کرده با و شهید در ذکری بر این استدلال و مخفی نیست

انچه در آنست اول وقت این چهار رکعت فارغ شدن از مغرب است

نوشته شود در علیین یعنی اگر بگذارد چهار رکعت

و دلالت میکند بر کراهت ان

علامه قدس سره

و آخرش بمذهب مشهور بر طرف شدن شفق است و بعضی
غیر سانند بان نماز عشا خواه شروع در آنها کرده باشد یا نه و گفته
که ممتد است وقتش تا آن که باقی ماند بعد از مغرب به پیش از نصف
شب مقدار ادای آن و میل کرده باین شیخ شهید در ذکری لیکن
کلام علامه در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر آنکه آخر
وقتش غائب شدن شفق است پس عدولی نیست از مشهور
و اگر وقتش فوت شود باید قضا کرد مثل باقی نمازها حضرت امام
جعفر صادق عم فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که خدا تعالی مباهات میکند به بنده که قضا کند نماز شب را بروز
و میگوید ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من که قضا کرده چیزی را
که من براو واجب نکردیم گواه میکرم شما را بدرستی که من او را

خوامی

آمی زیدم و روایتیست از ائمه معصومین علیهم السلام در
تفسیر آیة وَالَّذِینَ هُمْ عَلٰی صَلَوٰتِهِمْ دَائِمُونَ یعنی مداومت میکنند در نافلهٔ
سنت اگر فوت شود بشب قضا کند بروز و اگر فوت شود بروز قضا
کند بشب باید که رکعت اول را ابتدا کند بهفت تکبیر با سه دعا که گذشت
و بخواند در ان بعد از الحمد قل هو الله احد سه بار و در رکعت دوم انا
انزلناه و اگر خواهد در رکعت اول قل یا ایها الکافرون بخواند و در دوم
قل هو الله احد و اگر الحمد تنها بخواند کافی است چنانکه در باقی سنتها
و باید که قرائت را در ان بلند بکند و در جمیع نافله شب و بعد از فراغ
از دو رکعت اول بگوید اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر
الاعلی وان الیک الرجعی والمنتهی وان لک الممات والمحیا وان
لنا الآخرة والاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل ونخزی ونأتی

ما عنده نفسي اللهم اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد واسألك
الجنة برحمتك واستعيذ بك من النار بقدرتك واسألك
من الحور العين بعزتك وان تجعل اوسع رزقي عند كبر سني و
احسن عملي عند اقتراب اجلي واطل في طاعتك وما يقرب منك
ويحظي عندك ويزلف لديك عمري واحسن في جميع احوالي
وامور معرفتي ولا تكلني الى احد من خلقك وتطول علي
بقضاء جميع حوائجي في الدنيا والآخرة وابدأ بوالدي وولدي
وجميع اخواني المؤمنين والمؤمنات في جميع ما سألتك لنفسي
برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از فراغ از متعلقات دو رکعت اولی
نافله مغرب شروع کند در دو رکعت آخر و در رکعت اول انها بخواند
بعد از سوره الحمد اول سوره حدید بسم الله الرحمن الرحيم

سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم له ملك
السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير هو الاول
والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم هو الذي خلق
السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم
ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج
فيها وهو معكم اينما كنتم والله بما تعملون بصير له ملك
السموات والارض والى الله ترجع الامور يولج الليل في النهار
ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور و بعد در ركعت
دوم آخر سوره حشر بخوان لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم

الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله

الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له

الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم

ودر سجده ركعت آخر هفت بار بگو اللهم اني اسالك بوجهك

الكريم واسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل محمد

وان تغفر لي ذنبي العظيم انه لا يغفر الذنوب العظيم الا

العظيم چون فارغ شوی ازین چهار رکعت باقی تعقیب شام را تمام

کن وبخوان ازانچه در تعقیب صبح مذکور شد وآنچه در صباح و

شام خوانده می شود فصل اگر وقت وسعت داشته باشد

بخوان عقب نافله مغرب این دعا را بسم الله الرحمن الرحيم اللهم

صل على محمد البشير النذير السراج المنير الطهر الطاهر خاتم انبيائك
وسيد اصفيائك وخالص اخلائك ذي المقام المحمود والمنهل
المشهود والحوض المورود اللهم صل على محمد وآل محمد كما بلغ رسالتك
وجاهد في سبيلك ونصح لامته حتى اتاه اليقين وصل على آله
الطاهرين الاخيار الاتقياء الابرار الذين انتجبتهم لنفسك
واصطفيتهم من خلقك وامنتهم على وحيك وجعلتهم خزان
علمك وتراجمة وحيك واعلام توحيدك وحفظة سرك واذهبت
عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انفعنا بحبهم واحشرنا في زمرتهم
وتحت لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك
وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين الله الذي اذهب النهار
بقدرته وجاء بالليل برحمته خلقا جديدا وجعله لباسا وسكنا

وجعل الليل والنهار آيتين لنعلم بهما عدد السنين والحساب

الحمد لله على إقبال الليل وإدبار النهار اللهم صل على محمد وآله و

أصلح لي ديني الذي هو عصمة أمري وأصلح لي آخرتي التي إليها

منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كل خير واجعل الموت راحة لي

من كل سوء واكفني أمر دنياي وآخرتي بما كفيت به أولياءك و

حزبك من عبادك الصالحين واصرف عني شرهما ووفقني لما

يرضيك عني بكرمك أمسينا والملك لله الواحد القهار وما في

الليل والنهار خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك

ولا ترهما جرأة مني على معاصيك ولا ركوبا لمحارمك واجعل

عملي فيهما مقبولا وسعيي مشكورا وسهل لي ما أخاف عسره

واقض لي فيه بالحسنى وآمني مكرك ولا تهتك عني سترك ولا

تنسني

تنسني ذكرك ولا تخل بيني وبين حولك وقوتك ولا تلجئني الى
نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد من خلقك يا كريم اللهم صل على
محمد وآل محمد وافتح قلبي لذكرك حتى اعي وحيك واتبع امرك
واجتنب نهيك اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تصرف عني
وجهك ولا تمنعني فضلك ولا تحرمني عفوك واجعلني اوالي
اوليائك واعادي اعدائك وارزقني الرهبة منك والرغبة
اليك والتسليم لامرك والتصديق بكتابك واتباع سنة
نبيك صلى الله عليه وآله وسلم اللهم اني اعوذ بك من نفس
لا تقنع وبطن لا يشبع وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة لا
ترفع ودعاء لا يسمع واعوذ بك من سوء القضاء ودرك
الشقاء وشماتة الاعداء وجهد البلاء وعمل لا يرضى ونعوذ بك

۳ وعمل لا ينفع

من الفقر والكفر والغدر وضيق الصدر وسوء الامر ومن بلاء
ليس لي به صبر ومن الداء العضال وغلبة الرجال وخيبة المطلب
وسوء المنظر في النفس والاهل والمال والدين والولد وعند
معاينة ملك الموت واعوذ بالله من انسان سوء وقرين سوء (وجار سوء)
وساعة سوء ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل
من السماء وما يعرج فيها ومن شر طوارق الليل والنهار الا طارقا
يطرق بخير ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على
صراط مستقيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم الحمد لله
الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ان بعد
بكو اللهم اني اسألك بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في

قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی

و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی بعد از ان دو سجده شکر کن و بکو بعد از انها

و بعد از ان انچه کذشت و اقل انچه کافیست ان است که در هر یک سه

بار بکوئی شکرا و در بعضی روایات سجدهای شکر پیش از نافله است

و بعد ازین دو رکعت ساعت غفلت بجای آورد در رکعت اول بعد از

الحمد وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی

الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فا

ستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و در رکعت

دوم بعد از الحمد و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم

ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة فی

ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین بعد از

اِذْ ذَهَبَ

در قنوت بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَیْبِ الَّتِی لَایَعْلَمُهَا
اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی كَذَا وَكَذَا
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِی وَاَنْتَ الْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِی تَعْلَمُ حَاجَتِی
فَاَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَیْتَهَا لِی
وَتَسْاَلُ حَاجَتَكَ و حاجت خود طلب کن روایت کرده هشام بن سالم
از حضرت امام جعفر صادق عم که هر که این دو رکعت بگذارد میان
شام و خفتن و دعا کند باین دعا و طلب نماید از خدا تعالی حاجتش را
عطا کند خدا تعالی او را آنچه سوال کند بدانکه مشهور است نام
این دو رکعت بدو رکعت غفیله و دو رکعت ساعت غفلت و وجهش
اینست که ساعتی که این دو رکعت در او بجای می آرند که میان شام
و خفتن است می نامند ساعت غفلت روایت کرده در فقیه از

حضرت امام محمد باقر عم فرمود که ابلیس متفرق میسازد لشکر
شبش را از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن شفق و متفرق
میسازد لشکر روز را از وقت طلوع فجر تا طلوع آفتاب و فرمود که بسیار
کنید ذکر خدا تعالی را درین دو ساعت و پناه برید بخدا تعالی از شر
ابلیس و لشکرهاش درین دو ساعت بدرستی که این دو ساعت ساعتهای
غفلت اند و روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب از امام جعفر صادق
عم که فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نافله بجا آرید
در ساعت غفلت اگر دو رکعت خفیف باشد که اینها باعث دار کرامتند
که بهشت باشد گفتند یا رسول الله چه چیز باشد ساعت غفلت
فرموده که میان مغرب و عشا و مخفی نماند که از اینجا مراد میان وقت مغرب است و وقت
و عشا که میان غروب آفتاب و برطرف شدن شفق است چنانکه مرشد است

که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده

بان حدیث کن شنته نزمابین الصلوتین و در احادیث صحیحه مذکورست

که اول وقت خفتن غایب شدن شفقست چنانک خواهد آمد

و از ان مفهوم میشود که وقت اداء نماز غفلت میان غروب و

ذهاب شفق است پس چون این وقت برود قضا شود و سنتست

در وقت غفلت دو رکعت دیگر در اول بعد از الحمد سیزده بار سوره

اذا زلزلت و در دوم بعد از الحمد پانزده بار قل هو الله احد و روایت

کرده شیخ طوسی از امام جعفر صادق عم که حضرت پیغمبر صلی الله

علیه و آله و سلم فرموده که کسی که بگذارد این نماز را در هر شب خاتمت

کند او را در بهشت و نداند ثواب آنرا مگر خدا تعالی فصل اول وقت

نماز خفتن فارغ شدنست از نماز شام بر مذهب مشهور و مکشته

وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت اداش تا نصف چهار رکعت مانند

شب و باید که بعد از فراغ دو رکعت غفیله تفحص شفق مغربی نماید پس
اگر شفق باشد شروع در نماز خفتن مکن تا آنکه شفق زایل شود
زیرا که مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی آنست که داخل نمیشود
وقت عشا مگر بعد از غایب شدن شفق و روایت کرده در فقیه
بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق عم که اول وقت نماز خفتن
بر طرف شدن سرخیست و این محمولست بر آنکه سنتست تاخیر نماز
تا بر طرف شدن شفق پس چون شفق زایل شود باید که مبادرت
کنی باذان و اقامت بدعاهای که پیش از اقامتست و بعد از آن شروع
در نمازهای خفتن بادابی که گذشت و بخوان در رکعت اول سوره
اعلی یا سوره والشمس یا آنچه مثل اینها باشد بدلیلی چنانکه روایت
کرده در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق عم و در

رکعت دوم سوره قل هو الله احد مثل باقی نمازها بعد از آن تکبیر وقنوت

بگو بخوان آنچه گذشت در باب اول وآنچه می آید در باب ششم و

طول در قنوت را و تعقیبات نیز اکه وقت وسیع است پس بخوان

هر تعقیبی که مشترکست میان پنج نمازها وآنچه مشترکست میان صبح و شام

دعا را و آنچه مخصوص است بعشا پس بگو اللّهم بحق محمد و آل محمد

لا تُؤمنا مكرك ولا تنسنا ذكرك ولا تكشف عنا سترك ولا

تحرمنا فضلك ولا تحلل علينا غضبك ولا تباعدنا من جوارك

ولا تنقصنا من رحمتك ولا تنزع عنا بركاتك ولا تمنعنا عافيتك

واصلح لنا ما اعطيتنا وزدنا من فضلك المبارك الطيب

الحسن الجميل ولا تغير ما بنا من نعمتك ولا تؤيسنا من

روحك ولا تهنا بعد كرامتك ولا تضلنا بعد اذ هديتنا و

صل على محمد وآل محمد

هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ بعد از ان بخواند هو
یک بار فاتحه و توحید و حمد و معوذتین ده بار و ده بار بعد از ان
بگو سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ پس ده بار بخواند
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ پس بگو اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِیْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ
وَاَسْبِغْ عَلَیَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَمَتِّعْنِیْ بِالْعَافِیَةِ مَا اَبْقَیْتَنِیْ فِیْ
سَمْعِیْ وَبَصَرِیْ وَجَمِیْعِ جَوَارِحِیْ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَیْكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
پس بگو و این دعا ها طلب رزق است اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَیْسَ لِیْ عِلْمٌ
بِمَوْضِعِ رِزْقِیْ وَاِنَّمَا اَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلٰی قَلْبِیْ فَاَجُوْلُ
فِیْ طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ وَاَنَا فِیْمَا اَطْلُبُ كَالْحَیْرَانِ لَا اَدْرِیْ اَفِیْ سَهْلٍ
هُوَ اَمْ فِیْ اَرْضٍ حَزْنٍ اَمْ فِیْ سَمَاءٍ اَمْ فِیْ بَرٍّ اَمْ فِیْ بَحْرٍ وَعَلٰی

من

يديك ومن قبل من وقد علمت ان علمه عندك وما اسبابه

بيدك وانت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك اللهم

فصل على محمد وآل محمد واجعل يا رب رزقك لي واسعا و

مطلبه سهلا ومأخذه قريبا ولا تعنّني بطلب ما لم تقدّر

لي فيه رزقا فانك غنيّ عن عذابي وانا فقير الى رحمتك

فصل على محمد وآل محمد وجد على عبدك بفضلك انك ذو

فضل عظيم پس بگويد بسم الله الرحمن الرحيم اللهم

صل على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها رضوانك وتجنبنا

بها من سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد

وارني الحق حقا حتى اتبعه وارني الباطل باطلا حتى

اجتنبه ولا تجعله علي متشابها فاتبع هواي بغير هدى

وآل محمد

منك واجعل هواي تبعا لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضا

من نفسي واهدني لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي

من تشاء الى صراط مستقيم اللهم صل على محمد وآله واهدني

فيمن هديت وعافني فيمن عافيت وتولني فيمن توليت وبارك

لي فيما اعطيت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك

تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك فعفوت

فلك الحمد وبسطت يدك بالخيرات فاعطيت فلك الحمد تطاع

ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر وانت كما اثنيت على

نفسك بالكرم والجود لبيك وسعديك تباركت وتعاليت

لا ملجأ ولا منجا منك الا اليك لا اله الا انت سبحانك اللهم

وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وانت ارحم

وهو يجير ولا يجار عليه

الرّاحمين لا اله الّا انت سبحانك اِنّي كنت من الظّالمين لا اله

الّا انت سبحانك اللّهمّ وبحمدك عملت سوءً وظلمت نفسي فاغفر لي

يا خير الغافرين لا اله الّا انت سبحانك اللّهمّ وبحمدك عملت سوءً

وظلمت نفسي فتب عليّ اِنّك انت التّوّاب الرّحيم لا اله الّا انت

سبحانك اِنّي كنت من الظّالمين سبحان ربّك ربّ العزّة عمّا

يصفون وسلامٌ على المرسلين والحمد للّه ربّ العالمين اللّهمّ

صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وبيّتني منك في عافيةٍ وصبّحني منك في

عافيةٍ واسترني منك في عافيةٍ وارزقني تمام العافية ودوام

العافية والشّكر على العافية في نفسي وديني واهلي ومالي

وملكي واهل حزانتي وكلّ نعمةٍ انعمت بها عليّ وتنعم

فصلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ واجعلني في كنفك وامنك وكلائتك

بيّتني

اللّهمّ اِنّي اسئلك

وحفظك وحياطتك وكفايتك وسترك وذمتك وجوارك
وودائعك يا من لا يضيع ودائعه ولا يخيب سائله ولا ينفد
ما عنده اني ادرأ بك في نحور اعدائي فكد من كادني وبغى
على اللهم من ارادنا فارده ومن كادنا فكده ومن نصب
لنا عداوة فخذه يا رب اخذ عزيز مقتدر اللهم صل على
محمد وآل محمد واصرف عني البليات والآفات والعاهات
والنقم ولزوم النقم وزوال النعم وعواقب التلف و
ما طغى به الماء لغضبك وما عتت به الريح عن امرك
وما اعلم وما لا اعلم وما اخاف وما لا اخاف وما احذر
وما لا احذر وما انت اعلم به مني اللهم صل على محمد
وآل محمد وفرج همي ونفس غمي وسل حزني واكفني ما

ضاق به صدري وعيل به صبري وقلّت فيه حيلتي وضعفت

عنه قوتي وعجزت عنه طاقتي وردّتني فيه الضرورة عند

انقطاع الآمال وخيبة الرجاء من المخلوقين إليك فصلّ على

محمد وآل محمد واكفني يا كافيا من كل شيء ولا يكفي منه شيء

اكفني كل شيء حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم صلّ على محمد و

آل محمد وارزقني حج بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك صلواتك

عليه وآله مع التوبة والندم اللهم إني أستودعك

[همني]

نفسي وأهلي ومالي وولدي وإخواني وأستكفيك ما أ

وما لم يهمني وأسألك خيرتك [?] من خلقك الذي لا يمنّ [?] به

[مني؟]

سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤ

[اللهم]

كتابا موقوتا بعد از آن دو سجده شكر كن وبگو در سجده اول

اَنْتَ اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ يَا اَحَدُ مَنْ لَا اَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ يَا مَنْ يَزِيدُ كَثْرَةُ العَطَاءِ اِلَّا كَرَمًا وَجُودًا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ پس روی راست بر زمین بگذارد و همین دعا
بخواند پس روی چپ همین دعا بخواند پس بگوید و این دعا است که
برای دفع سختیها است يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا بَارِئَ
النَّسَمِ يَا مُجَلِّيَ الهِمَمِ يَا مُغْشِيَ الظُّلَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالاَلَمِ
يَا ذَا الجُودِ وَالكَرَمِ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ
يَا مُحْيِيَ العِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ المَوْتِ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا يَا ذَا الجَلَالِ
وَالاِكْرَامِ پس دو رکعت وتیره بجای آرد نشسته و جائز است ایستاده

٥

ومشهور اولست و بعضی از علمای ما ذکر کرده‌اند که نشستن در این
دو رکعت افضلست از ایستاده و در تهذیب روایت کرده بسند
صحیح که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده که دو رکعت بعد از
عشا پدرم میکنارد آنها را نشسته و من میکنارم ایستاده
عمل ما بر مشهور است و میکنند وقت این تا آنکه وقت عشا باشد
پس اینها از نصف شب بعد قضا است و سنتست که در اول
هفت تکبر بگوئی یا سه دعای مذکور بخوانی در رکعت اول
سوره ملک یا واقعه و در دوم سوره توحید و بعد از فراغ
بخوان هرچه خواهی باب پنجم در بیان آنچه میان وقت خفتن
تا نصف شب بجای باید آورد چون خواهی که بخوابی اول طهارت
بسازی و روایت کرده در فقیه که حضرت امام جعفر صادق عم

٨ دو رکعت

محموده

٩٦

فرموده که کسی که طهارت سازد و در روز اش خود بخوابد فرش او مسجدش باشد و علمای ما ذکر کرده‌اند که با قدرت بر آب تیمم جائز است برای خوابیدن و سنت است در وقت خواب خواندن سوره توحید و جحد چنانکه روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه بسند صحیح و روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح از ابی اسامه گفت شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میگفت کسی که بخواند قل هو الله احد را صد بار در محلی که بخوابد آمرزیده شود گناه پنجاه ساله گذشته اش و هم روایت کرده در کافی از آنحضرت که گفت حضرت پیغامبر صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که بخواند الهیکم التکاثر از خوابیدن نگاه داشته شود از فتنه قبر و باید که چون پهلوی چپ بر زمین نهی

بجا الکافیه مرویه

یعنی فشردن قبر

بخوانی این دعا را که روایت کرده در فقیه بسند صحیح از محمد
بن مسلم که گفت بمن گفت حضرت امام محمد باقر علیه السلام
که هرگاه می‌خواهی بجانب راست بر وساده نهالین بالید که بگوید
بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْلَمْتُ نَفْسِی اِلَیْکَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِی
اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَیْکَ وَاَلْجَاْتُ ظَهْرِی اِلَیْکَ
تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ وَرَغْبَةً اِلَیْکَ لَا مَلْجَاَ وَلَا
مَنْجَا مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتَابِکَ الَّذِی اَنْزَلْتَ وَ
بِرَسُولِکَ الَّذِی اَرْسَلْتَ پس تسبیح کن بتسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام در دو جای بعد از نماز و وقت خواب و ظاهر
روایتی که دالست بر دویم تقاضا میکند تقدیم سبحن الله را
بر الحمد لله و ظاهر روایتی که مطلق است تقاضا میکند تاخیر ش را

97

از الحمد لله و باکی نیست ببسط کلام درین مقام اگرچه خارجست

از حد کتاب اختلاف کرده علمای ما درین باتفاق در ابتدای

بتکبیر زیرا که صحیحه محمد بن سنان از حضرت امام جعفر صادق

عم صریحست در ابتدا بتکبیر و مشهور و معمول در تعقیبها تقدیم

تحمیدست بر تسبیح و یونس المحدثین و پدرش و ابن جنید قائلند

بتاخیرش از تسبیح و روایات از ائمه هدی علیهم السلام

خالی از اختلاف نیست و روایات معتبره که ظاهرش تقدیم

تحمیدست اطلاقش شاملست آنچه بعد از نماز باشد و آنچه

وقت خواب و آن اینست که روایت کرده شیخ طوسی در کتاب تهذیب

بسند صحیح از محمد بن عذافر گفت داخل شدم با پدرم بر حضرت امام

جعفر صادق عم پس سؤال کرد پدرم از آنحضرت از تسبیح فاطمه زهرا

علیها السلام پس آنحضرت فرمود الله اکبر را شمرد سی و چهار

بار پس گفت الحمد لله تا رسید بشصت و هفت پس گفت سبحان

تا رسید بصد شمرد آنها را حضرت بدستش همه را یک جمله و در واقع

که ظاهر فی تقدیم تسبیحات مخصوص است بآنچه وقت خواب است

و آن اینست که روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت امیر

المؤمنین علیه الصلوة والسلام گفت بمردی از بنی سعد آیا حدیث

کنم بتما از من و از فاطمه که نزد من بود فاطمه پس چندان آب

کشید که اثر کرد در سینه اش یعنی نشان آن در سینه ایشان ماند

چندان خانه جاروب کرد که رختهاش غبار آلوده شد و چندان

آرد بدستش کرد که آبله کرد دستهاش و چندان آتش کرد در

زیر دیگ که چرکین شد رختهاش پس رسید باو از این ضرری سخت

پس

پس گفتم بابا اگر بروی پیش پدرت و سوال کنی از وی خدمتکاری

که کفایت کند ترا سختی و شدت آنچه تو در آنی از عمل پس حضرت

فاطمه آمد پیش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم پس یافت پیش حضرت

جوانان را پس حیا کرد و برگشت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

و سلم دانست که حضرت فاطمه از برای حاجتی آمده پس پیش

ما آمد و ما در لحاف بودیم پس گفت السلام علیکم پس ما ساکت

شدیم و شرم کردیم چون در لحاف بودیم دیگر گفت السلام

علیکم پس ما ساکت شدیم و شرم کردیم در جای خود دیگر

گفت السلام علیکم پس ترسیدیم اگر رد سلام نکنیم برگردد

و عادت آنحضرت آن بود که سه بار سلام میکرد اگر اذن

میدادند و الا بر میگشت پس گفتیم علیکم السلام یا رسول الله

داخل شو پس آنحضرت داخل شد و نشست پیش سر ما و گفت ای فاطمه
چه بود حاجت تو نزد من پس ترسیدم که اگر جواب نگویم خبر زد
پس بیرون آوردم سر را پس گفتم والله من خبر دهم یا رسول الله
بدرستی که فاطمه آب کشید بمشک تا نشان آن در سینه اش ماند
و بدست آس کرده تا دستهاش آبله کرده و خانه جاروب کرده تا
آنکه رختهاش غبار آلوده شده در زیر دیگ آتش کرده چندانکه
رختهاش چرکین و سیاه شده پس گفتم من باو که اگر بیائی پیش
پدرت پس سوال کنی از وی خادمه که کفایت کند ترا از محنت آنچه تو در آنی
این کار پس حضرت صلعم فرمود که آیا تعلیم بکنم شما را چیزی که بهتر
از خادمست از برای شما هر گاه بخوابگاه خود شوید سی و چهار
تکبیر و تسبیح بکنید سی و سه و تحمید بگوئید سی و سه پس برین ورد فاطمه

علیها السلام سرش را و گفت راضی شدیم از خدا و رسولش و

مخفی نماند که این روایات صریحست در تقدیم الحمد لله پس این موید

ظاهر لفظ روایت صحیحه است پس حمل باید کرد در روایات دیگر

بر خلاف ظاهر اشان تا منافات میان روایات بر طرف شود اگر کسی

گوید که ممکن است عمل بظاهر هر دو روایت بانکه حمل کنیم روایت

اول را بر انچه بعد از نماز است و دویم را بر انچه وقت خواب پس احتیاج

نیست بکردانیدن روایت دوم از ظاهرش وجه عدول از این چیست

گوییم برای انچه ظاهر میشود بعد از تتبع تمام آنست که هر یک از فقهاء

قائلند بان مطلقا خواه بعد از نماز خواه وقت خواب باشد پس

قائل شدن بتفصیل مذکور احداث قول ثالث است و آن ممتنع است

که لازم آید از ان بر طرف شدن انچه امت بران اجماع کرده چنانک

مذکور است در بعه بکری که وطی کرده باشد بسبب عیبی دیگر

اتفاقیه

یعنی همانا این زیرا که جمیع علما اجماع کرده اند بر عدم فسخ بخلاف آنچه باعث

رفع ما أجمع علیه الامة نباشد مثل قائل شدن بفسخ نکاح بسبب بعضی

موافق اند

عیبهای پنجگانه دون بعضی دیگر زیرا که هر یک از فریقین در یک

قسم چنانکه درینجا است زیرا که مانعی از آن نیست مثل قول بصحت

بیع غایب و عدم قتل مسلم بذمی بعد از آنکه یکی از دو فریق قائلند

بقول ثانی و نقض اول و جمعی دیگر بعکس پس جواب آنست که این

تفصیل راست نیست بر مذهب سنیان اما بر مذهب ما که قائلیم

بانکه حجت بودن اجماع بسبب آنست که کاشف است از داخل بودن

کود

معصوم پس درست نیست زیرا که مخالفت درین صورت مثل

حاصلست اگر موافق باشد قائل را هر یک از فریقین در قسمی و همچنین

در بیع وقتل توضیح و باید که خوابیدن تو بر جانب راست باشد

زیرا که این خواب مؤمنان است چنانکه روایت کرده کلینی در

حسن
کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق که گفت گفتم بابی محمد یعنی امام

ی
عسکری علیه السلام فدای تو گردم من غمناکم بسبب چیزی

اگر سوال کنم ٥
که مرا در خاطر میرسد و بتحقیق که اراده کردم که سوال کنم از ان

حرامست
پدر تو عم از ان پس میسر نشد مرا پس آنحضرت فرمود که چه

بزرگوار علیهم
ای احمد پس من گفتم که روایت کرده شده مارا از پدران تو که

جانب
بدرستی که خوابیدن پیغمبران بر قفا است و خواب مؤمنان بر

طاین
راست شان و خواب منافقان بر جانب چپ و خواب شیا

بر روی شان پس آنحضرت فرمود بلی چنین است آن پس

مرا
گفتم یا سیدی من جهد میکنم که بر جانب راست بخوابم پس ممکن

نمیشود و خوابم نمیآید بر جانب راست پس ساعتی ساکت شد و

گفت ای احمد نزدیک شو بمن پس من نزدیک شدم پس گفت

دستت را داخل ساز در زیر رختها پس من داخل ساختم آنگاه آنحضرت

بیرون آورد دستش را از زیر رختهاش پس کشید دست

راستش را بر جانب چپ من و دست چپش را بر جانب راست من

سه بار پس گفت احمد که دیگر نتوانستم که بخوابم بر جانب چپ

از دعاها که نزد پهلو بر زمین نهادن باید خواند اینست که روایت

کرده کلینی در کافی بطریق صحیح که حضرت امام جعفر صادق عم فرمود

کسی که سه بار بگوید در وقت خوابیدن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ

لِلّٰهِ الَّذِی یُحْیِی الْمَوْتیٰ وَیُمِیتُ الْأَحْیَاءَ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

از الفاظ [illegible] حضرت [illegible]
و مواظبت [illegible]

برون رود از گناهان چون روزی که مادرش او را زائیده
و روایت کرده در کتاب مذکور که حضرت پیغمبر صلعم فرموده
کسی که بخواند این ایت را در وقت خوابیدن قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ
مِثْلُكُمْ يُوحىٰ اِلَىَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا درخشنده
و هویدا شود برای او نوری تا مسجد الحرام و میان آن نور فرشتها
باشند که استغفار کنند برای وی و هم در کتاب مذکور است
که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده هیچ بنده نیست که بخواند
آخر الکهف را در وقتی که بخوابد مگر آنکه بیدار شود در آن ساعتی
که خواهد مصنف کتاب ادام الله ظله گوید که این امر از عجایب است
و مجربست و شکی در آن نیست و مراد باخر الکهف همین ایه است که

بخش این مذکور شد و اگر از عقرب و امثال او ترسد پس بگوید
آنچه در کتاب مذکور روایت کرده که امام محمد باقر عم فرمود کسی
که بخواند این کلمات را پس ضامنم که نرسد باو عقربی و نه گزنده تا
صباح کند أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ
وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ
آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و روایت کرده
در کتاب مذکور که حضرت امام جعفر صادق عم فرمود هر که
از جنابت ترسد پس بگوید در فراش اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ
الِاحْتِلَامِ وَمِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ
فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ و هم روایت کرده در کتاب مذکور برای ایمن
بودن از فرود آمدن خانه و حضرت امام رضا عم فرمود بگوید

هیچکس هرگاه خواهد که بخواید اِنَّ اللّٰهَ یُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ وَ
الْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهٖ
اِنَّهٗ كَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا پس خانه بر سرش فرود آید یعنی چون این را
کسی بگوید هرگز خانه بر سر او فرود نیاید و هم در کتاب مذکور
روایت کرده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه در مدی
فراش خود گفتی بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ اَحْیٰی وَبِاسْمِكَ اَمُوْتُ و چون
بیدار شدی گفتی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَحْیَانِیْ بَعْدَ مَا اَمَاتَنِیْ وَ
اِلَیْهِ النُّشُوْرُ و هم در آن کتاب روایت کرده که حضرت امام جعفر
صادق عم فرمود هرگاه بشنوی آواز خروس پس بگو سُبُّوْحٌ
قُدُّوْسٌ رَبُّ الْمَلٰٓئِكَةِ وَالرُّوْحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسِیْ

فَاغْفِرْ لِی اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و باید که وقت خواب

سرمه بکشد روایت شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

میکشید با اثمد که سنگ سرمه سیاه هست در چشم هرگاه اراده میکرد

که در فراش خواب رود و روایتست که حضرت امام جعفر صادق

عم فرموده کسی که برسد او را ضعفی در چشم پس باید که بکشد در

چشم هفت میل در محل خواب از سرمه سنگ سیاه چهار در

چشم راست و سه در چشم چپ و هم از حضرتست در وقت

خواب مانع است از آبی که بچشم نازل شود و در روایتست

که بوقت سرمه کشیدن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ

فِی بَصَرِی وَ الْبَصِیرَةَ فِی دِینِی وَ الْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ الْاِخْلَاصَ

فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک

ابدا ما ابقیتنی و روایت کرده کلینی در کافی بسند حسن که حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود هرگاه که ببیند کسی در

خواب چیزی که کاره آن باشد پس باید که بگردد از جانبی که بر آن

خوابیده بود و بخواند انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا

ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت

به ملائکة الله المقربون وانبیاؤه المرسلون وعباده الصالحون

من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم باب ششم در بیان

آنچه از نصف شب تا طلوع فجر بجای باید آورد و درو مقدمه است

و چند فصل مقدمه بدانکه احادیث بسیار از اصحاب عصمت

سلام الله علیهم وارد شده در ترغیب برخاستن شب و فضیلت

وبیان فضیلت آن روایت کرده کلینی در کافی بسند صحیح که حضرت
امام جعفر صادق عم فرموده شرف مؤمن برخواستن او است در شب
وعزة او استغناء او است از مردم وهم در آن کتاب روایت
کرده بسند حسن از عبد الله بن سنان که گفت شنیدم از حضرت
امام جعفر صادق عم که گفت سه چیز است که آنها فخر مؤمن است
وزینتش در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و مایوس بودن از آنچه
در دست مردمست و دوست داشتن امامی از آل محمد صلی
الله علیه و آله وسلم در کافی روایت کرده از آنحضرت بسند حسن
در تفسیر قول خدا تعالی کَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ
و فرموده که این جماعت را کم شبی فوت میشد که در آن برنمیخواستند
وهم در کافی روایتست که شخصی آمد نزد حضرت امیر المؤمنین عم

کتاب

۱۰۳

پس گفت محروم شده ام از نماز شب پس آنحضرت فرمود که تو
مردی که گناهان تو ترا مقید ساخته و روایت کرده شیخ طوسی ره
در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق عم در بیان
آیه إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا گفت مراد برخواستن است
از فراش که اراده نکند بان مگر خدا تعالی و هم در تهذیب روایت
کرده بسند صحیح از آنحضرت که فرموده هیچ بنده نیست مگر که
بیدار کرده شود در هر شبی یکبار یا دو بار پس اگر برخاست فبها
و الا شیطان پاهاش را از هم دور میکند پس بول میکند در گوشش
آیا نمی بینید یکی از شما که چون برخاست و بان بیداری برنخاسته
میخیزد ثقیل و کاهل شده و هم در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از عمر بن
یزید که او شنید از حضرت امام جعفر صادق عم که میفرموده

در شب هر آینه ساعتی است که موفق نگردد آن ساعت را بنده مسلم
که نماز کند و دعا کند از خدا تعالی در آن ساعت مگر خدا تعالی
مستجاب کند برای او در هر شب گفتم اَصْلَحَکَ الله پس چه ساعتی است
از شب گفت هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث باقی باشد و در روایت
کرده رئیس المحدثین در فقیه بسند صحیح از عبدالله بن سنان که
او سوال کرده از حضرت امام جعفر صادق عم از قول خدا تعالی جل جلاله
که سِیمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ آن حضرت فرمود مراد بیداری است
در شب در نماز و روایات از اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین
بر ترغیب در نماز شب بسیار است [illegible] چون بیدار شوی از خواب
اول آنچه بجای باید آورد سجده است برای خدا تعالی روایتست
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون از خواب بیدار شدی سجده

در آیه

کردی وچون سجده کنی یا از سجده برداری بگو الحمد لله الذی
احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی ردّ علی
روحی لاحمده واعبده وروایت کرده کلینی در کافی بسند حسن
که حضرت امام محمد باقر عم فرموده که هرگاه شب برخیزی پس نظر کن
باطراف آسمان وبگو اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج ولا
سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق
بعض ولا بحر لجی تدلج بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة
الاعین وما تخفی الصدور غارت النجوم ونامت العیون وانت
الحی القیوم لا تاخذک سنة ولا نوم سبحن رب العالمین
بعد از ان بخوان پنج ایه از اخر آل عمران ان فی خلق السموات والارض
واختلاف اللیل والنهار لایات لاولی الالباب الذین یذکرون الله

لایات لاولی الالباب

والٰه المرسلین والحمد لله رب العالمین

قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و
الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحنک فقنا عذاب النار
ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار
ربنا اننا سمعنا منادیاً ینادی للایمان ان آمنوا بربکم
فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیاتنا و توفنا
مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم
القیمة انک لا تخلف المیعاد فصل بدانکه وقت نماز شب
بعد از نصف شب است و انرا هم زوال میگویند و روایت کرده ثقة
المحدثین در فقیه که عمر بن حنظله سوال کرد از حضرت امام جعفر
صادق عم که زوال روز را میدانیم پس چون بدانیم زوال شب
پس آنحضرت فرمود که شب را هم زوالیست همچون زوال آفتاب گفت پس

بچه چیز انرا بدانیم حضرت فرمود که بستارها چون منحدر شوند

یعنی چون شروع کنند در پائین آمدن از نصف النهار و ظاهرا

که مراد ستارها باشند که در اول شب طلوع کرده باشند و بدانک

در احادیث گاهی مراد بنماز شب هشت رکعتست و گاهی مراد یازده

رکعت که دو رکعت شفع و یک وتر هم داخل باشد و گاهی سیزده رکعت

که دو رکعت نافله فجر هم داخل باشد و نماز شب از سنتهای مؤکده

و در ان مبالغه بسیار است روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب

بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق فرموده که بود در وصیت

نامه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علی

عم انکه یا علی وصیت میکنم ترا بخصلتی چند در نفس خود پس

حفظ کن و ذکر خصلتی چند کرد تا انکه فرمود وَعَلَيْكَ بِصَلوة

[illegible]

اللیل و علیک بصلوة اللیل یعنی بر تو باد قیام بنماز شب و علیک

بصلوة الزوال فظاهر آنست که مراد آنحضرت بنماز شب نیز و گفت

باشد و بنماز زوال هشت رکعتی کرنا فلۀ زوالست چنانکه بعضی از

علما فرموده اند پس چون متوجه شوی بعبادت وقت حاجت باشد

به بیت الخلا ابتدا بآن کن فصل اگر در دست تو انگشتری یا تو چیزی

که از احترمتی و عزتی باید داشت از نامها و غیر آن پس آنرا همراه خود

داخل بیت الخلا مساز و همچنین زر و سفید که در چیزی نبسته باشی

بعد از آن پای چپ پیش بگذار نزد اول در آمدن اگر خانه باشد و اگر

صحرا باشد پس پای چپ پیش دار در جای نشستن و بگو بسم الله

و بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان

الرجیم و اگر قضا حاجت بصحرا کنی باید که جائی باشد که کسی ترا نبیند

وعلیک بصلوة اللیل

وعلیک بصلوة الزوال

وعلیک بصلوة الزوال

آداب خلوت

رسم باشد

وباید

برای

وباید که در وقت قضا حاجت سنگینی برپای چپ اندازی وپای
راست را دور تر داری وبسیار نه نشینی وچون تن فی مکر کاری که
ترس فوت شود یا خواندن آیة الکرسی که سنتست یا گفتن الحمد
لله رب العالمین یا ذکر اذان یا ذکر خدا تعالی وچون فارغ شوی
برخیز ودست راست بر شکم کش وبگو الحمد لله الذی اماط عنی
الاذی وهنانی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی پس
استبرا کن بانک بکشی انگشت میان را از زیر مقعد تا اصل الکر پس از آن
انگشت سبابه را ازین بکناری وابهام بالا وسه بار نثر کنی یعنی
بفشانی وسه بار بنفس حشفه را وسه بار تنحنح کن پس چون خواهی
که استنجا کنی باب یعنی طهارت دهی خود را پس بگو الحمد لله الذی
جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا وبدست چپ استنجا کن وا کن

در رن دست انگشتری باشد و نگینش از سنگ ریزه زمزم باشد

آن را بیرون کن و مقعد را اگر بشوئی با انگشت بنصر بشو و بدست

راست مس ذکر مکن و در غیر متعدی هم اختیار آب کن بی سنگ

وجمع اولی است خواه متعدی باشد خواه نه و مقعد را بشو که

احساس کنی بصبر و در حال استنجا بگو اللّهُمَّ حَصِّن فَرجی

وَاعِفَّهُ وَاستُر عَورَتی وَحَرِّمنی عَلَی النّارِ و مقدم دارد

شستن پس را بر شستن پیش و اگر به سنگ استنجا کنی

و به سنگ پاک نشود عدد آنها طاق ساز و به هر سنگی

تمام مخرج را پاک کن بعد دادن سنگ و برانجا و چون از

خلا بیرون آئی مقدم دار پای راست را نزد بیرون آمدن

بگو اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی عَرَّفَنی لَذَّتَهُ وَاَبقی فی جَسَدی قُوَّتَهُ

از سنگ زرد

الفقرر

ولحنج

وَاَخرِج عَنِّی اَذاهُ یا اِلهنا نِعمَةً یا اِلهنا نِعمَةً لا یَقدِرُ القادِرون عَدَّها و چون خواهی که وضو سازی اول مسواک کن بعد از آن وضو سانخنانکه در بیان وضوء کامل ذکر کردیم در باب اول بعد از آن خود را خوشبوی سان روایت شده که حضرت امام جعفر صادق عم فرموده که حضرت پیغمبر ص مسکه یعنی مشکدانی بود هرگاه وضو میساخت از بدست میگرفت و دست آنحضرت تر بود و هم از آنحضرت روایتست که دو رکعت نماز با بوی خوش افضلست از هفتاد رکعت نماز بی بوی خوش و بدانکه بوی خوش سنتست برای هر نماز و هر دعائی و مخصوص نیست بنماز و دعا شب و چون از وضو فارغ شدی و بوی کردی بنشین روی بقبله و بخوان این دعا را که حضرت

یا الهنا

خوش

امام زین العابدین علیه السلام بعنوانه الهی غارت نجوم سمائك و
نامت عیون انامك وهدات اصوات عبادك وانعامك
وغلقت الملوك علیها ابوابها وطاف علیها حراسها
واحتجبوا عمن یسالهم حاجة او ینتجع منهم فائدة
وانت الهی حی قیوم لاتاخذك سنة ولا نوم ولا
یشغلك شیء عن شیء ابواب سمائك لمن دعاك
مفتحات وخزائنك غیر مغلقات وابواب رحمتك
غیر محجوبات وفوائدك لمن سالك غیر محظورات
بل هی مبذولات الهی انت الکریم الذی لا ترد سائلا
من المؤمنین سالك ولا تحتجب عن احد منهم اراداك
لا وعزتك وجلالك ولا تختزل حوائجهم دونك ولا یقضیها

احدٌ غيرك اللهمّ وقد تراني ووقوفي وذلّ مقامي
بين يديك تعلم سريرتي وتطّلع على ما في قلبي وما
يصلح به امر آخرتي ودنياي اللهمّ إنّ ذكر الموت
وأهوال المطّلع والوقوف بين يديك نغّصني مطعمي
ومشربي وأغصّني بريقي وأقلقني عن وسادي و
منعني رقادي كيف ينام من يخاف بيات ملك
الموت في طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف
ينام العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا با
لنهار ويطلب قبض روحه بالبيات وفي آناء الساعات
وحضرت امام زين العابدين عم بعد ازين دعا سجده میکرد
وروی مبارکش را بر خاك میسایید و میگفت اسألك

نغّصني

الرَّوحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ لِقَاكَ وهم
آنحضرت عم پیش از نماز شب دو رکعت نماز میکنارد در رکعت
اول الحمد لله و قل هو الله احد و در دوم الحمد و قل یا ایها الکافرون
بعد از ان دست بر میداشت بتکبیر و دعا میکرد و چون این دو
رکعت بگذاری نیکو است که این دعا بخوانی که ابو الدردا
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین علی عم در دل شب میخواند
اِلٰهِی کَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقَابَلَتِهَا بِنِقْمَتِكَ وَكَمْ مِنْ
جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِهَا بِكَرَمِكَ اِلٰهِي وَاِنْ طَالَ فِي
عِصْيَانِكَ عُمْرِي وَعَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا اَنَا بِمُؤَمِّلٍ
غَيْرَ غُفْرَانِكَ وَلَا اَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ اِلٰهِي اُفَكِّرُ فِي
عَفْوِكَ فَتَهُونُ عَلَيَّ خَطِيئَتِي ثُمَّ اَذْكُرُ الْعَظِيمَ

روایت کرده رئیس المحدثین

مِنْ اَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي آهٍ اِنْ اَنَا قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ

سَيِّئَةً اَنَا نَاسِيهَا وَاَنْتَ مُحْصِيهَا فَتَقُولُ خُذُوهُ

فَيَالَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ لَا تُنْجِيهِ عَشِيرَتُهُ وَلَا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ

آهٍ مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْاَكْبَادَ وَالْكُلَى آهٍ مِنْ نَارٍ نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَى

آهٍ مِنْ غَمْرَةٍ مِنْ لَهَبَاتِ لَظَى پس گریه کن و هر دعائی که خواهی

بکن بعد از آن بخیر نماز شب و اجماع علما است بر آنکه

وقت نماز شب از نصف آخر شب است تا طلوع فجر صادق و

هر چند نزدیک تر بفجر صادق باشد افضلست و اگر چهار رکعت

از نماز شب کرده باشی و صبح صادق طلوع کند نماز شب را تمام

کن بالحمد تنها و اگر کسی را عذری باشد جایز است که پیش از

نصف شب بجا آرد اما قضا اش افضلست از تقدیم پس چون

خواهی که شروع در نماز شب کنی بگو اللهم انی اتوجه
الیک بنبیک نبی الرحمة وآله وقدمهم بین یدی حوائجی
فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین
اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم واهدنی بهم و
لا تضلنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی
حوائج الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر وبکل
شیء علیم بعد از آن نیت کن که دو رکعت نماز شب میکنم
سنت برای رضای خدا و هفت تکبیر بگو با سه دعا که پیش
مذکور شد و افضل آنست که در رکعت اول بعد از الحمد
سی بار قل هو الله احد بخوانی و در رکعت دوم بعد از الحمد قل
یا ایها الکافرون و در رکعتهای دیگر سورهای دراز مثل

سوره انعام والکهف وانبیا ویس وحم وانچه بقدر اینها

باشد ودر جمیع نمازهای سنتی جایز است که از روی مصحف

قرائت کنند اگرچه غیر آن سورها از بر داشته باشند

اما در نماز واجبی جایز نیست مگر آنکه هیچ سوره از بر نداشته

باشد وبعضی از علما گفته‌اند که در نماز واجبی هم جایز است

از روی مصحف خواندن مطلقا واین قول ضعیفست

واگر وقت نماز شب تنگ باشد کافیست الحمد وقل هو الله

احد در همه رکعتها بلکه الحمد تنها هم کافیست بدانکه اتفاق

علما است برانکه قنوت چنانکه در رکعت دویم نماز واجبی سنت

است در نماز سنتی هم سنتست چنانکه روایت کرده کلینی

در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

در طول

وکافیست در قنوت خواندن اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا
واعف عنا فی الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر چنانکه
در کافی روایت کرده از آنحضرت بسند حسن و در روایتی
وارد است که جهر در قنوت اگرچه در نمازهای سنتی روز باشد
و سنت است طول دادن قنوت خصوصا در نماز شب اگر وقت
وسیع باشد روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر ص فرمود
که از شما هر کی قنوتش درازتر باشد در دنیا بیشتر است راحت او
در روز قیامت و سید رضی الدین علی بن طاوس قدس سره در کتاب منهج الدعوات
پاره از قنوتهای طولانی که ائمه ع میخوانده اند و نفرین بر دشمنان
میکرده اند ذکر کرده است و جایز است قنوت از روی نوشته
و کتاب خواندن در نماز سنتی و در نماز واجبی قنوت جایز نیست

بسه تسبیح مجزی است و بهتر است
بلند خواندن قنوت

از

از روی نوشته وکتاب خواندن و از قنوت تنها مختص
کند در نماز واجب و سنتی میتوان خواندن دعا است الهی
كيف أدعوك وقد عصيتك وكيف لا أدعوك وقد
عرفت حبك في قلبي وإن كنت عاصيا مددت إليك
يدا بالذنوب مملوة وعينا بالرجاء ممدودة مولاي
أنت عظيم العظماء وأنا أسير الأسراء أنا الأسير بذنبي
المرتهن بجرمي إلهي لئن طالبتني بذنبي لأطالبنك
بكرمك ولئن طالبتني بجريرتي لأطالبنك بعفوك
ولئن أمرت بي إلى النار لأخبرن أهلها أني كنت أقول
لا إله إلا الله محمد رسول الله اللهم إن الطاعة تسرك
والمعصية لا تضرك فهب لي ما يسرك واغفر لي ما

لا یضرک یا ارحم الراحمین واگر خواهی در قنوت این دعا

امام محمد جواد عم بخوان اللهم ان الرجاء لسعة رحمتك

انطقني باستقالتك والامل لاناتك ورفقك شجعني

على طلب امانك وعفوك ولي يا رب ذنوب قد واجهتها

اوجه الانتقام وخطايا قد لاحظتها اعين الاصطلام

واستوجبت بها على عدلك اليم العذاب واستحققت

باجتراحها مبير العقاب وخفت تعويقها لاجابتي

وردها اياي عن قضاء حاجتي وابطالها لطلبتي وقطعها

لاسباب رغبتي من اجل ما انقض ظهري من ثقلها

وبهظني من الاستقلال بحملها ثم تراجعت رب الى

حلمك عن الخاطئين وعفوك عن المذنبين ورحمتك

للعاصين

للعاصين فاقبلت بثقتي متوكلاً عليك طارحاً نفسي
بين يديك شاكياً بثي اليك سائلاً ما لا استوجبه
من تفريج الهم ولا استحقه من تنفيس الغم مستقيلاً
اياك واثقاً بك مولاي اللهم فامنن علي بالفرج وتطول
علي بسهولة المخرج وادللني برأفتك على سمت المنهج
وازلقني بقدرتك عن الطريق الاعوج وخلصني من
سجن الكرب باقالتك واطلق اسري برحمتك وطُل
علي برضوانك وجُد علي باحسانك واقلني عثرتي وفرج
كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب دعوتي واشدد بالاقالة
ازري وقو بها ظهري واصلح بها امري واطل بها عمري
وارحمني يوم حشري وحين نشري انك جواد كريم

رؤف رحیم بعد از هر دو رکعت نماز شب این دعا را بخواند

اللهم انی اسألک ولم یسأل مثلک وانت موضع مسئلة السائلین ومنتهی رغبة الراغبین ادعوک ولم یدع مثلک وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت مجیب دعوة المضطرین وارحم الراحمین اسألک بافضل المسائل وانجحها واعظمها یا الله یا رحمن یا رحیم وباسمائک الحسنی وامثالک العلیا ونعمک التی لا تحصی وباکرم اسمائک واحبها الیک واقربها منک وسیلة واشرفها عندک منزلة واجزلها لدیک ثوابا واسرعها فی الامور اجابة وباسمک المکنون الاکبر الاعز الاجل الاعظم الاکرم الذی تحبه وتهواه

وترضى به عمن دعاك واستجبت له دعاءه وحق عليك
ان لا تحرم سائلك وبكل اسم هو لك في التورية و
الانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكل اسم
دعاك به حملة عرشك وملائكتك وانبياءك و
اهل طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك وتعجل خزي
اعدائه وان تفعل بي كذا وكذا وبجاي كذا وكذا مطلب
خود را ذكر كن پس تسبيح فاطمه زهرا عم بكو و هر دعائي كه
خواهي بكن پس دو سجده شكر كن واكر خواهي در يكي از آن دو
سجده اين دعاء امام زين العابدين عم را بخوان الهي وعزتك
وجلالك وعظمتك لو اني منذ بدعت فطرتي من

من اول الدهر عبدتك دوام خلود ربوبيتك بكل
شعرة في كل طرفة عين سرمد الابد بحمد الخلائق
وشكرهم اجمعين لكنت مقصرا في بلوغ اداء شكر
خفي نعمة من نعمك علي ولو اني كربت معادن
حديد الدنيا بانيابي وحرثت ارضها باشفار
عيني وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات
والارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا من كثير
ما يجب من حقك علي ولو انك الهي عذبتني بعد
ذلك بعذاب الخلائق اجمعين وعظمت للنار خلقي
وجسمي وملأت طبقات جهنم مني حتى لا يكون
في النار معذب غيري ولا يكون لجهنم حطب سواي

لكان ذلك بعد لك علي قليلاً في كثير ما

استوجبه من عقوبتك وچون هشت ركعت

نماز شب را بگذارى بعد از ركعت هشتم اين دعا

را بخوان يا الله يا الله ده بار صل على محمد

وآل محمد وارحمني وثبتني على دينك ودين

نبيك صلعم ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني

وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب

پس بگو اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم

الخالق الرازق المبدي المعيد المحيي المميت

البدي البديع لك الكرم ولك الجود

ولك المن ولك الامر وحدك لا شريك

لك يا خالق يا رازق يا محيي يا مميت يا بديع
يا رافع اسألك ان تصلي على محمد وآله وان
ترحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك
ووحشتي من الناس وانسي بك يا كريم پس
اين دعا كه حضرت امير المؤمنين عم بعد از
هشتم ركعت ميخوانند اللهم اني اسألك
بحرمة من عاذ بك ولجا الى عزك واستظل
بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك
يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى يا من سمى
نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا
وخوفا وطمعا والحاحا وتضرعا وتملقا و

قاعا

قَائِماً وَقَاعِداً وَرَاكِعاً وَسَاجِداً وَرَاكِباً وَ
مَاشِياً وَذَاهِباً وَجَائِياً وَفِي كُلِّ حَالاتي
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا و بجای کذا و کذا حاجت
خود ذکر کن پس دو سجده شکر و بخوان در آنها
آنچه پیش از این مذکور شده و چون
از تعقیب هشت رکعت نماز شب فارغ شوی
متوجه شوید و رکعت شفع و یک رکعت وتر
و افضل وقتهاش از صبح کاذب است تا صبح صادق
بدانکه مشهور میان متاخرین فقها آنست
که وقت رکعت سیوم است اما شایع و متعارف

در احادیث ائمه معصومین عم آنست که وتر
هر سه رکعت است که دو رکعت شفع هم داخل است
در وتر روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب بسند
صحیح از حضرت امام جعفر صادق عم که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام در هر سه رکعت
نماز وتر قل هو الله احد میخواندند و هم او روایت
کرده بسند موثق از آن حضرت که گفته که
حضرت پیغمبر صلعم میگذارد هشت رکعت
نماز نافله زوال و چهار رکعت اولی یعنی عصر
و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و
چهار رکعت بعد از مغرب و چهار رکعت عشا

اخر و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت نماز
وتر و دو رکعت فجر و نماز غداة یعنی
دو رکعت صبح تا آخر حدیث و روایت کرده رئیس
المحدثین بسند صحیح از حفص بن سالم الحناط
که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر
صادق عم که میگفت باکی نیست انکه بگذارد
شخصی دو رکعت وتر را پس برود و حاجت
خود را بر آورد بعد از ان برگردد و بجا
آرد دیگر رکعت را و احادیث درین بسیار است
واما اطلاق وتر بر رکعت سیوم تنها
در احادیث بسیار کم است واما در عبارات

متاخرین فقها شائع است واما متقدمان
فقها اکثر رکعت سیوم را مفرده وتر
میکویند ولهذا اینها ظاهر شد که اکر کسی
نذر کند نماز وتر موظف را برای الزمه
نمیشود مکر انکه هر سه رکعت بجا
آرد وانچه شیخ طوسی در کتاب مجمع البیان
فرموده که فاتحه را سبع مثانی کویند برای
انکه دو بار خوانده می شود در هر نماز فرض
وسنت واجب است خالی از قصور واعتراض
بنماز وتر بر وارد نیست   در هر دو رکعت
شفع بعد از الحمد سوره قل هو الله احد

بخواند واگر خواهی در رکعت اول قل
اعوذ برب الفلق و در دوم قل اعوذ برب
الناس و چون سلام دهد این دعا بخواند الهی
تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون و
قصدک فیه القاصدون و امل فضلک
و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل
نفحات و جوائز و عطایا و مواهب تمن
بها علی من تشاء من عبادک و تمنعها من
لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا عبدک
الفقیر الیک المؤمل فضلک و معروفک
فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه

اللّيلةِ على احدٍ من خلقك وعُدتَ عليه
بعائدةٍ من عطفك فصلِّ على محمدٍ
وآلهِ الطيبينَ الطاهرينَ الخيّرينَ الفاضلينَ
وجُد عليَّ بطَولك ومعروفك يا ربَّ العالمين
وصلّى الله على محمدٍ خاتمِ النبيّينَ وآلهِ الطاهرينَ
الذين اذهبَ الله عنهم الرجس وطهّرهم
تطهيراً انّ الله حميدٌ مجيدٌ اللّهمّ انّي ادعوكَ كما
امرتَ فاستجب لي كما وعدتَ انّك لا تخلفُ الميعاد
بعد از آن برخیزد و یک مفرده وتر و بعد از آن
نیت سه تکبیر بگو و بخوان اللّهمّ
انتَ الملكُ الحقُّ المبين

119

لا الٰه الّا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی

انه لا یغفر الذنوب الّا انت پس دو تکبیر بگو و بخوان لبیک

و سعدیک والخیر فی یدیک والشر لیس الیک و

المهدی من هدیت لا ملجأ و لا منجا منک الّا الیک

آمنت بک و توکلت علیک تبارکت و تعالیت سبحانک ربنا

و رب البیت پس دو تکبیر دیگر بگو و بخوان وجهت وجهی و

الخ بعد از الحمد سه بار قل هو الله احد و قل اعوذ برب

الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان بعد از ان دستها

بردار و قنوت بخوان گریه کنان این دعا را که در فقیه

بسند صحیح روایت کرده معروف بن خربوذ که امام محمد

باقر علیه یا امام جعفر صادق فرموده که بگو در وتر لا اله

الا الله العلي العظيم لا اله الا الله الحليم الكريم
سبحن الله رب السموات السبع ورب الارضين
السبع وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب
العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات و
الارض وانت الله زين السموات والارض وانت الله جمال
السموات والارض وانت الله عماد السموات والارض
وانت الله قوام السموات والارض وانت الله
صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين
وانت الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح
عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين
وانت الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم

وأنت الله كاشف السوء وأنت الله بك تنزل كل
حاجة يا الله ليس يرد غضبك إلا حلمك ولا ينجي من
عقابك إلا رحمتك ولا ينجي منك إلا التضرع إليك
فهب لي من لدنك يا إلهي رحمة تغنيني بها عن
رحمة من سواك بالقدرة التي بها أحييت جميع
ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني
غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاستجابة
في دعائي وارزقني العافية إلى منتهى أجلي وأقلني
عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي
اللهم إن رفعتني فمن ذا الذي يرفعني وإن أهلكتني
فمن ذا الذي يحول بينك وبيني أو يتعرض لك

فی شیء من امری وقد علمت یا الهی ان لیس فی حکمک

ظلم ولا فی نقمتک عجلة وانما یعجل من یخاف

الفوت وانما یحتاج الی الظلم الضعیف وقد تعالیت

عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا ولا

لنقمتک نصبا ومهلنی ونفسنی واقلنی عثرتی

ولا تتبعنی ببلاء علی اثر بلاء فقد تری ضعفی

وقلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی واستجیر

بک من النار فاجرنی واسالک الجنة فلا تحرمنی

بعد از آن هر دعا که خواهی بکن و هفتاد بار بگو استغفر

الله واتوب الیه اینجا حدیث تمام شد و سنت است

که دعا کنی برای چهل مؤمن یا بیشتر چنین بگو اللهم

نفسنی

اعف

اغفر لفلان وفلان تا جهل وهفتاد بار استغفار
کن ولرزان باشم بدست راست ودست چپ را برداز
باسمان چنانکه روایت کرده در فقیه بسند صحیح
اگر صد بار استغفار کنی افضلست بعد از ان هفت
بار بکو استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
لجمیع ظلمی وجرمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه
بعد از ان بکو رب اسات وظلمت نفسی وبئس ما
صنعت وهذه یدای یا رب جزاء بما کسبت
وهذه رقبتی خاضعة لما اتیت وها انا ذا بین
یدیک فخذ لنفسک من نفسی الرضا حتی ترضی
لک العتبی لا اعود بعد از ان سیصد بار بکو

اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ بعد از ان بگو رَبِّ اغْفِرْ لِیْ وَارْحَمْنِیْ

وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ و سنتست

تطویل در قنوت و تربیس اضافه کن قنوتی که در هشتم

رکعت نماز شب مذکور شد و اگر وقت وسعت داشته

باشد اضافه کن این دعا را که رئیس المحدثین روایت

کرده در کتاب الهالی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام

میخواندند در قنوت وتر سَیِّدِیْ سَیِّدِیْ هٰذِهٖ یَدَایَ

قَدْ مَدَدْتُهُمَا اِلَیْكَ بِالذُّنُوْبِ مَمْلُوَّةً وَعَیْنَایَ

بِالرَّجَاءِ مَمْدُوْدَةً وَحُقَّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ

تَذَلُّلاً اَنْ تُجِیْبَهُ بِالْكَرَمِ تَفَضُّلاً سَیِّدِیْ اَمِنْ

اَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِیْ فَاُطِیْلُ بُكَائِیْ اَمْ مِنْ اَهْلِ السَّعَادَةِ

خلقتنی

خلقتني وابشر رجائي سيدي سيدي
أم لضرب المقامع خلقت أعضائي أم لشرب
الحميم خلقت أمعائي سيدي لو أن عبداً
استطاع الهرب من مولاه لكنت أول الهاربين
منك لكني أعلم أني لا أفوتك سيدي لو أن عذابي
مما يزيد في ملكك لسألتك الصبر عليه
غير أني أعلم أنه لا يزيد في ملكك طاعة
للطائعين ولا تنقصه معصية العاصين سيدي
ما أنا وما خطري هب لي خطاياي بفضلك و
جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك
الهي وسيدي ارحمني مصروعا على الفراش تقلبني

أيدي أحبتي وارحمني مطروحا على المغتسل تغسلني

صالح خيرتي وارحمني محمولا قد تناول الأقرباء

أطراف جنازتي وارحم في ذلك البيت وحشتي

وغربتي ووحدتي فما للعبد من يرحمه إلا مولاه

واگر وقت تنگ باشد در قنوت اختصار کند واین

دعا بخواند اللهم إن كثرة الذنوب تكف

أيدينا عن انبساطها إليك بالسؤال والمداومة

على المعاصي تمنعنا عن التضرع والابتهال و

الرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فإن لم

يعطف السيد على عبده فمن يبتغي النوال

فلا تردا كفنا المتضرعة إليك إلا ببلوغ

الآمال

الامال فصلی الله علی اشرف الانبیاء والمرسلین
محمد واله الطاهرین بعد از ان رکوع کن وچون سر از
رکوع بر داری این دعا بخوان هذا مقام من حسناته
نعمة منک وسیاته بعمله وذنبه عظیم وشکره
قلیل الهی طموح الامال قد خابت الا لدیک
ومعاکف الهمم قد تقطعت الا علیک ومذاهب
العقول قد سمت الا الیک فالیک الرجاء
والیک الملتجی یا اکرم مقصود یا اجود مسئول
هربت الیک بنفسی یا ملجا الهاربین باثقال
الذنوب احملها علی ظهری وما اجد لی الیک
شافعا سوی معرفتی بانک اقرب من رجاه

بعمله

الطالبون ولجا اليه المضطرون واملّ ما لديه الراغبون

يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما

امتن به على عباده كفاء لتادية حقه صل على محمد وآل محمد

ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي

دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين پس تمام كن وبعد از

سلام تسبيح فاطمه زهرا عم بگويد بعد از ان اين دعا حزين را

بخواند انا جيك يا موجودا في كل مكان لعلك تسمع ندائي

فقد عظم جرمي وقل حيائي يا مولاي يا مولاي اي الاهوال

اتذكر ايها انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد

الموت اعظم وادهى مولاي يا مولاي حتى متى والى متى

اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا

وفا

وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله من هوى قد
غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت
لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي
يا مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت
قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم
ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم
صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا
اليك بصري متقلدا عملي قد تبرء جميع الخلق مني
نعم وابي وامي ومن كان له كدي وسعيي فان لم
ترحمني فمن يرحمني في القبر وحشتي ومن ينطق لساني
اذا خلوت بعملي وسالتني عما انت اعلم به مني فان قلت

نعم فاين المهرب من عدلك وان لم افعل قلت الم اكن

الشاهد عليك فعفوك يا مولاي قبل ان تلبس الابدان

سرابيل القطران عفوك عفوك يا مولاي قبل ان تغل

الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين ويا خير الغافرين

بعد از ان سجده کن ودر سجود بگو اللهم صل على محمد وآله

وارحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي من

الناس وانسي بك يا كريم يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون كل

شيء ويا كائنا بعد كل شيء لا تفضحني فانك بي عالم ولا

تعذبني فانك علي قادر اللهم اني اعوذ بك من كرب

الموت وسوء المرجع في القبور ومن الندامة يوم

القيمة اسالك عيشة هنية وميتة سوية و

منقلبا

منقلباً كريماً غير مخزٍ ولا فاضح اللهم ان مغفرتك
اوسع من ذنوبي ورحمتك ارجى من عملي فصل على
محمد وآل محمد فاغفر لي يا حياً لا يموت   چون
از تعقيب وتر فارغ شوی متوجه شويد و رکعت
نافلهٔ فجر واينها را هم دساستا مى گويند زيراكه داخل
در نماز شب . روايت كرده شيخ طوسى در تهذيب بسند
صحيح كه حضرت امام رضا عم گفت بر كنيد اين دو ركعت
نافلهٔ فجر نماز شب را ظاهر آنست وقت اين دو ركعت
ميكشند تا طلوع سرخى آفتاب از جانب مشرق چنانكه
در بعضى روايات است ومذهب بعضى از علما است
وافضل وقتها آن طلوع صبح كاذبست تا طلوع صبح صادق

وبخوان بعد از الحمد در رکعت اول قل یا ایها الکافرون و
در دوم قل هو الله احد و چون سلام دهی بر پهلوی راست
بخواب رو بقبله چنانکه میت را در لحد میکنارند و جانب
راست روی را بکنار بر دست راست و بگو استمسکت
بعروة الله الوثقی التی لا انفصام لها واعتصمت
بحبل الله المتین واعوذ بالله من شر فسقة العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ربی الله ربی الله
ربی الله آمنت بالله توکلت علی الله لا حول
ولا قوة الا بالله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
حسبی الله نعم الوکیل اللهم من اصبح وله حاجة

إلى مخلوق فإن حاجتي ورغبتي إليك وحدك لا
شريك لك لك الحمد الحمد لله رب الصباح الحمد لله
فالق الإصباح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله
جاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا
ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد وآل
محمد واجعل في قلبي نورا وعلى لساني نورا ومن
بين يدي نورا ومن خلفي نورا وعن يميني نورا
وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي
نورا واعظم لي النور واجعل لي نورا أمشي
به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القيمة بعد
بخوان آية الكرسي وقل أعوذ برب الفلق وقل أعوذ

برب الناس و پنج آیه آخر سوره آل عمران إنّ في خلق السموات

واختلاف الليل والنهار لآيات لأولي الألباب الذين

يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون

في خلق السموات والأرض ربنا ما خلقت هذا باطلا

سبحانك فقنا عذاب النار ربنا إنك من تدخل النار

فقد أخزيته وما للظالمين من أنصار ربنا إننا

سمعنا مناديا ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم

فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا

وتوفنا مع الأبرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك

ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف الميعاد بعد از آن

بنشاید و تسبیح فاطمه زهرا عم بگو و صلوات سبحن ربی

العظيم

العظیم وبحمده استغفر الله ربی واتوب الیه
هفت بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم بعد از آن دو سجده شکر
کن ودر آنها بگو آنچه توانی از دعاها اگر پیش گذشت
در سجدهای شکر وبرای برادران مؤمن دعا کن
اللهم رب الفجر واللیالی العشر والشفع والوتر
واللیل اذا یسر ورب کل شیء واله کل شیء وخالق
کل شیء وملیک کل شیء صل علی محمد وآله وافعل بی
وبفلان بن فلان ما انت اهله ولا تفعل بنا
ما نحن اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة
واگر وقت وسعت داشته باشد بخوان این دعا

که حضرت امام زین العابدین عم بعد از نماز شب میخواند

و مراد بنماز شب سیزده رکعت است که نافله فجر هم

داخل باشد اللهم یا ذا الملک المتابد بالخلود و السلطان

الممتنع بغیر جنود و لا اعوان و العز الباقی علی مر

الدهور و خوالی الاعوام و مواضی الازمان و الایام

عز سلطانک عزا لا حد له باولیة و لا منتهی له

بآخریة و استعلی ملکک علوا سقطت الاشیاء

دون بلوغ امده و لا یبلغ ادنی ما استاثرت به من

ذلک اقصی نعت الناعتین ضلت فیک الصفات

و تفسخت دونک النعوت و حارت فی کبریائک

لطائف الاوهام کذلک انت الله الاول فی اولیتک

وعلی

وعلى ذلك أنت دائم لا تزول وأنا العبد الضعيف
عملاً الجسيم أملاً خرجت من يدي أسباب الوصلات
إلا ما وصله رحمتك وتقطعت عني عصم الآمال إلا
ما أنا معتصم به من عفوك قلّ عندي ما أعتدّ به
من طاعتك وكثر علي ما أبوء به من معصيتك ولن
يضيق عليك عفوك عن عبدك وإن أساء فاعف
عني اللهم وقد أشرف على خفايا الأعمال علمك وانكشف
كل مستور دون خبرك ولا تنطوي عنك دقائق
الأمور ولا تعزب عنك غيبات السرائر وقد
استحوذ علي عدوك الذي استنظرك لغوايتي فأنظرته و
واستمهلك إلى يوم الدين لإضلالي فأمهلته فأوقعني

وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَةٍ وَكَبَائِرِ
أَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ حَتَّى إِذَا فَارَقْتُ مَعْصِيَتَكَ وَاسْتَوْجَبْتُ
بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَكَ فَتَلَ عَنِّي عِنَانَ عُذْرِهِ وَتَلَقَّانِي
بِكَلِمَةِ كُفْرِهِ وَتَوَلَّى الْبَرَاءَةَ مِنِّي وَأَدْبَرَ مُوَلِّيًا عَنِّي فَأَ
صْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا وَأَخْرَجَنِي إِلَى فِنَاءِ نِقْمَتِكَ طَرِيدًا
لَا شَفِيعٌ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا خَفِيرٌ يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ وَلَا
حِصْنٌ يَحْجُبُنِي عَنْكَ وَلَا مَلَاذٌ أَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنْكَ فَهَذَا
مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ وَمَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلَا يَضِيقَنَّ
عَنِّي فَضْلُكَ وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ وَلَا أَكُنْ
أَخْيَبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ وَلَا أَقْنَطَ وُفُودِ آمِلِكَ
وَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ

ونهيتني

ونهيتني فركبت وسوّل لي الخطأ خاطر السوء ففرّطت

ولا أستشهد على صيامي نهارا ولا أستجير بتهجدي

ليلا ولا تثني علي بإحيائها سنة حاشا فروضك

التي من ضيعها هلك ولست أتوسل إليك بفضل

نافلة مع كثير ما أغفلت من وظائف فروضك

وتعديت عن مقامات حدودك إلى حرمات انتهكتها

وكبائر ذنوب اجترحتها كانت عافيتك لي من

فضائحها سترا وهذا مقام من استحيا لنفسه

منك وسخط عليها ورضي عنك فتلقاك بنفس

خاشعة ورقبة خاضعة وظهر مثقل من الخطايا

واقفا بين الرغبة إليك والرهبة منك وأنت أولى

مَنْ رَجَاهُ وَاَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَاتَّقَاهُ فَاَعْطِنِي يَارَبِّ

مَا رَجَوْتُ وَآمِنِّي مَا حَذِرْتُ وَعُدْ عَلَيَّ بِعَائِدَةِ رَحْمَتِكَ

اِنَّكَ اَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ اَللّٰهُمَّ وَاِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ وَ

تَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْاَكْفَاءِ فَاَجِرْنِي

مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْاَشْهَادِ مِنَ

الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ وَالشُّهَدَاءِ

الصَّالِحِينَ مِنْ جَارٍ كُنْتُ اُكَاتِمُهُ سَيِّاٰتِي وَمِنْ ذِي

رَحِمٍ كُنْتُ اَحْتَشِمُ مِنْهُ فِي سَرِيرَتِي لَمْ اَثِقْ بِهِمْ

رَبِّ فِي السِّتْرِ عَلَيَّ وَوَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي

وَاَنْتَ اَوْلَى مَنْ وُثِقَ بِهِ وَاَعْطَى مَنْ رُغِبَ اِلَيْهِ وَ

اَرْاَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فَارْحَمْنِي اَللّٰهُمَّ وَاَنْتَ حَدَرْتَنِي

مَاءٍ مَهِيناً مِنْ صُلْبٍ مُتَضَائِقِ الْعِظَامِ حَرِجِ الْمَسَالِكِ
اِلَى رَحِمٍ ضَيِّقٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ تُصَرِّفُنِي حَالاً عَنْ
حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي اِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ وَاَثْبَتَّ فِيَّ
الْجَوَارِحَ كَمَا نَعَتَّ فِي كِتَابِكَ نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ
مُضْغَةً ثُمَّ عِظَاماً ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ
اَنْشَأْتَنِي خَلْقاً آخَرَ كَمَا شِئْتَ حَتَّى اِذَا احْتَجْتُ اِلَى
رِزْقِكَ وَلَمْ اَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ جَعَلْتَ
لِي قُوتاً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ اَجْرَيْتَهُ لِاَمَتِكَ
الَّتِي اَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا وَاَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا وَلَوْ
تَكِلُنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ اِلَى حَوْلِي اَوْ تَضْطَرُّنِي
اِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلاً وَالْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً

فقد وقتني بفضلك غناء البر اللطيف تفعل ذلك
بي تطولا على الى غايتي هذه لا اعدم برك ولا
يبطئ بي حسن صنيعك ولا تتأكد مع ذلك ثقتي
فاتفرغ لما هو احظى لي عندك قد ملك الشيطان
عناني في سوء الظن وضعف اليقين فانا
اشكو سوء مجاورته لي وطاعة نفسي له واستعصمك
من ملكته واتضرع اليك في ان تسهل الى رزقي
سبيلا فلك الحمد على ابتدائك بالنعم الجسام
والهامك الشكر على الاحسان والانعام فصل على محمد
وآله وسهل علي رزقي وان تقنعني بتقديرك لي وان ترضيني
بحصتي فيما قسمت لي وان تجعل ما بقي من جسمي وعمري في

سبل

سبيل الطاعة انك خير الرازقين اللهم اني اعوذ بك

من نار تغلظت بها على من عصاك وتوعدت بها من

صدف عن رضاك ومن نار نورها ظلمة وهينها اليم

وبعيدها قريب ومن نار ياكل بعضها بعضا ويصول

بعضها على بعض ومن نار تذر العظام رميما وتسقي

اهلها حميما ومن نار لا تبقي على من تضرع اليها و

لا ترحم من استعطفها ولا تقدر على التخفيف عمن

خشع لها واستسلم اليها تلقى سكانها باحر ما لديها

من اليم النكال وشديد الوبال واعوذ بك من عقاربها

الفاغرة افواهها وحياتها الصالقة بانيابها وشرابها

الذي يقطع امعاء وافئدة سكانها وينزع قلوبهم واستهديك

لما باعد منها واخر عنها اللهم صل على محمد وآله واجرني فيها

بفضل رحمتك واقلني عثراتي بحسن اقالتك ولا تخذلني

يا خير المجيرين انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة وتفعل

ما تريد وانت على كل شيء قدير اللهم صل على محمد

وآله اذا ذكر الابرار وصل على محمد وآله ما اختلف

الليل والنهار صلوة لا ينقطع مددها ولا يحصى عددها

صلوة تشحن الهواء وتملأ الارض والسماء حتى يرضى

وصلى الله عليه وآله بعد الرضا صلوة لا حد لها ولا

منتهى يا ارحم الراحمين

تمت بيد الضعيف النحيف شيخ عبد الله عفى عنه

شهر شعبان يوم الاربعاء سنة والف من الهجرة المحمدية



